

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

همه می‌دانیم امکانات آموزشی در همه جای کشور یکسان نیست. می‌دانیم در شهرهای کوچک و مناطق محروم امکانات آموزشی ضعیف است. در فضای مجازی پیام‌هایی از دانش‌آموزان روستایی دریافت کرده‌ام که از ناتوانی مالی برای خرید کتاب و جزوه و ... حکایت می‌کرد. تعارف که نداریم؛ خوب می‌دانیم این اوضاع اقتصادی حال شهری‌ها را هم خراب کرده است. از نابرابری‌ها و بالاخص نابرابری‌های آموزشی هر چه بگویم کم گفته‌ام. با این حال من یک دبیرم و آنچه از دست من برمی‌آید جزوات بنده است که به طور رایگان در اختیارتان قرار می‌گیرد.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعا برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - پارسال دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده است؛ اول اینکه بنده اصلا همچین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مؤلف آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملا با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتا خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصه» و دیگر علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعا قطعا جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ... با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج‌نهادن به تالیف و کار بنده، از کپی کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

## معرفی و سوابق علمی و آموزشی

ابوذر احمدی پَرگو؛ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبایی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)  
۱۷ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تالیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد) کتاب کمک آموزشی، طراحی سوالات نرم‌افزار آموزشی «مُنتا»، طراحی سوال سابق آزمون‌های مدرّسان شریف در مقطع کارشناسی ارشد و ...

مدرّس دبیرستان‌های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلم‌چی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس‌های کنکور موسسات و مدارس تهران و شهرستان‌ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس‌ها و کارگاه‌های شعر و ترانه

**\*توجه:** این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما دانش‌آموزان غیر کنکوری و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند.

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار تومان و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را با کمترین هزینه تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

موفق و سربلند باشید

دکتر ابوذر احمدی

مهر ماه ۱۴۰۰

## فهرست مطالب

## فارسی دهم

پیشگفتار	..... اهمیت دستور زبان فارسی	۵
درس یکم	..... اجزای جمله و نقش کلمات	۶
درس دوم	..... حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی / زمان افعال	۱۶
درس سوم	..... گروه اسمی / وابسته‌های پیشین و پسین	۲۱
درس چهارم	..... درس آزاد	۲۷
درس پنجم	..... تفاوت معنایی یک فعل	۲۸
درس ششم	..... نقش ضمیر پیوسته / جهش ضمیر	۳۰
درس هفتم	..... واژگان دوتلفظی	۳۳
درس هشتم	..... واژگان در گذر زمان	۳۴
درس نهم	..... واو عطف و ربط	۳۵
درس دهم	..... انواع جمله (ساده و مرکب)	۳۷
درس یازدهم	..... شیوه بلاغی	۳۹
درس دوازدهم	..... بازگردانی به نثر ساده / شبکه معنایی / دو حرف اضافه برای یک متمم	۴۱
درس سیزدهم	..... تغییر شکل نوشتاری بعضی از کلمات / شکل تاریخی افعال	۴۴
درس چهاردهم	..... انواع را (مفعولی / حرف اضافه / فک اضافه) / پسوندهای شباهت	۴۵
درس پانزدهم	..... درس آزاد	۴۸
درس شانزدهم	..... نقش کلمات و زمان افعال	۴۸
درس هفدهم	..... رابطه تناسب و ترادف	۴۸
درس هجدهم	..... منادا و نشانه ندا	۴۸

## فارسی یازدهم

درس یکم	..... معنای واژه (روابط معنایی واژگان: ترادف، تضاد، تناسب و تضمین) / جمله مرکب	۵۰
درس دوم	..... فعل و جمله مجهول	۵۲
درس سوم	..... قید مشترک با اسم / قید مشترک با صفت	۵۴
درس چهارم	..... درس آزاد	۵۵
درس پنجم	..... واژگان هم‌آوا	۵۶
درس ششم	..... شیوه بلاغی و جهش ضمیر	۵۷
درس هفتم	..... انواع جمله ساده و مرکب	۵۷
درس هشتم	..... نقش‌های تبعی (معطوف، بدل و تکرار)	۵۷
درس نهم	..... اجزای جمله	۶۰

درس دهم ..... روابط معنایی / نقش کلمات ..... ۶۰

درس یازدهم ..... صفت بیانی ..... ۶۰

درس دوازدهم ..... واژگان در گذر زمان ..... ۶۰

درس سیزدهم ..... درس آزاد ..... ۶۰

درس چهاردهم ..... گروه اسمی ..... ۶۰

درس پانزدهم ..... حذف شناسه به قرینه فعل قبلی ..... ۶۰

درس شانزدهم ..... گروه اسمی ..... ۶۰

درس هفدهم ..... واو عطف و ربط / روابط معنایی واژگان / اسم و صفت مشترک با قید ..... ۶۰

درس هجدهم ..... زمان افعال / گروه اسمی ..... ۶۰

### فارسی دوازدهم

درس یکم ..... جهش ضمیر / حذف فعل به قرینه / هم‌آوا ..... ۶۱

درس دوم ..... تغییر معنای افعال ..... ۶۱

درس سوم ..... نقش واژه / حذف به قرینه ..... ۶۱

درس چهارم ..... درس آزاد ..... ۶۱

درس پنجم ..... گروه اسمی ..... ۶۱

درس ششم ..... واژگان در گذر زمان / تغییر معنای افعال ..... ۶۱

درس هفتم ..... اجزای جمله ..... ۶۱

درس هشتم و نهم ..... وابسته‌های وابسته ..... ۶۱

درس دهم ..... هم‌آوا / واو عطف و ربط ..... ۶۶

درس یازدهم ..... ضمیر و مرجع ضمیر ..... ۶۶

درس دوازدهم ..... تغییر معنای افعال / روابط معنایی واژگان ..... ۶۷

درس سیزدهم ..... گروه اسمی ..... ۶۷

درس چهاردهم ..... اجزای جمله / نقش‌های تبعی ..... ۶۷

درس پانزدهم ..... درس آزاد ..... ۶۷

درس شانزدهم ..... نقش کلمات / انواع جمله (ساده و مرکب) ..... ۶۷

درس هفدهم ..... مفهوم «ان» (پسوند «ان» ..... ۶۷

درس هجدهم ..... حذف فعل به قرینه ..... ۶۸

ساختمان واژه ..... ۶۹

تست جامع و جمع‌بندی ..... ۷۲

## دستور زبان فارسی دهم

## پیشگفتار

دستور زبان فارسی یکی از مباحث مهم ادبیات است و ۴ نمره از سوالات پایان ترم و ۵ سوال (۲۰٪) کنکور را به خود اختصاص داده است. در این جزوه سعی شده، تمام مباحث دستوری که از پایه تا پایان کتاب دوازدهم آمده است، آموزش داده شود. بدیهی است بعضی از مباحث مهم‌ترند و در سوالات پایان ترم و کنکور بیشتر آمده‌اند، اما در این جزوه حتی کم‌اهمیت‌ترین مباحث دستوری را پوشش داده‌ام تا آموزش، ضمن مانع‌بودن از ورود مباحث غیر ضروری، جامع نیز باشد.

در بین مباحث دستوری، موضوعاتی مانند: اجزای جمله، نقش کلمات، ساختمان واژه، ترکیبات وصفی و اضافی، هسته و گروه اسمی، نقش‌های تبعی، حذف به قرینه، وابسته‌های وابسته و تغییر معنا در افعال، ارزش کنکوری و امتحانی بیشتری دارند. اما دستور مجموعه‌ای در هم تنیده است که نخواندن، رهاکردن و یادنگرفتن یک مبحث، قطعاً در مباحث دیگر خلل ایجاد خواهد کرد. لذا پیشنهاد می‌شود که جزوه را به طور کامل بخوانید. دستور نه تنها مبحثی سخت و خشک و نجسب نیست، بلکه در صورت خواندن باحوصله و یادگرفتن، بسیار لذت‌بخش نیز خواهد بود. **اکیداً توصیه می‌شود**، در صورتی که مبحثی را یاد نگرفتید، ناامید نشوید و دست از تلاش برندارید و در دفعات متعدد سراغ آن مبحث بروید. بدون شک در یکی از این تلاش‌های شما، سیم ارتباطی تان وصل خواهد شد و آن مبحث سخت یا مبهم را خواهید فهمید. در بسیاری از جزوات، مثال‌ها بسیار ساده‌اند، و با سوالات کنکور یا امتحان بسیار متفاوت. اما در این جزوه سعی شده است تا مثال‌ها از سوالات کنکور باشد، تا هم با سوالات کنکور بیشتر آشنا شوید و هم مثال‌ها به آنچه که در کنکور می‌آید شبیه‌تر باشد تا به طور جدی‌تری محک بخورید.

با توجه به اینکه آزمون‌های آزمایشی، درس به درس می‌باشند و مبحثی نیستند، **مباحث این جزوه نیز به ترتیب دروس کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم** تدوین شده است. و با توجه به رویکرد کنکوری این جزوه، تمام نکات مربوط به یک مبحث، یک‌جا و در بار اول آموزش داده شده است، لذا مبحثی که در سال دهم و سال‌های بعد تکرار شده، در همان سال دهم به طور کامل درس داده شده است.

پس از هر مبحث، برای جالفتادن و تثبیت آموزش، چندین تست آمده است. توصیه می‌شود این تست‌ها را **یک روز پس از مطالعه** بزنید تا تست‌زنی شما واقعی‌تر باشد و معلوم شود مبحث را حفظ نکردید و یاد گرفته‌اید. همچنین در پایان **سوالات آزمون سراسری ۱۴۰۰، ۹۹، ۹۸ و سوالات تالیفی** آمده است. جواب تشریحی تست‌ها را نیآورده‌ام تا دانش‌آموز تلاش کند و خود به جواب تشریحی برسد و بتواند تست‌ها را تحلیل کند. با توجه به اینکه این تست‌ها از آخرین کنکور سراسری می‌باشند، مهمترین سوالات موجود در این مبحث‌اند. لذا توصیه می‌شود قبل از پاسخگویی، به هیچ وجه پاسخ‌نامه را نبینید تا این تست‌های مهم را از دست نداده باشید.

درس یکم: مقدمه‌ای بر دستور زبان فارسی (اجزای جمله و نقش کلمات)

**\*توجه:** این درس مقدمه‌ای بر دستور زبان فارسی است و بسیار مهم است. لطفاً با دقت و با حوصله خوانده شود و

پیش از آموختن آن به مباحث بعدی نروید.

دستور زبان فارسی در اولین نگاه به دو بخش **صرف** و **نحو** تقسیم می‌شود.

**صرف:** صرف مربوط به **ساختمان کلمه** است. یعنی با جایگاه و نقش کلمه در جمله سر و کار نداریم. در مثال زیر واژه

«دانش‌آموز» یک «اسم» است.

دانش‌آموز در کلاس حاضر شد.

**نحو:** نحو مربوط به **نقش کلمه** در جمله است. و جایگاه واژه در جمله بررسی می‌شود. در مثال فوق «دانش‌آموز» در نقش

«نهاد» است. اکنون به مثال‌های زیر توجه کنید تا به طور دقیق‌تر تفاوت صرف و نحو را دریابید.

۱-	من آمدم.	از نظر صرف: ضمیر	و از نظر نحو: نهاد
۲-	خانه کوچک بود.	از نظر صرف: صفت	از نظر نحو: مسند
۳-	علی از گریه می‌ترسد.	از نظر صرف: اسم	از نظر نحو: متمم
۴-	علی شب آمد.	از نظر صرف: اسم	از نظر نحو: قید
۵-	مداد دانش‌آموز شکست.	از نظر صرف: اسم	از نظر نحو: مضاف‌الیه
۶-	علی درس می‌خواند.	از نظر صرف: فعل	از نظر نحو: فعل
۷-	دیوار بلند خانه فرو ریخت.	از نظر صرف: صفت	از نظر نحو: صفت

همان‌طور که در مثال‌های ۱ تا ۵ مشاهده می‌کنید یک واژه از نظر صرفی و نحوی دو اصطلاح متفاوت دارد.

در مثال‌های ۶ و ۷ اصطلاح به کار رفته برای «می‌خواند» و «بلند» از نظر صرفی و نحوی یکسان است. دلیل این اتفاق این

است که این دو اصطلاح هم در صرف وجود دارند و هم در نحو. اکنون که تا حدودی تفاوت صرف و نحو را آموختیم، تمام موارد

صرفی و نحوی را که قرار است، یاد بگیریم در ادامه می‌آورم تا ابتدا با نام آن‌ها آشنا شوید و یک‌جا همه را ببینید. سپس در

ادامه هر یک را به طور کامل شرح خواهیم داد.

نحو: نهاد، مفعول، متمم، مسند، مضاف‌الیه، صفت، قید، منادا، شاخص، بدل، معطوف، تکرار و فعل، نقش‌هایی هستند که با آن‌ها

سر و کار خواهیم داشت.

صرف: اسم، صفت، ضمیر، قید، حرف، شبه جمله، فعل و تمام مباحثی که مربوط به این هفت مورد می‌شود، از جمله ساختمان

واژه، مفرد و جمع و ... مواردی هستند که از نظر صرفی بررسی می‌شوند.

به این مثال توجه کنید: ← «دانش آموز درس می خواند.»

یک بار دیگر توضیح می دهیم که اگر واژه «دانش آموز» در جمله ای بود و گفتیم نقش آن نهاد است یا مفعول و چیز دیگر، ما یک کار نحوی انجام داده ایم. اما اگر گفتیم که این واژه «اسم» است یا این که گفتیم «وندی - مرکب» است یا گفتیم «مفرد» است، یک کار صرفی انجام داده ایم. در مورد «می خواند» هم اگر گفتیم «فعل» است هم از نظر صرفی فعل است و هم از نظر نحوی، با این تفاوت که وقتی از نظر صرفی می گوئیم «فعل» است، اسم یا ضمیر و... نیست اما وقتی از نظر نحوی می گوئیم «فعل» است یعنی مفعول یا نهاد و... نیست. یا وقتی می گوئیم «فعل مضارع» است یک کار صرفی انجام داده ایم.

برای این که مبحث صرف و نحو بهتر بهتر برایتان جا بیفتد چند نکته در مورد نوع سؤالات مطرح می شود. مثلاً سؤال «ساختمان واژه» مربوط به حوزه ی صرف است. زیرا ما با خود واژه کار داریم نه نقشی که گرفته است. یا «مفرد و جمع بودن» واژه نیز همین طور است و حوزه ی بررسی ما از واژه خارج نمی شود. اما مباحثی مانند «نقش کلمات» مربوط به نحو است. زیرا آن نقش باید در جمله بررسی شود و جایگاه و ارتباط آن با واژه های دیگر بررسی شود. سؤالات دستوری معمولاً یکی از این دو زمینه ی صرف یا نحو را هدف قرار می دهند. ولی در بعضی موارد، سؤال به گونه ای است که هم از نظر صرفی و هم نحوی باید آگاهی داشته باشیم. مثلاً در سؤالی آمده است، هسته ی کدام گروه اسمی یک «یک اسم مرکب» است؟ مشخص است که مبحث «اسم» یا «مرکب» مربوط به صرف و مبحث «هسته ی گروه اسمی» مربوط به نحو است.

با توجه به صحبت های بالا باید قبول کنیم که خواندن و یادگرفتن هر دو زمینه، واجب و ضروری است. و کوچک ترین مبحث را هم بی اهمیت ندانیم. زیرا ممکن است با مبحث مهم تری ترکیب شود و یک سؤال کنکور باشد.

## کلیات

همان طور که گفتیم دستور یعنی صرف و نحو. همه چیز در صرف و نحو است. گفتیم سؤالات از این مباحث مطرح می شود. اما این صرف و نحو کجا اتفاق می افتد؟ در پاسخ باید گفت: جمله. «جمله، بزرگ ترین واحد زبانی است که اتفاقات دستوری در آن رخ می دهد.» گفتیم سؤالات صرف در سطح واژه و کلمه هستند و سؤالات نحو، در سطح جمله بررسی می شوند. دانش آموزان به این نکته توجه کنند که جمله همان عبارت یا مصراع یا بیت نیست! ممکن است عبارت، مصراع یا بیت، از چند جمله ساخته شوند. در واقع ما هر سؤال دستوری را در یک جمله بررسی می کنیم. بنابر این بهتر است با جمله و اجزای آن بیشتر آشنا بشویم.

جمله: مجموعه کلماتی است که مقصودی را می رساند و حداقل دارای دو بخش نهاد و گزاره است.

همان طور که در تعریف آمده است، هر جمله دو بخش اصلی دارد: نهاد و گزاره.

نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات که درباره آن خبری می دهیم.

گزاره: خبری است که در مورد نهاد می دهیم.

جمله‌ها با توجه به گزاره‌هایشان با هم فرق دارند. یعنی در قسمت گزاره‌ی بعضی جمله‌ها نقش‌های متفاوتی وجود دارد.

(در ادامه در می‌یابیم که اجزای گزاره چه ارتباطی با فعل دارند.)

به جمله‌های زیر توجه کنید.

۱- علی آمد.	۵- علی کتاب را به حسین داد.
۲- علی کتاب را آورد.	۶- علی حسین را دانا می‌پندارد.
۳- علی از گربه می‌ترسد.	۷- علی به حسین دانا می‌گوید.
۴- علی باهوش است.	۸- علی دیوار را رنگ زد.

در جمله‌های بالا «علی» نهاد و باقی عبارت گزاره است. ما می‌دانیم: کلمه‌ای که قبل «را» آمده است، **مفعول**، کلمه‌ای که بعد

حرف اضافه باشد **متمم** و کلمه‌ای که با فعل اسنادی بیاید و چیزی را به نهاد نسبت بدهد، **مسند** است.

اینکه چرا بعضی جمله‌ها مفعول دارند چرا بعضی متمم و چرا بعضی مسند و یا دو تا از این نقش‌ها را دارند یا چرا اصلاً هیچ

کدامشان را ندارند، موضوعی است که دقیقاً به فعل جمله بستگی دارد.

در زبان فارسی ۸ ساختار برای جمله‌ها وجود دارد. به جدول زیر دقت کنید.

نهاد	گزاره	نهاد	گزاره
۱- علی نهاد	آمد. فعل	۵- علی نهاد	کتاب را به حسین داد. مفعول متمم فعل
۲- علی نهاد	کتاب را آورد. مفعول فعل	۶- علی نهاد	حسین را دانا می‌داند. مفعول مسند فعل
۳- علی نهاد	از گربه می‌ترسد. متمم فعل	۷- علی نهاد	به حسین دانا می‌گوید. متمم مسند فعل
۴- علی نهاد	باهوش است. مسند فعل	۸- علی نهاد	دیوار را رنگ می‌زد. مفعول فعل

در جدول بالا ۸ نوع جمله‌ی موجود در زبان فارسی را با اجزای اصلی آن‌ها می‌بینید. اکنون با دقت به ۸ ساختار فوق، موارد زیر

را در می‌یابیم.

۱: نهاد و فعل در همه‌ی جمله‌ها وجود دارند.

۲: نقشی به نام «گزاره» اصلاً وجود ندارد.

۳: این ۸ جمله یا ۲ جزء اصلی دارند یا ۳ جزء اصلی یا ۴ جزء اصلی.

۴: همان‌طور که می‌بینیم نقش‌هایی مثل مضاف‌الیه، صفت، قید و... در این ۸ ساختار وجود ندارد.



**\*توجه:** این ۸ ساختار، ساده‌ترین نوع ساختار جمله‌ها هستند. اما باید بدانیم که در کنکور سراسری یا امتحانات نهایی ما با این جمله‌ها سر و کار نداریم. معمولاً یک سری نقش‌های دیگر هم به آن‌ها اضافه می‌شود که آن‌ها را نقش‌های وابسته و تبعی و وابسته‌ی وابسته می‌گویند و همچنین ممکن است این نقش‌ها جا به جا شوند و با این ترتیب نیایند.

به جدول زیر دقت کنید:

منادا، نهاد، مفعول، متمم، مسند و فعل	نقش‌های اصلی
مضاف‌الیه، صفت	نقش‌های وابسته
بدل، معطوف و تکرار	نقش‌های تبعی
مُمیز، صفت مضاف‌الیه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت صفت، قید صفت	نقش‌های وابسته‌ی وابسته

**\*توجه:** مضاف‌الیه و صفت اصلی‌ترین نقش‌های غیر اصلی می‌باشند. در درس سوم فارسی دهم با آن‌ها آشنا می‌شوید.

**\*توجه:** بدل، معطوف و تکرار «نقش‌های تبعی» هستند. با نقش‌های تبعی در درس هشتم فارسی یازدهم آشنا می‌شوید.

**\*توجه:** نقش‌های وابسته، خود نیز وابسته می‌گیرند که به آن‌ها «وابسته‌ی وابسته» می‌گویند و ۵ مورد می‌باشند: مُمیز، قید صفت، صفت صفت، صفت مضاف‌الیه و مضاف‌الیه مضاف‌الیه. با وابسته‌های وابسته در درس‌های هشتم و نهم فارسی دوازدهم آشنا می‌شوید.

**\*توجه:** قید نیز جزء نقش‌های غیر اصلی است که می‌تواند جمله یا یکی از نقش‌های جمله را مقید کند.

## انواع نقش

معمولاً ۲ مورد از سوالات خیلی مهم و پرتکرار کنکور و امتحانات مربوط به نقش واژه‌ها و اجزای جمله است. پس بهتر است با نقش‌ها بیشتر آشنا بشویم.

**منادا:** کلمه‌ای که معمولاً با حرف ندا (ای، یا، ا و ...) می‌آید و مورد خطاب قرار می‌گیرد. (منادا می‌تواند بدون حرف ندا بیاید و از لحن متوجه آن شد. مانند: علی، درس‌هایت را خوب بخوان.)

**نهاد:** کلمه یا گروهی از کلمات که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم. نهاد، در حالت عادی و معیار و غیر ادبی، اول جمله می‌آید.

**فعل:** کلمه‌ای است که در حالت عادی در انتهای جمله می‌آید و یا خودش به نهاد نسبت داده می‌شود (علی آمد) یا کلمه‌ای را به نهاد نسبت می‌دهد. (علی کتاب را آورد. علی خوب است و...)

**مفعول:** کلمه‌ای یا گروهی از کلمات که یا بعد از آن «رای مفعولی» وجود دارد یا می‌توان بعد از آن «را» قرار داد.

**متمم:** کلمه یا گروهی از کلمات که پس از حرف اضافه می‌آید. و در نظم و نثر امروزی و معیار و غیر ادبی، یک حرف اضافه دارد

که پیش از متمم می‌آید. (حروف اضافه: از، به، در، برای، چو، چون، مثل، الا، الی، اندر، با، بدون، بر، بهر، بی، تا، جز، غیر، مانند، مگر)

**مسند:** کلمه‌ای است که به کمک فعل‌های اسنادی «است، بود، شد، و هم معنی‌هایشان؛ مانند: گشت و گردید» به نهاد نسبت داده می‌شود. (در ادامه خواهیم دید که بعضی از فعل‌های غیر اسنادی نیز مسند می‌گیرند.)

**مضاف‌الیه:** اسم یا ضمیری که بعد از اسم و با نقش‌نمای اضافه «-ِ یا یِ» می‌آید و به آن اضافه می‌شود. کتابِ علی، کتابِ من، نظرِ خود، پدرم و ...

**صفت:** صفت انوعی دارد که مهمترین آن‌ها «صفت بیانی» است که بعد از موصوف و با نقش‌نمای اضافه «-ِ یا یِ» می‌آید و ویژگی و حالتی را به موصوف اختصاص می‌دهد. (مردِ دانا آمد.)

**قید:** کلمه یا گروهی از کلمات است که فعل یا کلمات دیگر را به مفهومی مقید می‌کند و به راحتی قابل حذف از جمله است. و حذف آن به ساختار جمله خللی ایجاد نمی‌کند. (و به راحتی در جمله جابه‌جا می‌شود.)

\***توجه:** نهاد، مفعول، متمم، مسند و فعل، نقش‌های اصلی و مضاف‌الیه، صفت و قید، نقش‌های فرعی یا وابسته هستند.

## نکته‌های ۸ ساختار

۱- بعضی فعل‌ها به تنهایی نهاد را پوشش می‌دهند و معنای جمله را کامل می‌کنند. مثل «آمد» در مثال «علی آمد». به این فعل‌ها، «فعل‌های ناگذر» می‌گویند. و بعضی فعل‌ها به تنهایی نهاد را پوشش نمی‌دهند و به کلمه‌ی دیگری نیاز دارند. به این گونه فعل‌ها، «فعل‌های گذرا» می‌گویند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف) علی ..... می‌آورد. (ب) علی ..... می‌ترسد. (ج) علی ..... است.

در مثال (الف) باید مفعول وجود داشته باشد تا معنای جمله کامل شود. در مثال (ب) به متمم نیاز است و در (ج) به مسند. در واقع «می‌آورد» گذرا به مفعول، «می‌ترسد» گذرا به متمم و «است» گذرا به مسند است.

اکنون به مثال‌های زیر دقت کنید.

الف) علی، کتاب را ..... خرید. (ب) علی، حسین را ..... می‌داند.

ج) علی، به حسین ..... می‌گوید. (د) علی، دیوار را ..... می‌زد.

در مثال (الف) با وجود مفعول باز معنای جمله کامل نیست و به متمم (از بازار) نیاز دارد. در مثال (ب) نیز با وجود مفعول جمله کامل نیست و به مسند (دانا) نیاز دارد و در مثال (ج) نیز جمله با وجود متمم به مسند (قهрман) نیاز دارد و در مثال (د) نیز با وجود یک مفعول جمله کامل نیست و به مفعول دیگری (غذا) نیاز دارد.

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم:

فعل‌های ناگذر: فقط جمله‌های دو جزئی می‌سازند.

فعل‌های گذرا: ۳ مورد جمله سه‌جزئی و ۴ مورد جمله چهارجزئی می‌سازند.

**\*نکته:** در سال‌های قبل آموخته بودیم که مسند با فعل اسنادی می‌آید، اما باید بدانیم **ممکن است مسند با فعل اسنادی نیاید**، مانند ساختارهای ۶ و ۷. در واقع این‌طور می‌توانیم بگوئیم که **اگر فعل، اسنادی بود، حتماً مسند وجود دارد اما اگر مسند داشتیم شاید فعل اسنادی نداشته باشیم.**

**\*نکته:** در جمله‌هایی که ساختار «**نهاد + مفعول + مسند + فعل**» یا «**نهاد + متمم + مسند + فعل**» دارند، دانش‌آموزان گاه در تشخیص نوع جمله و یا مسند دچار اشتباه می‌شوند. باید توجه کنید که:

**اولاً:** فعل‌های این جمله‌ها محدود و انگشت‌شمارند که در مثال‌های زیر آمده‌اند.

مردم به علی دانا می‌گویند.	من علی را زیرک می‌شمارم.	مردم او را عاقل به حساب می‌آورند.
مردم علی را دانا می‌نامند.	مردم رستم را زیرک می‌نگرد.	من او را قهرمان می‌بینم.
مردم پوریای ولی را پهلوان می‌خوانند.	مردم علی را قهرمان می‌پنداشتند.	علی خودش را عاقل می‌داند.
من او را آگاه ساختم.	من علی را هم‌راز می‌گرفتم.	باران هوا را سرد گرداند.
استاد علی را آگاه کرد.	من علی را آگاه می‌کنم.	تو علی را آگاه کن.

**ثانیاً:** در ساختار این جمله‌ها، یک جمله‌ی «سه جزئی با مسند» وجود دارد. به مثال‌های زیر که مسند، با مفعول یا متمم آمده است دقت کنید.

مردم به حسین قهرمان می‌گویند. متمم مسند	متمم + مسند + است ← حسین قهرمان است.
مردم علی را شجاع می‌نامیدند. مفعول مسند	مفعول + مسند + است ← علی شجاع است.

همان‌طور که می‌بینیم این جمله‌ها در اصل «سه جزئی با مسند» بوده‌اند که جزء دیگری به آن‌ها اضافه شده است. گویی واژه‌ای به جمله سه جزئی اضافه شده است. مانند مثال‌های زیر:

هوا سرد است. ← باران، هوا را سرد کرد.
حسین زیرک است. ← علی، حسین را زیرک می‌نامد.
او شیردل است. ← مردم، به او شیردل می‌گویند.

**\*نکته:** در مورد فعل اسنادی در جمله‌های سه جزئی با مسند باید دقت کنیم که «است، بود، شد»، سه فعل اسنادی اصلی هستند و «گشت و گردید» هم اگر در معنای «شدن» و «هم‌معناهای آن» باشند فعل اسنادی می‌باشند و مسند می‌گیرند.

گشت: فعل اسنادی است و مسند می‌گیرد.	هوا سرد گشت. ←
گشت: فعل اسنادی نیست و مسند نمی‌گیرد.	علی دور میدان گشت. ←
گردید: فعل اسنادی است و مسند می‌گیرد.	هوا سرد گردید. ←
گردید: فعل اسنادی نیست و مسند نمی‌گیرد.	علی دور میدان گردید. ←

**\*نکته:** همچنین فعل «شد» گاه در معنای «رفتن» می‌باشد که فعل لازم است و اسنادی نیست و مسند نمی‌گیرد.

بشُد تیز رهام با خود و گبر  
یقین، مرد را دیده، بیننده کرد  
همی گرد رزم اندر آمد به ابر  
شُد و تکیه بر آفریننده کرد

**\*نکته:** فعل «شد» گاه در معنای «گذشت و سپری شد» به کار می‌رفته است.

شُد آنکه اهل نظر بر کناره می‌رفتند  
شُد آن زمانه که رویش به سان دیبا بود  
هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش  
شد آن زمانه که مویش به سان قطران بود

**\*نکته:** فعل اسنادی گاه شبیه به «شناسه» می‌آید. ولی «فعل» است و شناسه محسوب نمی‌شود.

تویی رزاق هر پیدا و پنهان | گفت در این معرکه یکتا منم | گه نیم، کوهیم ز صبر و حلم و داد

**\*نکته:** فعل اسنادی (و حتی مسند آن) گاه از جمله حذف می‌شود. (به قرینه لفظی یا معنوی).

همه تیغ و ساعد ز خون بود، لعل  
دل خاک در زیر نعل، خروشان بود.  
خروشان دل خاک در زیر نعل  
«بود» از مصراع دوم حذف شده است و «خروشان» مسند است.

**\*نکته:** گاه فعلی با شکل دیگر، معنای فعل اسنادی می‌دهد و مسند می‌گیرد.

چو در وقت بهار آبی پدیدار  
حقیقت، پرده برداری ز رخسار  
«آبی» در معنای «بشوی» آمده است و فعل اسنادی است. بنابر این نقش «پدیدار» مسند است.

**\*نکته بسیار مهم:** کلا در تشخیص فعل اسنادی توجه به معنا بسیار اهمیت دارد. بسیاری افعال دیگر هستند که می‌توانند فعل اسنادی باشند و مسند بگیرند ولی ظاهراً فعل اسنادی نیستند. در تشخیص فعل اسنادی، باید به معنای آن‌ها توجه کنیم. افعال زیر با توجه به معنایشان اسنادی نیستند.

فعل	معنی	مثال
هست	وجود داشتن / وجود نداشتن حضور داشتن / حضور نداشتن	در خانه آب هست / هیچ میوه‌ای در یخچال نیست. علی در جبهه است / علی در مدرسه نیست.
شد	رفتن / گذشتن و سپری شدن	رهام به نبرد شد / شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند
بود	وجود داشتن / وجود نداشتن حضور داشتن / حضور نداشتن	در کشور آزادی بود / در روستا امکانات نبود. ما در جنگ بودیم / ما در خانه نبودیم.
گشت / گردید	چرخیدن جستجو کردن	علی دور خیابان گشت، گردید علی همه جا را به دنبال او گشت، گردید

**\*نکته‌ی بسیار مهم:** گفتیم یکی از نقش‌های اصلی متمم است. اما چند نوع متمم داریم که در عملکرد و نقش بسیار با هم متفاوت هستند. به دو جمله‌ی زیر دقت کنید:

علی به دماوند می‌نگرد.

علی به تهران آمد.

«به تهران» و «به دماوند» هر دو متمم هستند زیرا با حرف اضافه «به» آمده‌اند، اما در واقع تفاوتی بین آن‌ها وجود دارد. «به تهران» قابل حذف است و با حذف آن به جمله ایرادی وارد نمی‌شود. و «به دماوند» قابل حذف نیست و با حذف آن در جمله خلل ایجاد می‌شود و جمله از نظر ساختاری ناقص می‌شود. تفاوت در این جاست که «می‌نگرد» فعلی گذراست که به متمم نیاز دارد و حرف اضافه اختصاصی «به» دارد، ولی «آمد» فعلی ناگذرست و به متمم نیاز ندارد و حرف اضافه اختصاصی هم ندارد. و در واقع «به تهران» یک «قید» است که به صورت متمم آمده است و به آن «متمم قیدی» می‌گویند و مانند سایر قیدها به راحتی از جمله قابل حذف است. اما «به دماوند» را نمی‌توان حذف کرد، چون معنای جمله ناتمام و ناقص می‌ماند.

ممکن است بگوئید اگر «به تهران» را حذف کنیم آن جمله هم ناقص می‌شود! باید بگویم، این‌طور نیست. مثلاً جمله‌هایی مانند: علی به تهران آمد. علی با اتوبوس آمد. علی از مدرسه آمد. و ... را ما بارها شنیده‌ایم بدون این‌که بگوئیم ناقص هستند. پس همان‌طور که می‌بینیم، فعل «آمد» با سه متمم «به تهران» «با اتوبوس» و «از مدرسه» آمده است، و به هیچ‌کدام به طور قطعی نیاز ندارد. دلیل این ادعا هم این است که به راحتی می‌توان آن‌ها را حذف کرد. اما در جمله‌ی «علی به دماوند می‌نگرد»، حرف اضافه «به» به همراه متمم بعد از خود اصلاً و ابداً قابل حذف نیست.

**\*توجه:** نوع دیگری از متمم به نام «متمم اسمی» وجود دارد، که ضرورتی برای تدریس آن وجود ندارد. لذا برای جلوگیری از سر در گمی دانش‌آموزان آن را مطرح نکردم.

**\*نکته:** افعالی که حرف اضافه اختصاصی دارند، حتماً «متمم» می‌گیرند.

ترسیدن ← از

گنجیدن ← در

نازیدن ← به

جنگیدن ← با

چند مصدر با حرف اضافه‌ی اختصاصی

**\*نکته:** جمله‌های چهار جزئی با دو مفعول در اصل وجود ندارند و یکی از مفعول‌ها در واقع متمم است که با حرف اضافه «را»

آمده است. به جز یکی دو مثال غلط مانند (علی کودک را غذا داد، نقاش دیوار را رنگ زد و ...) مثال دیگری برای آن نیست!!!

۱- در کدام بیت ساختار «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده نمی‌شود؟

- (۱) خببر از عیش ندارد که ندارد یاری  
 (۲) دل، خرابی می‌کند دلدار را آگه کنید  
 (۳) شیوه چشمت فریب جنگ داشت  
 (۴) تحویل عشق و رندی، آسان نمود اول

۲- در کدام گزینه نقش دستوری «متمم» دیده می‌شود؟

- (۱) وان همه هنگامه دریا بدید  
 (۲) داده تنش بر تن ساحل یله  
 (۳) تاج سر گلبن و صحرا منم  
 (۴) دید یکی بحر خروشنده‌ای

۳- نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

- (۱) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر  
 (۲) دل، خرابی می‌کند دلدار را آگه کنید  
 (۳) گرتشنگان بادیه را جان به لب رسید  
 (۴) نیست دلی جز درون لاله پُر از داغ

۴- نقش کلمه مشخص شده، در کدام گزینه درست است؟

- (۱) چنان عشقش پریشان کرد ما را  
 (۲) لب چون غنچه را بلبل نوا کرد  
 (۳) سپاه صبر ما بشکست چون او  
 (۴) چو نفس خویش را گردن شکستیم  
 (۱) چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول (مسند)  
 (۲) زینهار ای دوستان جان من و جان شما (نهاد)  
 (۳) تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری (مفعول)  
 (۴) نیست تنی جز دو چشم نرگس بیمار (مسند)

۵- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده، به ترتیب در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... درست آمده است؟

- (۱) همه کارم ز خودکامی به بدنای کشید آخر  
 (۲) می‌خواستم که میرمیش اندر قدم چو شمع  
 (۳) هرکسی را دل به صحرایی و باغی می‌رود  
 (۴) دوستی را گفتم اینک عمر شد گفت ای عجب  
 (۱) نهران کی ماند آن رازی کزو سازند محفله‌ها (نهاد - مفعول)  
 (۲) او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد (مضاف‌الیه-بدل)  
 (۳) هر کس از سویی به در رفتند و عاشق سوی دوست (مضاف‌الیه-نهاد)  
 (۴) طرفه می‌دارم که بی دلدار چون بردی به سر؟ (متمم- مسند)

۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده، به ترتیب در کدام گزینه تماماً درست است؟

- (۱) بسیار کس شدند اسبیر کمند عشق  
 (۲) گرت افتد گذری بر وجود کشته عشق  
 (۳) امشب به راستی شب ما روز روشن است  
 (۴) سعدی نظر بپوشان، یا خرقة در میان نه  
 (۱) تنها نه از برای من این شور و شر فتاد (مسند-مضاف‌الیه)  
 (۲) سخن بگوی که در جسم مرده جان آری (مضاف‌الیه-مفعول)  
 (۳) عید وصال دوست علی‌رغم دشمن است (قید- مضاف‌الیه)  
 (۴) رندی روا نباشد در جامه فقیری (نهاد- متمم)

۷- کدام واژه مشخص شده نقش دستوری متفاوتی دارد؟

- (۱) مرا ز خطه شیروان برون فکن ملیکا  
 (۲) گرت سودای این راه است سلمان  
 (۳) هر آن کو قلم را نورزید و تیغ  
 (۴) دوش در خیل غلامان درش می‌رفتم  
 (۱) که فرضه‌ای اسب در او صد هزار بحر بلا  
 (۲) ز خود بگذر که اول منزل آن است  
 (۳) بر او گرت بمیرد مگو ای دریغ  
 (۴) گفت ای عاشق بیچاره تو باری چه کسی؟

۸- در چند مورد نقش دستوری واژه به درستی مشخص شده است؟

- (۱) تو را بهتر آید که فرمان کنی  
 (۲) دانش کاویخت گرد آفرید  
 (۳) ز کس جز خداوندشان بیم نیست  
 (۴) می نمود آن مرغ را هر گون شگفت
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹- نقش واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... به ترتیب، درست آمده است.

- (۱) فکر شنبه، تلخی دارد جمعه اطفال را  
 (۲) ما گوشه‌نشینان چمن‌آرای خیالیم  
 (۳) تشنه آغوش دریا را تن‌آسانی بلاست  
 (۴) قیاس کن که دلیم را چه تیر عشق رسید

۱۰- در کدام گزینه به اجزای اصلی جمله زیر اشاره شده است؟

«پژوهشگران و تحلیل‌گران حوزه‌ی ادبیات پس از بررسی و بازخوانی متون کهن، تحلیل تطبیقی افسانه‌ها را مهمترین و مناسب‌ترین راه برای رسیدن به معانی پنهان اجتماعی آن‌ها می‌دانند.»

- (۱) چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم  
 (۲) سه جزئی گذرا به مفعول  
 (۳) چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند  
 (۴) سه جزئی گذرا به متمم

۱۱- عبارت «مدایح انوری، نمونه‌های بارز مبالغات دور از منطق و در عین حال حاوی مضامین غرورانگیز ستایشی محسوب می‌شوند.» چند جزئی است؟

- (۱) سه جزئی گذرا به مسند  
 (۲) سه جزئی گذرا به مفعول  
 (۳) چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند  
 (۴) چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۱۲- عبارت «ابیات دیوان بیدل دهلوی در مقایسه با سایر شاعران فارسی‌زبان پیچیده و معمّاگونه‌اند.» از جهت اجزای اصلی آن، با کدام عبارت هماهنگ است؟

(۱) شرح و تحلیل‌های پژوهشگران، خواندن متون ادبی را ساده‌تر کرده است.

(۲) در آثار گذشته‌ی ادب فارسی، ادبیات تعلیمی، نام‌های دیگری چون حکمت، وعظ و تعلیم داشته است.

(۳) تنوع و گونه‌گونی در ادبیات داستانی گذشته‌ی ما چشم‌گیر و چشم‌نواز است.

(۴) عده‌ای یوهان ولفگانگ گوته را برجسته‌ترین چهره‌ی ادبیات غرب دانسته‌اند.

۱۳- عبارت زیر از جهت اجزای اصلی آن با کدام عبارت هماهنگ است؟

«خداوند با ذکر قصه‌ی پیامبران و حفظ نام نیکوکاران، خود را دوست‌دار محسنین و تحقیرکننده‌ی منافقین می‌داند.»

(۱) این مایه شفقت و مهربانی و خاکساری، دوستان و دشمنان او را در حق وی به اعجاب و تسلیم وا می‌داشت.

(۲) آثاری با ماهیت داستانی و تخیلی، چون قصه‌ها، رمان و انواع وابسته به آن را ادبیات داستانی می‌گویند.

(۳) بنا بر تحقیقات روشن، ترجمه در سنت گذشته و حال ما همیشه به عنوان یک رکن اساسی، نقش مهمی داشته است.

(۴) ادبیات داستانی، ما را در بازساخت ادب و فرهنگ ایرانی و تأثیرپذیری آن از فرهنگ اروپایی در سده‌ی اخیر یاری خواهد کرد.

### درس دوم: حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی

در زبان ادبی بنا بر دلایلی مانند پرهیز از تکرار یا بلاغت کلام، قسمتی از جمله، مخصوصاً فعل را نمی‌آورند و حذف می‌کنند، به این کارکرد «حذف به قرینه» می‌گویند. این حذف‌ها دو نوع‌اند:

#### ۱- حذف به قرینه لفظی: هرگاه واژه یا واژگان حذف شده از جمله در جمله قبل یا بعد یا در کلام وجود داشته باشد.

مَنْتَ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

(به شکر اندرش مزید نعمت است)، «است» از جمله دوم حذف شده است و چون آن لفظ در جمله‌ی قبل وجود دارد، حذف به قرینه لفظی می‌گویند.

بفرمود گنجینه‌ی گوهرش فشانند در پای و زر بر سرش

(زر بر سرش فشانند)، «فشانند» از پایان آن حذف شده است و چون در جمله قبل لفظ «فشانند» وجود دارد، حذف به قرینه لفظی است.

از مقام تا ثریا هم‌چنان کز ثریا تا ثری فرق است و بین

از مقام تو تا ثریا همان قدر تفاوت است که از ثریا (پروین) تا ثری (خاک) فرق است و بین (تفاوت) است. «است» از جمله آخر حذف شده است.

گرفتار کمند خوبرویان نه از مدحش خبر باشد نه از دم

کسی که گرفتار کمند خوبرویان شده است، نه از مدح کردنش با خبر است، نه از دم و نکوهش کردنش با خبر است. **\*توجه:** در واقع هر نقشی ممکن است حذف شود ولی غالباً منظور از حذف در کنکور، حذف فعل یا قسمتی از جمله است که فعل در آن باشد. در مثال زیر حذف فعل وجود ندارد ولی نهاد محذوف است.

گویند مگو سعدی، چندین سخن از عشقش

آن‌ها می‌گویند... «آن‌ها» نهاد است که حذف شده است ولی کنکور معمولاً این حذف را در نظر نمی‌گیرد.

#### ۲- حذف به قرینه معنوی: هرگاه واژه یا واژگان حذف شده در کلام وجود نداشته باشد.

من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن که پیشش طایفه‌ای مرگ به که بیماری

برای که پیش طایفه‌ای مرگ از بیماری بهتر است. «است» از جمله حذف شده است و چون در کلام وجود ندارد و از راه معنی به آن پی می‌بریم، آن را حذف به قرینه معنوی می‌گویند.

نه هر چه به قامت مهتر، به قیمت بهتر.

فعل «است» از هر دو جمله عبارت فوق حذف شده است و چون در کلام وجود ندارد حذف به قرینه معنوی است.

نه هر چه به قامت مهتر است، به قیمت بهتر است!



**\* نکته:** فعل اسنادی، مخصوصاً «است»، در بسیاری از موارد، به قرینه حذف می‌شود. (هم به قرینه لفظی هم معنوی) رسید ناله سعدی به هر که در آفاق هم آتشی زده‌ای تا نفیر می‌آید  
فعل «اسنادی» از پایان مصراع اول حذف شده است. رسید ناله سعدی به هر که در آفاق بود یا است.

**\* نکته مهم:** بعد از کلمات تفضیل (بهتر، به، که، داناتر، اعلم، افضل و...) معمولاً فعل اسنادی حذف می‌شود.

آن به که نظر باشد و گفتار نباشد (آن بهتر است که نظر باشد ولی گفتار نباشد)

الهی آن ده که آن به. (الهی آن چیز را عطا کن که آن بهتر است)

ای دوست شکر بهتر یا آن که شکر سازد؟ (ای دوست شکر بهتر است یا آنکه شکر را ساخته است بهتر است؟)

**\* نکته:** بعد از حروف قسم مانند «به» (به جان تو، به خدا و ...) اغلب فعل «قسم می‌خورم» به قرینه معنوی حذف می‌شود.

بیه دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را

به دوستی‌ای که با تو دارم قسم می‌خورم که از دست تو ضربت شمشیر را آن چنان می‌خورم که حلوا می‌خورم.

بیه جان دوست که غم پرده بر شما ندرد گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید

به جان دوست قسم می‌خورم که غم آزارتان نمی‌دهد اگر به الطاف کارساز خداوند اعتماد کنید.

**\* نکته:** بعد از هر منادایی یک فعل محذوف به قرینه معنوی باید در نظر بگیریم.

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج فکرم معقول بفرما گل بی‌خار کجاست

سعدی به روزگاران، مهری نشسته در دل بیرون نمی‌توان کرد، الا به روزگاران

**\* توجه:** دقت داشته باشید که به ازای هر منادا حتماً باید حذف فعل به قرینه معنوی در نظر بگیرید، حتی اگر فعلی در کنار منادا باشد.

بده ساقی می‌باقی که در جنت نخواهی یافت کنار آب رکناباد و گلگشت مصلا را

**\* نکته:** بعد از «به نام .....» به احتمال زیاد حذف به قرینه معنوی وجود دارد و عبارت «شروع می‌کنم» حذف شده است.

به نام خداوند جان‌آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

**\* نکته:** بعد از عباراتی مانند: «بلند آن ..... که .....»، «نژند آن ..... که .....» معمولاً فعل اسنادی «است»، به قرینه معنوی حذف می‌شود.

بلند آن سر که او خواهد بلندش نژند آن دل که او خواهد نژندش

**\* توجه:** در این ساختار ممکن فعل بیاید و حذف فعل نداشته باشیم.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان‌حالی و درماندگی

**\* نکته:** بعد از عباراتی مانند: «معلم فقط .....»، «راننده فقط .....» معمولاً فعل اسنادی «است» حذف می‌شود و حذف

به قرینه معنوی داریم.

**\*نکته:** بعد از کلماتی مانند «ساکت، کافی و ...» معمولاً حذف به قرینه‌ی معنوی وجود دارد.

**\*نکته:** فعل عبارات پرسشی مانند «از مسافرت چه خبر؟»، معمولاً به قرینه‌ی معنوی حذف می‌شود.

۱۴- در کدام گزینه نوع حذف (از نظر قرینه لفظی و معنوی) با گزینه‌های دیگر فرق دارد؟

- ۱) به حقّ صحبت دیرین که هیچ محرم راز
  - ۲) می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب
  - ۳) هوا مسیح‌نفس گشت و باد نافه‌گشای
  - ۴) جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز
- به یار یک‌جهت حق‌گزار ما نرسد  
بہتر ز طاعتی کہ بہ روی و ریا کنند  
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد  
باطل در این خیال کہ اکسیر می‌کنند

۱۵- در کدام گزینه حذف به قرینه معنوی وجود ندارد؟

- ۱) به وفای تو که خاک ره آن یار عزیز
  - ۲) مر او را رسد کبریا و منی
  - ۳) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب
  - ۴) گفتم ز لعل نوش‌لبان، پی‌ر را چه سود؟
- بی‌غباری کہ پدید آید از اغیار بیار  
کہ ملکش قدیم است و ذاتش غنی  
ز ہم رد نمودند هفتاد حرب  
گفتا بہ بوسه‌ی شکرینش جوان کنند

۱۶- در کدام گزینه حذف به قرینه معنوی می‌بینید؟

- ۱) چنین نقل دارم ز مردان راه
  - ۲) که پی‌ری به در یوزه شد بامداد
  - ۳) یکی گفتش این خانه‌ی خلق نیست
  - ۴) بگفتا خموش، این چه لفظ خطاست
- فقیران منعم، گدایان شاه  
در مسجدی دید و آواز داد  
کہ چیزی دهندت، بہ شوخی، مایست  
خداوند خانه، خداوند ماست

۱۷- در کدام بیت حذف به قرینه لفظی وجود دارد؟

- ۱) اگر آن ترک شیرازی، به دست آرد دل ما را
  - ۲) من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
  - ۳) اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم
  - ۴) حدیث از مطرب و می‌گو و راز دهر کم‌تر جو
- به خال هندویش بخشم، سمرقند و بخارا را  
کہ عشق از پرده‌ی عصمت برون آرد زلیخا را  
جواب تلخ می‌زبند لب لعل شکرخا را  
کہ کس نگشود و نگشاید بہ حکمت این معما را

زمان افعال

زمان افعال به سه حالت؛ گذشته (ماضی)، حال (مضارع) و آینده (مستقبل) تقسیم می‌شود که هر کدام بنا به کاربرد چند نوع می‌باشند.

بن ماضی + شناسه‌ها	مجهول سوم شخص مفرد	منفی سوم شخص مفرد	فعل کمکی
پوشیدم، پوشیدی، پوشید، پوشیدیم، پوشیدید، پوشیدند	پوشیده شد	نپوشید	ندارد
می پوشیدم، می پوشیدی، می پوشیدیم، می پوشیدید، می پوشیدند	پوشیده می‌شد	نمی پوشید	ندارد
پوشیده بودم، پوشیده بودی، پوشیده بودید، پوشیده بودند	پوشیده شده بود	نپوشیده بود	بودم بودی بودید بودند
پوشیده‌ام، پوشیده‌ای، پوشیده‌است، پوشیده‌اید، پوشیده‌اند	پوشیده شده است	نپوشیده‌است	ام ای است ایم اید اند
پوشیده باشم، پوشیده باشی، پوشیده باشید، پوشیده باشید	پوشیده شده باشد	نپوشیده باشد	باشم باشی باشد باشیم باشید باشند
داشتم، داشتی، داشت و ... ماضی استمراری	داشت پوشیده می‌شد	نمی پوشید	داشتم داشتی داشت داشتیم داشتید داشتند
می پوشم، می پوشی، می پوشید، می پوشیدیم، می پوشیدید، می پوشیدند	پوشیده می‌شود	نمی پوشد	-
پوشم، پوشی، پوشید، پوشیدیم، پوشیدید، پوشیدند	پوشیده بشود	نپوشد	-
دارم، داری، داریم، دارید، دارند+مضارع اخباری	دارد پوشیده می‌شود	نمی پوشد	دارم داری دارند داریم دارید دارند
خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند+ماضی ساده	پوشیده خواهد شد	نخواهد پوشید	خواهم خواهی خواهد خواهیم خواهید خواهند

\*چند نکته مهم

- در افعالی که بن ماضی آن‌ها از «بن مضارع + ید» ساخته می‌شوند، دوم شخص جمع مضارع اخباری و سوم شخص مفرد ماضی استمراری یکسان است.
- دوم شخص جمع مضارع التزامی و فعل امر جمع نیز یکسان هستند.
- سوم شخص ماضی مفرد، شناسه ندارد.
- مضارع اخباری و التزامی گاه بدون «می» و «ب» می‌آید. گویند = می‌گویند / روم = بروم
- فعل را در جمله خوب بررسی کنیم. ممکن است فعل مضارع اخباری در ظاهر مضارع التزامی بیاید و یا برعکس. اگر روم ز پی‌آش فتنه‌ها برانگیزد ( روم = بروم؛ مضارع التزامی / برانگیزد = بر می‌انگیزد؛ مضارع اخباری )

۱۸- کدام فعل مشخص شده مضارع اخباری است؟

- ۱) جانم ار مالــــک غم‌های محبت گردد
  - ۲) فروغ ماه می‌دیدم ز بام قصــــر او روشن
  - ۳) شکر خدا که باز در این اوج بارگاه
  - ۴) شاهها اگر به عرش رسانم سریر فصل
- من گدا گردهم و نامش به دلالت برود (گردد)  
که رو از شرم آن خورشید در دیوار می‌آورد (می‌آورد)  
طاووس عرش می‌شنود صیت شهپر (می‌شنود)  
مملوک این جنابم و مسکین این درم (رسانم)

۱۹- زمان هر یک از فعل‌های مشخص شده در ابیات زیر در کدام گزینه به ترتیب درست آمده است؟

- تا درد و ورم فرونشینند کافور بر آن ضماد کردند  
پنهان مکن آتشش درون را زین سوخته جان شنو یکی پند  
گر آتش دل نهفته داری سوزد جانّت به جانّت سوگند

- ۱) ماضی ساده - ماضی ساده - نهی - امر - مضارع اخباری
- ۲) مضارع التزامی - ماضی ساده - نهی - امر - مضارع اخباری
- ۳) ماضی ساده - ماضی مطلق - نهی - امر - مضارع التزامی
- ۴) مضارع التزامی - ماضی مطلق - امر - نهی - ماضی التزامی

۲۰- در کدام گزینه فعل ماضی نقلی وجود دارد؟

- ۱) یک کــــربلا شکوه به چشمت نهفته است
  - ۲) گفت «از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم»
  - ۳) این شکر چون کنیم که هر ذره خاک ما
  - ۴) به حرف عشق دل داغدار من زنده است
- ای روضه مجسم گودال قتلگاه  
گفت «پوسیده است جز نقشی ز پود و تار نیست»  
از داغ عشق، رنگ سویدا گرفته است  
که آتش، آب حیات است جان سوخته را

۲۱- کدام بیت فعل ماضی نقلی سوم شخص مفرد، دارد؟

- ۱) پاس صحبت‌داشتن آسایش از من برده بود
  - ۲) گفت آن کاین دم پذیرد کی بمیرد جان او؟
  - ۳) به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
  - ۴) با چنین حیرتم از دست بشد صرفه کار
- زیر دامان خموشم رفتم، آسودم چو شمع  
با خدا باقی بود آن کز خدا مست آمده‌است  
چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را  
در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام

۲۲- در کدام بیت، شخص و شمار فعل در بخش مشخص شده، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) گفتی ام درد تو عشق است و دوا نتوان کرد
  - ۲) خون ریختی ام ناحق و پرسى که مبادا
  - ۳) شده‌ام چو هاتف بینوا به بلای هجر تو مبتلا
  - ۴) قــــتیل تیغ تو خواهیم گشت تا در حشر
- دردم از توست دوا از تو چرا نتوان کرد؟  
دامان تو گیرند به این خون و نه و هرگز  
نرسد بلا به تو دلربا گر از این بلا برهانی ام  
بدین بهانه بگیریم دامن قاتل

## درس سوم: گروه اسمی و وابسته‌های پیشین و پسین

به نهاد و مفعول جمله‌های زیر دقت کنید:

معلم	کتاب	را	آورد.	آن معلم	دانا	دو	کتاب	خوب	آورد.
نهاد	مفعول			گروه نهادی				گروه مفعولی	

نهاد، مفعول و بعضی از نقش‌های دیگر می‌توانند، بیش از یک واژه باشند که به آن‌ها گروه نهادی، گروه مفعولی و... می‌گوئیم. هر یک از این گروه‌ها، یک «گروه اسمی» هستند. گروه اسمی، از یک اسم که هسته‌ی گروه محسوب می‌شود و یک یا چند وابسته

پیشین و پسین ساخته می‌شود. برای شناخت گروه اسمی باید وابسته‌های پیشین و پسین را بیاموزیم.

وابسته‌های پیشین: این وابسته‌ها پیش از هسته می‌آیند که ۶ مورد آن صفت و ۱ مورد شاخص است.

ردیف	صفت	مثال
۱	صفت اشاره	آن معلم آمد.
۲	صفت شمارشی اصلی و ترتیبی با - مین	دو معلم آمدند. دومین معلم آمد.
۳	صفت پرسشی	کدام معلم آمد؟
۴	صفت عالی	بهترین معلم آمد.
۵	صفت تعجبی	چه معلمی آمد!
۶	صفت مبهم	چند معلم آمدند و ...
۷	شاخص	سرهنگ محمدی آمد.

\*چند نکته مهم:

۱- «صفت مبهم» در اصل در جایگاه وابسته پیشین است ولی در جایگاه وابسته پسین نیز قرار می‌گیرد.

ای مشیت زمین بر آسمان شو  
بر روی بنواز ضربتی چنند

۲- این، آن، همین، همان و ... زمانی صفت اشاره محسوب می‌شوند که وابسته‌ی پیشین اسم باشند. اگر تنها و یا به صورت

جمع بیایند، ضمیر اشاره هستند.

صفت اشاره	ضمیر اشاره
من آن مرد را دیدم.	من آن را دیدم، من آنان را دیدم.

۳- «چه» هم می‌تواند صفت پرسشی، هم می‌تواند صفت تعجبی و هم می‌تواند ضمیر پرسشی باشد.

صفت پرسشی	صفت تعجبی	ضمیر پرسشی
چه معلّمی آمد؟	چه معلّمی آمد!	چه می‌خوانی؟

۴- «چند» هم می‌تواند صفت پرسشی و هم می‌تواند صفت مبهم باشد.

صفت پرسشی	صفت مبهم
چند معلّم آمد؟	چند معلّم آمدند و به مدرسه رفتند.

۵- «دگر» یا «دیگر» صفت مبهم پسین است که در گذشته به صورت پیشین نیز به کار می‌رفته است. دگر روز باز اتفاق افتاد

(روز دیگر...)

۶- «دگر، دیگر» اگر به صورت تنها بیاید، صفت مبهم نمی‌شود و «ضمیر مبهم» است که معمولاً نقش قیدی می‌گیرد.

رستم با تاسف می‌بیند که دیگر از این حرف‌ها خبری نیست.

دگر مگوی که من ترک عشق خواهم کرد که قاضی از پس اقرار نشنود انکار

۷- صفت ترتیبی با ساختار «عد+م» که در اصل صفت پسین است، در گذشته به صورت صفت پیشین نیز به کار می‌رفته است.

دوم روز گروه سواران رسیدند. (روز دوم)

۸- چند نمونه از صفات مبهم: همه، هیچ، یکی، دیگری، دیگر، دگر، قدری، خیلی، اندکی، چند، چندین، چندان، پاره‌ای، برخی، بعضی و...

**شاخص:** کلماتی مانند «سرهنگ، علامه، دکتر، مهندس، شهید، آقا، خانم، دایی، عمو، آیت‌الله، امام، میرزا، سردار و...» که بدون

هیچ نقش‌نمایی پیش از هسته می‌آیند. (هسته معمولاً یک شخصیت است)

سرهنگ محمدی آمد. دکتر محسنی نسخه‌ها را نوشت.

\*نکته بسیار مهم: کلماتی که در نقش شاخص می‌آیند، می‌توانند نقش دیگری بگیرند و شاخص نباشند.

مسند	متمّم	مضاف‌الیه	نهاد
علی دکتر است	نسخه‌ها را از دکتر گرفتم.	لباسِ دکتر مرتّب بود.	دکتر ساعت ۹ به مطب آمد.

برای شاخص محسوب‌شدن کلمات فوق، سه شرط وجود دارد:

۱- تنها نیابند. ۲- پیش از هسته باشند. ۳- نقش‌نمای اضافه «ی یا ی» نداشته باشند.

**وابسته‌های پسین:** این وابسته‌ها پس از هسته می‌آیند که ۳ مورد آن صفت و ۱ مورد **مضاف‌الیه** است.

ردیف	صفت	مثال
۱	صفت شمارشی ترتیبی با - م	معلمِ <b>دوم</b> آمد.
۲	صفت تفضیلی	معلمِ <b>داناتر</b> آمد.
۳	صفت بیانی	معلمِ <b>مهربان</b> آمد.
۴	<b>مضاف‌الیه</b>	معلمِ <b>علی</b> آمد. (معلمت آمد. معلم خود ...)

**\*چند نکته مهم:**

۱ - کتاب‌های درسی نظام قدیم، نشانه‌ی جمع و «ی» نکره را وابسته‌ی پسین در نظر گرفته بود، ولی کتاب‌های درسی جدید آن‌ها را «وند» گرفته و جزء وابسته‌ها نیاورده است.

۱ - به جز ضمیر متصل، **وابسته‌های پسین با نقش‌نمای اضافه «-ی یا ی»** می‌آیند.

۲ - شاخص و مضاف‌الیه از نظر ساختاری **اسم** هستند (ضمیر نیز مضاف‌الیه می‌شود) و باقی وابسته‌ها **صفت** می‌باشند.

**صفت بیانی: مهم‌ترین وابسته است** که در ادامه مفصلاً شرح داده شده است.

صفت بیانی، صفتی است که ویژگی موصوف را مانند: رنگ، اندازه، جنس، زیبایی و... بیان می‌کند و پنج نوع است.

**۱- صفت مطلق یا ساده:** صفتی است که چگونگی و خصوصیات موصوف را بیان می‌کند.

سیاه، بزرگ، نرم، سرد، زشت، خوب، قدبلند، سرسخت، توانمند، خطرناک و ...

**\*توجه:** منظور از «صفت ساده» در اینجا، صفت ساده از نظر معنایی است و ساختمان صفت مد نظر نیست. به همین دلیل،

صفت‌های قد بلند، سرسخت، توانمند و خطرناک در این قسمت آمده‌اند.

**۲- صفت فاعلی:** صفتی که بر «کننده یا انجام دهنده» کار دلالت دارد.

مثال	ساختار و الگو
گوینده، پوشنده، دونده، گیرنده	بن مضارع + <b>نده</b>
خوانا، گوارا، پویا، زیبا	بن مضارع + <b>ا</b>
خندان، جوشان، گویان، روان	بن مضارع + <b>ان</b>
آموزگار، پرهیزگار	بن مضارع + <b>گار</b>
خریدار	بن ماضی + <b>ار</b>
زرگر، توانگر روشنگر	اسم / بن / صفت + <b>گر</b>
خداشناس، راستگو	اسم / صفت + <b>بن مضارع</b>

۳- صفت مفعولی: معنی مفعولیت دارد.

خورده، پوشیده، جوشیده، رفته	بن ماضی + ه
-----------------------------	-------------

\*توجه: صفت مفعولی در اصل باید از فعل متعددی ساخته شود که مفعول می‌پذیرد. ولی از فعل لازم نیز ساخته می‌شود. رفته، آمده، سوخته، افتاده و ...

۴- صفت لیاقت: شایستگی و لیاقت موصوف را می‌رساند. (خوردنی: آنچه که قابلیت و شایستگی خوردن را داشته باشد).

دیدنی، دوختنی، بستنی، سوزاندنی، شکستنی	مصدر + ی
--	----------

۵- صفت نسبی: موصوف را به جا، مکان، جنس، نوع و... نسبت می‌دهد.

آسمانی، تهرانی، نیلوفری، خاکی	اسم + ی
سیمینه، پشمینه	اسم + ینه
سیمین، زرین، بلورین، نگارین	اسم + ین
کودکانه، عارفانه، جاهلانه	اسم + انه
جسمانی، روحانی، ربّانی	اسم + انی

\*توجه: اسم منسوب ساختارهای دیگری نیز دارد. بچه‌گانه، جوادیه، بهاره و...

\*نکات بسیار مهم: یکی از پرتکرارترین سوالات در کنکورهای چند سال آخر، مربوط به وابسته‌های پیشین و پسین یا تعداد

ترکیبات وصفی و اضافی بوده است. برای پاسخ‌گویی به این سوالات باید به نکات زیر توجه کرد:

۱ - یک اسم می‌تواند در آن واحد چندین وابسته پیشین و پسین داشته باشد.

آن	دو	معلم	دلسوز	من
صفت اشاره	صفت شمارشی	هسته	صفت بیانی	مضاف‌الیه

۲ - اولین کلمه‌ای که بعد از آن نقش‌نمای اضافه بیاید هسته است. (البته هسته می‌تواند بدون نقش‌نما باشد: آن مرد آمد).

آن	مرد	مهربان و دلسوز	چه	کتاب	مفید و سودمندی
		هسته		هسته	

۳ - اگر تعداد ترکیبات وصفی را خواستند، هر نوع صفتی ترکیب وصفی می‌سازد. لذا ترکیباتی مانند: آن مرد، هر کتاب، کدام

معلم، دو دانش‌آموز و ... نیز ترکیب وصفی به شمار می‌روند.



۴ - اگر تعداد اضافی وصفی را خواستند، فقط ترکیبات وصفی‌ای را لحاظ می‌کنیم که به صورت ترکیب اضافی بیانند. مانند: مردِ دانا، کلاسِ دوم، خانه‌ی بهتر

۵ - در شمارش ترکیب اضافه، دقت کنیم که «اسم + نقش‌نمای اضافه + اسم» و «اسم + ضمیر» ترکیب اضافی می‌سازد. مانند: دیوار خانه، ماشین من، دوستم، کتاب خود

۶ - اگر چند تا اسم پشت سر هم به هم اضافه شده باشند، اولی مضاف و باقی مضاف‌الیه هستند. لذا به تعداد مضاف‌الیه‌ها، ترکیب اضافی داریم.

ماشین پدر دوستم («پدر، دوست، م-م»، مضاف‌الیه هستند. پس ۳ ترکیب اضافی به شمار می‌آیند).

۷ - در شمارش تعداد ترکیب اضافه و وصفی، به «واو عطف» دقت کنید و کلمه‌های معطوف را نیز بشمارید.

مردِ دانا و مهربان (۲ ترکیب وصفی)، معلّم من و علی (۲ ترکیب اضافی)

۸ - در نکته قبلی، «ویرگول» نیز گاه به جای واو عطف می‌آید. لذا در شمارش ترکیب‌ها به آن دقت کنیم.

معلّم دانا، مهربان، دلسوز و فداکار: چهار ترکیب وصفی است: معلّم دانا، معلّم مهربان، معلّم دلسوز و معلّم فداکار

معلّم علی، رضا، حسین و مجید: چهار ترکیب اضافی است: معلّم علی، معلّم رضا، معلّم حسین و معلّم مجید

۹ - یک کلمه ممکن است هم صفت داشته باشد و هم مضاف‌الیه ← پدر مهربان من: «پدر مهربان» و «پدر من»

یک کلمه ممکن است دو صفت داشته باشد ← پدر مهربان و دل‌سوز: «پدر مهربان» و «پدر دل‌سوز»

یک کلمه ممکن است دو صفت متوالی داشته باشد ← پدر خوب فداکار: «پدر خوب» و «پدر فداکار»

۱۰ - «صفت» اگر «ی» بگیرد به «اسم» تبدیل می‌شود. لذا ترکیب وصفی را به ترکیب اضافی تبدیل می‌کند.

خانه‌ی نیکوکار ← ترکیب وصفی      خانه نیکوکاری ← ترکیب اضافی

۱۱ - «تعداد ترکیب وصفی و اضافی» یک مبحث نحوی است. یعنی باید به نقش‌ها توجه کنیم نه ساختمان واژه. لذا اگر کلمه‌ای، ساختمان «صفت» داشته باشد ولی نقش مضاف‌الیه بگیرد، ترکیب اضافی خواهیم داشت. در ترکیب «صدای گوینده»، واژه‌ی «گوینده» در اصل صفت فاعلی است، ولی کاربرد اسمی پیدا کرده، بنابراین «مضاف‌الیه» می‌شود و ترکیب مجموعاً «ترکیب اضافی» می‌باشد.

۱۲ - صفت اگر نشانه جمع بگیرد، به اسم تبدیل می‌شود و ترکیب اضافی می‌سازد. ← حرفِ خوبان، آثارِ بزرگان

۱۳ - گاه پیش می‌آید که یک «صفت پیشین» در جایگاه «وابسته پسین» می‌آید و یا یک «وابسته پسین» در جایگاه پیشین می‌آید، در این مواقع پیشین و پسین بودن را طبق جایگاهی که می‌بینیم، در نظر می‌گیریم. مثلاً «چند» صفت مبهم وابسته پیشین است ولی در ترکیب «ضربتی چند» در جایگاه وابسته پسین آمده است و ما نیز وابسته پسین محسوب می‌کنیم.

ای مشّت زمین بر آسمان شو      بر وی بنواز ضربتی چند

در بیت زیر نیز «روزی سه چار» در اصل «سه چهار روز» بوده است.

در پی‌آش القصّه در آن مرغزار      رفت بر این قاعده روزی سه چار

۲۳ - ساختار گروه اسمی در کدام گزینه، متفاوت است؟

- (۱) پیشانی بلند تو  
(۲) دست‌مایه شادی کودکانه  
(۳) نگاه دقیقم  
(۴) خانه رؤیایی من

۲۴ - در کدام گزینه از وابسته پیشین صفت پریشی استفاده نشده است؟

- (۱) کدام وام‌دارترید؟  
(۲) تو را در کدام نقطه باید به پایان برد؟  
(۳) از کدام باده مهر مست بودی؟  
(۴) چه کتابی خریدی؟

۲۵ - در عبارت‌های زیر، چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

- «دریای آسمان کبودتر و عمیق‌تر از هر شب دیگر به نظر می‌رسید و ستارگان درخشان‌تر ولی دورتر. نور فوسفوری ماه، از پشت به تکه‌های ابر تابیده بود و به حجم آن‌ها سایه‌روشن‌های خیال‌انگیزی بخشیده بود.»  
(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۲۶ - در متن زیر چند مضاف‌الیه وجود دارد؟

- «معلم نقاشی مرا خبرسازید که شاگرد وفادار حقیرت، هر جا به کار صورتگری درمی‌ماند، چاره درماندگی به شیوه معلم خود می‌کند»  
(۱) پنج (۲) چهار (۳) هفت (۴) شش

۲۷ - تعداد ترکیب وصفی و اضافی کدام بیت به ترتیب، در مقابل آن درست است؟

- (۱) ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند (دو - یک)  
(۲) چه لانه‌ای و چه قصری، اساس خانه یکی است به شهر کوچک خود، مور هم سلیمانی است (چهار - دو)  
(۳) تا حواسم نشود صرف به این بی‌خردان می‌برم آرزوی پنجه غارتگر خویش (دو - دو)  
(۴) برخیز تا به پای شود روز رستخیز وانگه ببین شهید غمت در چه حالت است (یک - سه)

۲۸ - در متن «بهار، فصل خوش و معتدل بود. درخت‌ها شکوفه می‌کرد. ده از سکوت سنگین زمستانی خود بیرون می‌آمد. یک درخت به در باغچه ما بود و چیدن و خوردن شکوفه به یکی از سرگرمی‌های من بود.» به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

- (۱) شش، هشت (۲) شش، هفت (۳) پنج، هفت (۴) پنج، هشت

۲۹ - در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... صفت مبهم در دو جایگاه وابسته پیشین و پسین به کار رفته است.

- (۱) هیچ کس را سر پای نبرد ایام که ما پشت دستی نگزیدیم به دندانان چند  
(۲) ای ذکر تو را در دل، هر دم اثری دیگر وی از تو به ملک جان، دارم خبری دیگر  
(۳) حالیا در ره رندی قدمی چند ز نیم این ره از نیک نباشد ره دیگر گیریم  
(۴) هر روز دلم به زیر باری دگر است در دیده من ز هجر خاری دگر است

۳۰- در متن «عادت کرده بود که همه چیز را گذران و همه احوال عالم را در معرض تبدل تلقی می‌کرد؛ لذا از هیچ پیشامد جالبی زیاده اظهار شادمانی نمی‌کرد و از هیچ حادثه سوئی هم به شکوه در نمی‌آمد. وقتی یک تن از یاران را غمناک دید، گفت که در دنیا همه دل‌تنگی‌ها از دل‌نهادگی بر این عالم است.» چند ترکیب وصفی یافت می‌شود؟

(۱) هشت (۲) نه (۳) ده (۴) یازده

۳۱- در متن زیر به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟  
«ادبیات تطبیقی، یکی از شاخه‌های مهم علوم ادبی معاصر است که ما را از تأثیرپذیری ادبیات ملت‌های مختلف جهان آگاه می‌سازد. تکامل و شکوفایی ادبیات هر ملت به دور از اندیشه‌های ادبی دیگر ملت‌ها، ناممکن است.»

(۱) هفت، هفت (۲) هفت، نه (۳) هشت، هشت (۴) هشت، نه

۳۲- ترکیبات کدام گزینه تماماً از نوع اضافی است؟

(۱) آخـــــر ای گلبن نورسته بستان جهان  
(۲) دردا کـــــه بیختمیم در این سوز نهانی  
(۳) دستِ صفا دهیم به معمار عدل و داد  
(۴) ای مـــــششتِ زمـــــین بر آسمان شو

پرده بگشای که ما بلبل گلزار توایم  
وان را خبر از آتش ما نیست که خام است  
پا بر سر عوالم جور و ستم زنیم  
بر وی بنـــــواز ضربتی چند

۳۳- در متن زیر به ترتیب، چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی یافت می‌شود؟

«نمی‌دانم چه بگویم، حاجی از عاملان بزرگ و قدیمی تخریب است؛ حرفی نمی‌توانم بزنم اما این کاری که از ما می‌خواهد درست مثل این است که بخواهیم با یک کاسه ماست، با آب یک دریاچه، دوغ درست کنیم.»

(۱) چهار- چهار (۲) پنج- سه (۳) چهار- سه (۴) چهار- دو

۳۴- در عبارت زیر چند وابسته پسین به کار رفته است؟

«عطار نیشابوری، از برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی است که به درجه والایی از کمال معرفت دست یافت و آنچه را سنایی در آغاز کار از سرمایه‌های عرفانی به عرصه شعر فارسی وارد کرد با هنرمندی به کمال نسبی نزدیک ساخت»

(۱) یازده (۲) دوازده (۳) سیزده (۴) چهارده

**\*توجه:** تمام جزوات مبثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.  
همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

درس چهارم: درس آزاد

درس پنجم: تفاوت معنایی یک فعل

به معنای فعل جمله‌های زیر دقت کنید:

علی طناب را گرفت.	علی مطلب را گرفت.
باران گرفت.	علی چشمش این لباس را گرفت.
بعد از دو ساعت، ماست گرفت.	علی آهش گرفت.
علی پایش گرفت.	علی ماست از مغازه گرفت.
خانه آتش گرفت.	ماه گرفت.

همان‌طور که می‌بینید فعل «گرفت» در هر جمله معنای متفاوتی دارد. در واقع یک کلمه (مخصوصاً فعل)، در محور افقی و در هم‌نشینی با کلمات دیگر، معنای متفاوتی می‌تواند داشته باشد.

معنای اصلی فعل «ساختن» سازندگی و ساختن چیزی است. ولی در ابیات زیر این فعل در معنای «سازگاری و مدارا کردن» به کار رفته است.

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد  
 من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم  
 مه نور از آن گرفت کز شب نرمید  
 گل بوی از آن یافت که با خار بساخت  
 بی‌یار نماند هر که با یار بساخت  
 مفلس نشد آن که با خریدار بساخت  
 در بیت زیر نیز فعل «نمانم» در معنای «باقی نگذارم» آمده است.

گر این پرسش از من بماند نهان  
 نمانم تو را زنده اندر جهان

\*نکته بسیار مهم: توجه به معنای افعال در تشخیص نقش کلمات بسیار موثر است. (و برعکس)

همچنین بعضی از افعال در گذشته معنایی داشته‌اند که امروزه در این معنا به کار نمی‌روند. مثلاً «شد» در ابیات زیر فعل اسنادی نیست و فعل لازم در معنای «رفتن، گذشتن و سپری شدن» است.

بشد تیز رهام با خود و گیر  
 همی گرد رزم اندر آمد به ابر  
 که راست سایه در این فتنه‌ها امید امان؟  
 شد آن زمان که دلی بود در امان امید  
 منزل حافظ کنون، بارگه پادشاست  
 دل بر دلداری رفت، جان بر جانانه شد

یا فعل «گشت» در گذشته به معنای «خاموش کرد» نیز به کار می‌رفته است.

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بگشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد  
شمع را باید از این خانه به در بردن و گشتن تا به همسایه نگویید که تو در خانه مایی  
عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

**\*نکته بسیار مهم:** در تشخیص فعل اسنادی، باید به معنای آن‌ها توجه کنیم. افعال زیر با توجه به معنایشان اسنادی نیستند.

فعل	معنی	مثال
هست	وجود داشتن / وجود نداشتن	در خانه آب هست / هیچ میوه‌ای در یخچال نیست. علی در جبهه است / علی در مدرسه نیست.
شد	رفتن / گذشتن و سپری شدن	رهام به نبرد شد / شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند
بود	وجود داشتن / وجود نداشتن	در کشور آزادی بود / در روستا امکانات نبود. ما در جنگ بودیم / ما در خانه نبودیم.
گشت / گردید	چرخیدن جستجو کردن	علی دور خیابان گشت، گردید علی همه جا را به دنبال او گشت، گردید

غیر از فعل نیز بعضی واژگان معانی متفاوتی داشتند که امروزه در آن معانی چندان کاربرد ندارند که این مبحث در بخش تحول معنایی (درس هشتم) درس داده شد.

در بُن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری (برابری، یکسانی)  
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله (درست، دقیق)

۳۵- در ابیات کدام گزینه، فعل «شد» در معنای غیر اسنادی به کار رفته است؟

الف) چو شد زهر عادت مضرت نبخشد  
ب) دانم که سرم روزی، در پای تو خواهد شد  
ج) دی شد و بهمن گذشت، فصل بهاران رسید  
د) شد آن زمان که به شمشیر کار باید کرد  
ه) شد آسمان ز کرده پشیمان در این عمل

۱) الف، د، ه  
۲) ب، ج، د  
۳) ب، ه، الف  
۴) ج، د، الف

۳۶- ردیف در تمام گزینه‌ها فعل اسنادی است به جز گزینه‌ی .....

۱) گفت: ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست  
۲) گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست  
۳) گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست  
۴) گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟

۳۷ - معنی مصدر «کشتن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) پیس بگفتندش که آوردیم اسیر
  - ۲) کار دگـر از صبا نیامد
  - ۳) کافر است این نفس نافرمان چنین
  - ۴) خون مریز و دست از این کشتن بدار
- آن یکی را بهر کشتن تو بگیر  
جز کشتن شمع محفل ما  
کشتن او کی بود آسان چنین  
کاو خود این ساعت بخواد مرد زار

۳۸ - معنا واژه «بوم» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب
  - ۲) چو ایران نباشد تن من مباد
  - ۳) چنین داد پاسخ که یک روزگار
  - ۴) نمانیم کین بوم ویران کنند
- بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
گذر کرد بر بوم ما شهریار  
همی غارت از شهر شیران کنند

۳۹ - در کدام بیت از مصدر «ساختن» در معنای «قص کار کردن» استفاده شده است؟

- ۱) بساز ای مطرب خوش‌خوان خوشگو
  - ۲) جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
  - ۳) از آن پیس بسازید سه‌راب را
  - ۴) چه سازیم و این را چه درمان کنیم
- به شعر فارسی، صوت عراقی  
که حکم آسمان است این اگر سازی اگر سوزی  
بیندید یک شب بر او خواب را  
به دانش مگر چاره جان کنیم

درس ششم: نقش ضمیر پیوسته و جهش ضمیر یا جا به جایی ضمیر

\*توجه: این جزوه بر مبنای فارسی دهم چاپ ۹۸ و ۹۹ و ۱۴۰۰ و فارسی یازدهم چاپ ۹۹ و ۱۴۰۰ و فارسی دوازدهم چاپ ۱۴۰۰

تالیف شده است. در این کتاب‌ها، اصطلاح جهش ضمیر یا پرش ضمیر نیامده است ولی نقش ضمیر متصل مطرح شده است.  
ضمائر «م، ت، ش، مان، تان، شان» را ضمائر متصل می‌گویند. در فارسی معیار امروزی، این ضمائر مضاف‌الیه کلمه‌ای هستند که به آن چسبیده‌اند. اگر این ضمائر حالتی غیر از این داشته باشند (یعنی نقش متمم یا مفعول بگیرند یا مضاف‌الیه باشند اما مضاف‌الیه کلمه‌ای که به آن چسبیده‌اند، نباشند) اصطلاحاً می‌گوییم جهش ضمیر رخ داده است. با توجه به درسنامه کتاب‌های درسی تالیف جدید آنچه که بیشتر اهمیت دارد نقش ضمیر متصل است و بحث جهش ضمیر اهمیت ندارد. به مثال‌های زیر و نقش ضمیر متصل توجه کنید.

دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست  
و اندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد  
دیدمش: او را دیدم. (ش؛ او را = مفعول)

گفتمش در عین وصل این ناله و فریاد چیست؟  
گفت ما را جلوه‌ی معشوق در این کار کرد  
گفتمش: به او گفتم. (ش؛ به او = متمم)

جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

تنم از واسطه‌ی دوری دلبر بگداخت

تنم از ... (تن من از ... = مضاف‌الیه)

**\*توجه:** این ضمائر در فارسی امروزی و معیار غالباً به اسم می‌چسبند و نقش **مضاف‌الیه همان اسم** می‌شوند. مانند: کتابم؛ کتاب من. اما در متون کلاسیک ما این ضمائر هم به کلماتی غیر از اسم می‌چسبیدند و هم نقش‌های متفاوتی (مفعول، متمم، مضاف‌الیه) می‌گرفتند. در کتاب‌های چاپ ۹۸ به بعد تشخیص **نقش این ضمیر** در جمله مهم است و موضوع جهش یا پرش ضمیر اهمیت ندارد.

**\*توجه:** برای تشخیص نقش ضمیر متصل بهتر است شعر یا عبارت را به **نثر امروزی و معیار** باز گردانیم.

مبادا خالیّت شکر ز منقار

الا ای طوطی گویای اسرار

مبادا منقارت از شکر خالی باشد. (مضاف‌الیه)

قرآن ز بر بخوانی، در چهارده روایت

عشقت رسد به فریاد، از خود به سان حافظ

عشق به فریادت می‌رسد اگر ... (مضاف‌الیه)

به خواری کشیدش به روی زمی

به خشم اندرون شد از آن زن غمی

به خواری او را به روی زمین کشید. (مفعول)

آه از آن روز که بادت گل رعنا ببرد

باغبانان ز خزان بی‌خبرت می‌بینم

ای باغبان تو را از ستم خزان بی‌خبر می‌بینم (مفعول). آه از روزی که باد، گل رعنا را ببرد. (مضاف‌الیه)

روان و دلم تازه شد زین خروش

خروشیدن رخشم آمد به گوش

خروشیدن رخس به گوشم آمد. (مضاف‌الیه) روان و دل من از این خروش تازه شد. (مضاف‌الیه)

نبندد مرا دست، چرخ بلند

که گفت برو دست رستم ببند

چه کسی به تو گفت برو... (متمم)

گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟

ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟

نشان تو را از چه کسی بجویم؟ (مضاف‌الیه). تو را از چه کسی بجویم؟ (مفعول)

کوشش بسیار نامد سودمند

عشق او بلاز اندر آوردم به بند

عشق او، باز من را به بند در آورد. (مفعول)

بگویی مرا تا زهی گر کمان

دل روشنم بر تو شد بدگمان

دل روشن من بر تو بدگمان شد. (مضاف‌الیه)

**\*توجه:** هسته اگر صفت پسین داشته باشد، مضاف‌الیه به هسته نمی‌چسبد.

**\*چند نکته مهم\***

۱ - فعل اسنادی «م یا ام» را با ضمیر متصل اشتباه نگیریم. (آن بلبل هستم که ...)

آن **بلبلم** که چون کشم از دل صغیر گرم بوی محبت از نفسم می توان شنید

۲ - شناسه را با ضمیر متصل اشتباه نگیریم.

می گویم و بعد از من، گویند به دورانها ← **من** می گویم و...

۳ - ضمیر متصل گاه به قید و حرف اضافه می چسبد ولی مضاف الیه کلمه دیگری است.

هنوزت اجل دست خواهش نبست ← هنوز، اجل دست خواهش تو را نبسته است.

دید کش دور به انجام رسید ← دید که دورش (زمانش، زمان او) به انجام (پایان) رسیده است.

**\*توجه:** به ادعای کتاب درسی فارسی دهم چاپ ۹۷، «ضمیر متصل» فقط با چسبیدن به فعل، نقش مفعولی یا متممی

می گیرد! و با چسبیدن به اسم فقط نقش مضاف الیه می گیرد. با توجه به مصراع «گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد»،

مشخص است که ضمیر «م»، نقش مفعولی دارد. (بوی زلف تو، **من را** در عالم گمراه کرد)

در بیت زیر نیز ضمیر متصل «ش»، نقش مفعولی دارد ولی به فعل نچسبیده است.

هر آن که جانب اهل خدا نگه دارد **خداش** در همه حال از بلا نگه دارد

خدا، **او را** در هر وضعیتی از بلا نگه می دارد (حفظ می کند).

نه چنان گناهکارم، که به **دشمنم سپاری** تو به دست خویش فرمای، **اگرم کنی عذابی**

آن گونه گناهکار نیستم که **من را** به دشمن واگذار کنی. تو خودت با دست خودت انجام بده، اگر خواستی **من را** عذاب کنی.

در مصراع اول بیت زیر نیز، ضمیر «مان»، نقش مفعولی دارد و به فعل نچسبیده است.

گر خدا خواهد **که مان** یاری کند **میلمان** را جانب زاری کند

اگر خدا بخواهد که **ما را** کمک کند ...

**\*نکته بسیار مهم:** ممکن است مبحث جهش ضمیر مجدد از کنکور حذف شود، ولی نقش ضمیر متصل قطعاً حذف نخواهد

شد. پس فارغ از بحث جهش و پرش ضمیر، نقش ضمیر متصل را یاد بگیرید.

۴۰- ضمیر پیوسته در کدام گزینه نقش متفاوت دارد؟

(۱) دو صد کوه بلا در وی، کشیده تیغ خونریزی

(۲) که گفتت برو دست رستم ببند

(۳) یاری که می ننوشد، از ذوق ما چه داند

(۴) مرده در خاک لحد دیگزر ز سر گیرد حیات

گر به آب دیده‌ی ساغر بشویندش کفن

به دامن سنگ بر هر سو، ز بهر سنگ بارانش

نبندد مرا دست چرخ بلند

ناخورده دُرد دردش، صاف دوا چه داند؟

گر به آب دیده‌ی ساغر بشویندش کفن



## ۴۱- در کدام بیت جهش ضمیر دیده می‌شود؟

- (۱) در آرزوی رویش، چنندین عجب نباشد  
 (۲) گربرز زمین بیفتد، آب دهان یارم  
 (۳) گفتم که آب چشمم، بر روی خشک گردد  
 (۴) من آن گمان نبردم، کز خطّ دود رنگش
- گر آفتاب از این پس، پیش از سحر برآید  
 از بیخ هر نباتی، شاخ شکر برآید  
 چون بر گل عذارش، ریحان تر برآید  
 چون شمع هر زمانم آتش به سر برآید

## ۴۲- ضمیر پیوسته «م» در واژه مشخص شده در تمام گزینه‌ها نقش یکسان دارد به جز گزینه .....

- (۱) عنان میچ که گر می‌زنی به شمشیرم  
 (۲) هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک  
 (۳) مرا امید وصال تو زنده می‌دارد  
 (۴) در خجالت‌گاه جسمم جز خطا نامد به پیش
- سپر کنم سر و دستت ندارم از فتراک  
 گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک  
 و گر نه هر دمم از هجر توست بیم هلاک  
 ره به لغزش قطع شد از بس زمین نمناک بود

## ۴۳- نقش ضمیر پیوسته در واژگان مشخص شده، در تمام گزینه‌ها یکسان است به جز گزینه .....

- (۱) تا چشم بشر نبیندت روی  
 (۲) مریز آبروی برادر به کوی  
 (۳) خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش  
 (۴) گر رفته باشم زین جهان بازآیدم رفته روان
- بنهفته به ابر، چهر دل‌بند  
 که دهرت نریزد به شهر آبروی  
 خداوندا نگه دار از زوالش  
 گر همچین دامن‌کشان بالای خاکم بگذری

## درس هفتم: واژگان دو تلفظی

کلماتی مانند: مهربان و مهربان، یادگار و یادگار، آسمان و آسمان، آموزگار و آموزگار و ... را دو تلفظی می‌گویند.

**\* توجه:** تلفظ با حرکت بر تلفظ ساکن ترجیح دارد.

نوع دیگری از کلمات دو تلفظی به صورت «گمان و گمان، شجاعت و شجاعت، اصالت و اصالت، عطر و عطر، کشتی و کشتی، نشاط و نشاط، وجدان و وجدان، حماسی و حماسی، ثبات و ثبات و ...» می‌باشند که تلفظ اولی بر دومی ترجیح دارد.

## درس هشتم: واژگان در گذر زمان

زبان، زنده‌ترین موجود جهان و هر روز در تغییر است. واژگان نیز در گذر زمان دچار تغییراتی می‌شوند. این تغییر و تحول را می‌توان در چهار دسته جای داد:

۱- واژگانی که به مرور زمان از دایره واژگان زبان معیار یا امروزی حذف می‌شوند.

مانند: آزنداک، سوفار، برگستوان، الفعدن، اوژن و...

۲- واژگانی که معنای گذشته را از دست می‌دهند و در زبان معیار یا امروزی معنای جدید می‌پذیرند.

واژه	معنای قدیم	معنای جدید
شوخ	چرک	بذله‌گو و شوخ طبع
رعنا	خودبین	خوش‌اندام و زیبا
سوگند	گوگرد	قسم

۳- واژگانی که هم معنای گذشته را حفظ می‌کنند و هم در زبان معیار و امروزی معنای جدید می‌گیرند.

واژه	معنای قدیم	معنای جدید
یخچال	چاله‌های یخی	یخچال امروزی
سپر	ابزار جنگی	سپر ماشین

۴- واژگانی که بدون هیچ تغییر در معنا، باقی مانده‌اند و در زبان معیار و امروزی استفاده می‌شوند.

مانند: خنده، درخت، گل، هوا، خوبی و...

### پسوند تصغیر (کوچکی) «-ک»

این پسوند را نشانه تصغیر و تقلیل می‌دانند. ولی علاوه بر تصغیر، معنای تحقیر (مردک) و تحبیب یعنی محبت کردن (طفلك) نیز از آن برداشت می‌شود. ولی اغلب در همان معنای تصغیر است. مانند: طلاقک، خورجینک، شلوارک، درمک و...

**\*نکته:** دیگر پسوند تصغیر «-چه» است. مانند: باغچه، طاقچه، تریچه و...

۴۴- همه واژه‌های کدام گزینه در گذر زمان وضعیت مشابهی نداشته‌اند؟

(۱) برگستوان، بادافراه، ایدر (۲) دستور، دستار، خوب (۳) شوخ، کثیف، تماشا (۴) سپر، رکاب، یخچال

۴۵- در کدام گزینه وضعیت واژه‌ها به ترتیب دچار «تحول معنایی، حذف شدن، حفظ معنای قدیم و پذیرش معنای جدید، ادامه حیات با معنای قدیم» شده‌اند؟

(۱) تماشا، سوفار، دستور، چشم  
(۲) مزخرف، فتراک، رکاب، زیبایی  
(۳) کثیف، خنده، سپر، یخچال  
(۴) سوگند، برگستوان، زین، شوخ

۴۶ - معنی واژه «فضل» در همه‌ی گزینه‌ها یکسان است به جز گزینه‌ی ....

- (۱) به بندگی و صغیری گرت قبول کند
  - (۲) فضل هنر ضایع است تا ننماید
  - (۳) نگویمت که در او دانشی است یا فضلی
  - (۴) علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد
- سپاس دار که فضلی بود کبیر از دوست  
عود بر آتش نهند و مشک بسایند  
که نیست در همه آفاق مثل او جاهل  
ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد

۴۷ - معنی واژه‌ی «شوخ» در کدام گزینه با عبارت «باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنیم» یکسان است؟

- (۱) این گدای شوخ را که چندان نعمت به چندین مدّت برانداخت، برانید.
- (۲) بارها دستبرد زمانه جافی دیده و شوخ‌چشمی سپهر غدار معاینه کرده.
- (۳) به قلت حیا مذکور باشد و به شوخی و وقاحت مشهور.
- (۴) درخواستم از حق تعالی که مرا به من نمایی چنان که هستم؛ مرا به من نمود با پلاسی شوخ.

### درس نهم: واو عطف و ربط

**واو عطف:** بین دو واژه می‌آید که ارزش دستوری یا نقش یکسان دارند. یعنی کلمه‌ی بعد «واو» همان نقش کلمه‌ی قبل «واو» را داشته باشد.

علی و حسین آمدند.	من و تو آمدیم.	احسان مهربان و دلسوز است.
-------------------	----------------	---------------------------

\***توجه:** واو عطف، بین دو اسم (کیف و کتاب)، دو ضمیر (من و تو)، دو صفت (خوب و مهربان)، دو قید (تند و سریع) و یک اسم و یک ضمیر (پدر و او) می‌آید.

\***توجه:** ویرگول، گاه کار واو عطف را انجام می‌دهد. اگر تعداد کلمات معطوف بیش از دو مورد باشد، معمولاً فقط بین دو کلمه آخر «واو» می‌آید.

محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین «پنج تن آل عبا» هستند.

**واو ربط:** دو جمله را که معنای پیوسته دارند یا به هم مربوط هستند، به هم وصل می‌کند.

علی به خانه آمد و کتاب‌هایش را برداشت.

رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به‌سزا حق شناس باش.

\***توجه:** «واو» بین دو فعل، قطعا «واو ربط» است. آمدند و کردند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.

\***توجه:** اگر یک طرف «واو» فعل باشد، آن «واو» حتماً «واو ربط» است.

تو دانی و تو دانی، آن چه خواهی رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

۴۸- در چند مورد از ابیات زیر، هر دو نوع «واو» عطف و ربط وجود دارند؟

- الف) چون گل و می، دمی از پرده برون آی و درآ  
ب) همی بلند برآرند و بس فروفکنند  
ج) به نظم و نثر کسی را گر افتخار سزاست  
د) عجب مدار ز من نظم خوب و نثر بدیع  
هـ) آن جود و عدل دارد سلطان که پیش از این
- (۱) یکی (۲) دو تا (۳) سه تا (۴) چهار تا
- که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد  
همی فراوان بدهند و بازستانند  
مرا سزاست که امروز نظم و نثر مراست  
نه لعل از صدف است و نه انگبین ز گیاست؟  
آن جود و عدل، حاتم و نوشیروان نداشت

۴۹- نوع «عطفی» یا «ربطی» کدام «واو» متفاوت است؟

- (۱) مشتاقی و مهجوری دور از تو چنلنم کرد  
(۲) من چراغم نور داده بازستانم ز کس  
(۳) از جنس کارگاه نشابور و کار روم  
(۴) شکر و سیم پیش همت او
- کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی  
شاه، خورشید است و اینک نور داده بازخواست  
بر من خراج روم و نشابور خوار کرد  
از من و شعر، شرمسارتر است

۵۰- انواع «واو» مشخص شده در ابیات زیر به ترتیب، در کدام گزینه صحیح است؟

- الف) منم پورایران و نام آورم  
ب) همه راهست همین داغ محبت که مراست  
ج) بس که بودم چون گل و نرگس دوروی و شوخ چشم  
د) بیامد به دشت و نفس کرد راست
- (۱) ربط، ربط، عطف، ربط  
(۲) عطف، ربط، عطف، عطف  
(۳) ربط، عطف، عطف، عطف  
(۴) عطف، ربط، ربط، ربط
- ز نیروی شیران بود گوهرم  
که نه مستم من و در دور تو هشیاری هست  
باز یک چندی زبان در کام چون سوسن کشم  
پس آن گه باستاد و هم‌رزم خواست

۵۱- در کدام گزینه، هر دو نوع «واو عطف و ربط» وجود دارد؟

- (۱) آن وقت که این انجم و افلاک نبود  
(۲) یا رب تو مرا توبه ده و عذر پذیر  
(۳) چرخ و مه و مهر در تمنای توآند  
(۴) بر طاعت و خخیر خود نباید نگرست
- وین آب و هوا و آتش و خاک نبود  
ای توبه‌ده و عذرپذیر همه کس  
جان و دل و دیده در تماشای توآند  
در رحمت و فضل او نگه باید کرد

## درس دهم: انواع جمله

جمله در زبان فارسی از نظر ساختاری دو نوع است: جمله ساده، جمله مرکب.

**الف) جمله ساده:** جمله‌ای است که یک فعل دارد. تمام جمله‌هایی که پیش از این بررسی می‌کردیم، جمله ساده بودند.

علی به خانه رفت. بچه‌ها خیمه‌ها را در صحرا بر پا کردند. آتش از دور دیده می‌شد.

**ب) جمله مرکب:** جمله‌ای است که بیش از یک فعل دارد و حداقل از دو جمله ساخته شده است. از یک جمله هسته و یک یا چند

جمله وابسته که با حروف ربط «که، تا، اگر، چو، چون، تا جایی که، زیرا که، برای این که و ...» به هم مربوط شده‌اند. به دو عبارت زیر توجه کنید.

الف) علی به خانه رفت و کتاب‌هایش را آورد. ب) علی به خانه رفت تا کتاب‌هایش را بیاورد.

عبارت (الف) از دو جمله مجزاً ساخته شده است ولی در عبارت (ب)، جمله «تا کتاب‌هایش را بیاورد» دلیل جمله اول را می‌رساند و در واقع به آن ربط دارد، این‌گونه جملات را جمله مرکب می‌گویند.

**اگر** خوب درس بخوانیم، موفق می‌شویم. **تا** با خاک انس نگیرید، راهی به مراتب قُرب ندارید.

این‌ها دریادلان صف‌شکنی هستند که دل شیطان را از رُعب و وحشت می‌لرزانند.

**چون** نداری ناخن درنده تیز با ددان آن به، که کم‌گیری ستیز

**\*توجه:** در جمله مرکب ۳ جزء وجود دارد: جمله پایه یا هسته، جمله پیرو یا وابسته، پیوند وابسته‌ساز.

**جمله پایه یا هسته:** بخشی از جمله است که پیوند وابسته‌ساز ندارد و معنای کاملی دارد.

**جمله پیرو یا وابسته:** بخشی از جمله است که پیوند وابسته‌ساز دارد و معنای کاملی ندارد. و برای بیان علت و یا توضیح، تفسیر و ... می‌آید.

**پیوند وابسته‌ساز:** حروفی که دو جمله هسته و وابسته را به هم وصل می‌کنند.

علی خوب درس می‌خواند	تا	در کنکور موفق شود.
جمله هسته	پیوند وابسته‌ساز	جمله وابسته
جمله مرکب		

اگر	بیشتر تلاش کنیم	حتماً موفق می‌شویم.
پیوند	جمله وابسته	جمله هسته
جمله مرکب		

**\*توجه:** ترتیبی برای جمله هسته و وابسته وجود ندارد و هر دو می‌توانند ابتدای جمله بیایند. باید به این نکته توجه داشته

باشیم که اولین جمله‌ی بعد از پیوند وابسته‌ساز، جمله وابسته است.

**\*توجه:** «و، اما، ولی و یا» پیوند هم‌پایه‌ساز هستند و جمله‌ی مرکب نمی‌سازند.

علی به خانه رفت و کیفش را آورد. احمد تلاش کرد ولی (اما) موفق نشد.

\***توجه:** جمله مرکب می‌تواند بدون پیوند وابسته‌ساز باشد.

می‌دانستم موفق می‌شوی. ← می‌دانستم که موفق می‌شوی.

\***توجه:** «چو» و «چون» اگر معنای «زیرا که، برای این که، به خاطر این که، اگر و ...» بدهند، پیوند وابسته‌ساز محسوب می‌شوند

و جمله مرکب می‌سازند.

چون گرفتاری عبرت از گرگ دنی / پس تو روبه نیستی شیر منی

برای این که

چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی / ببايد زدن سنگ را بر سبوی

اگر

\***نکته بسیار مهم:** در جمله مرکب، جمله وابسته را می‌توان به مصدر تأویل کرد (برگرداند).

می‌دانستم	که	موفق می‌شوی.	←	موفق شدن تو را،	می‌دانستم.
جمله هسته	پیوند وابسته‌ساز	جمله وابسته		مصدر	
یک جمله مرکب			یک جمله ساده		

آمده بودم	تا	درس بخوانم	←	برای درس خواندن،	آمده بودم.
جمله هسته	پیوند وابسته‌ساز	جمله وابسته		مصدر	
یک جمله مرکب			یک جمله ساده		

۵۲- در کدام بیت جمله‌ی غیر ساده وجود ندارد؟

- ۱) خدنگ چشم تو در جان خاص و عام نشست
- ۲) آن که یک لحظه فراموش نگشت از یادم
- ۳) سرو هر چند به بالای تو می‌ماند راست
- ۴) از بهر خدا زلف مپیرای که ما را

۵۳- در کدام بیت جمله غیر ساده وجود ندارد؟

- ۱) در حال خویشتن چو همی ژرف بنگرم
- ۲) گر بر قیاس فضل بگشتی مدار چرخ
- ۳) منگر بدین ضعیف تنم زانکه در سخن
- ۴) وز دیدن و شنیدن دانش یله نکرد

صفا همی برآید از انده به سر مرا  
جز بر مقرّ ماه نبودی مقرّ مرا  
زین چرخ پرستاره فزون است اثر مرا  
چون دشمنان خویش به دل‌کور و کر مرا

۵۴- در چند تا از ابیات زیر، جمله غیر ساده دیده می‌شود؟

- از سر من گر قدم، بازگرفتی چه شد  
 کام دل خویشش یافت، هر که به درد تو مُرد  
 خادم نقّاش فکر، نقش رخت سال‌ها  
 از پی محنت شود، مست محبّت، مُدام
- (۱) یک بیت (۲) دو بیت (۳) سه بیت (۴) هر چهار بیت

۵۵- کدام بیت جمله غیر ساده ندارد؟

- (۱) سست‌پیوند کسی باشد در مذهب عشق  
 (۲) بی تو یک لحظه که بر من گذرد پندارم  
 (۳) گر به جان حکم کند دوست خلافتش نکنم  
 (۴) در شب هجر بیا شمع وصالی بفروز

۵۶- در همه ابیات به جز ..... جمله غیر ساده وجود دارد.

- (۱) رضای دوست به دست آر و دیگران بگذار  
 (۲) خاکم به باد دادی، دامن فشانندی اما  
 (۳) تا گل روی تو در باغ لطافت بشکفت  
 (۴) جاننا کدام سنگدل بی کفایت است

### درس یازدهم: شیوه بلاغی

\***توجه:** هر چند این مبحث در قلمرو ادبی آمده است اما ذاتاً یک بحث دستوری است.

**شیوه بلاغی:** در جملات فارسی معیار، نهاد در ابتدای جمله و فعل در پایان جمله و نقش‌هایی چون؛ مفعول، مسند، متمم و... نیز ما بین آن دو قرار می‌گیرند. ولی در شعر و نثر ادبی، شاعر و نویسنده با جابه‌جایی این ارکان، به بلاغت کلام می‌افزاید. و مفاهیمی مانند تاکید را با این عمل ایجاد می‌کند. بنابراین شیوه بلاغی، مواردی چون «تقدیم فعل بر سایر اجزای جمله»، «تأخیر نهاد نسبت به سایر اجزای جمله»، و مواردی از این دست می‌باشد.

نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش **بتازد** به نیرنگ تو، توسن من

توسن من به نیرنگ تو بتازد. «فعل» را مقدّم بر سایر اجزای جمله کرده است.

من ایرانی‌ام آرمانم شهادت تجلی هستی است، **جان کندن من**

جان کندن من، تجلی هستی است. «نهاد» را موخّر آورده است.

**\*توجه:** شیوه بلاغی می‌تواند فراتر از یک جمله باشد؛ مثلاً: منادا که یک جمله‌ی مستقل است، اگر در پایان عبارت یا مصراع قرار بگیرد، شیوه بلاغی محسوب می‌شود. (البته کتاب درسی به این نکته اشاره نکرده است و در سوالات کنکور و کنکورهای آزمایشی هم، تاخیر منادا را شیوه بلاغی لحاظ نکرده‌اند. فقط محض اطلاع آورده شد.)

به خون گر کِشی خاک من، دشمن من، بجوشد گل اندر گل از گلشن من

**\*نکته:** هر مصراع دومی که با فعل تمام نشود، اگر حذف به قرینه نداشته باشد «شیوه بلاغی» دارد.

**\*نکته:** جهش و جابه جایی ضمیر، شیوه بلاغی ایجاد می‌کند.

۵۷- در همه ابیات به جز بیت ..... اجزای جمله به شیوه بلاغی بیان شده است.

- |                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| بکش به غمزه که اینش سزای خویشان است  | (۱) به دام زلف تو دل مبتلای خویشان است |
| به دست باش که خیری به جای خویشان است | (۲) گرت ز دست برآید مراد خاطر ما       |
| مکن که آن گل خندان برای خویشان است   | (۳) چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل  |
| که گنج عافیتت در سرای خویشان است     | (۴) مرو به خانه ارباب بی‌مروت دهر      |

۵۸- در کدام گزینه «مفعول» بر یک یا چند جزء دیگر جمله مقدم شده است؟

- |                                 |                                    |
|---------------------------------|------------------------------------|
| که جز مرگ را کس ز مادر نژاد     | (۱) جهان را چنین است ساز و نهاد    |
| این روزگار شیفته را فضل کم نمای | (۲) مسعود سعد، دشمن فضل است روزگار |
| هر جا که تویی تفرج آنجاست       | (۳) ما را سر باغ و بوستان نیست     |
| نهد بر دل تنگ درویش بار         | (۴) چو منعم کند سقله را روزگار     |

۵۹- در سرودن کدام بیت شیوه بلاغی به کار نرفته است؟

- |                           |                                |
|---------------------------|--------------------------------|
| ندارد جز این کشور آرامگاه | (۱) گر از فتنه آید کسی در پناه |
| و گر نه بخواهم ز پروردگار | (۲) مهمی که در پیش دارم برآر   |
| تهی‌دست و امیدوار آمدم    | (۳) خدایا مقصّر به کار آمدم    |
| به آب دگر آتشش باز کش     | (۴) مبر تلخ‌عیشی ز روی تروش    |

۶۰- در کدام بیت «شیوه بلاغی» به کار رفته است؟

- |                                      |                                       |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم        | (۱) بگذار تا مقابل روی تو بگذریم      |
| تا بنگری که بی تو چه خونابه می‌خوریم | (۲) روزی به بزم و مجلس ما در نیامدی   |
| از خاک بیشتر نه، که از خاک کمتریم    | (۳) گفتم ز خاک بیشترند اهل عشق من     |
| چندان فتاده‌اند که ما صید لاغریم     | (۴) سعدی تو کیستی که در این حلقه کمند |



## درس دوازدهم: نثر ساده یا نثر امروزی

برای تبدیل یک نثر یا شعر به نثر امروزی، موارد زیر را انجام می‌دهیم:

۱- ترتیب اجزای کلام را برحسب زبان معیار «نهاد + ... + فعل» می‌آوریم.

بتازد به نیرنگ تو، توسن من ← توسن من، به نیرنگ تو بتازد.

۲- معنای امروزی واژگان را می‌نویسیم.

جدا سازی ای خصم، سر از تن من (خصم ← دشمن)

۳- ویژگی‌های دستوری کهن را به دستور امروزی تبدیل می‌کنیم.

تنم گر بسوزی ( بسوزی فعل ناگذر است اما در معنای گذرای «بسوزانی» آمده است.)

به تیرم بدوزی («م» ظاهراً مضاف‌الیه است، اما مفعول است. ← با تیر من را بزنی)

۴- آرایه‌ها را به نثر غیر ادبی تبدیل می‌کنیم. (مثلاً استعاره و مجاز را به معنای مدّ نظر برمی‌گردانیم یا کنایه را از حالت کنایی

خارج می‌کنیم و معنای واضح آن را می‌نویسیم و...)

مپندار این شعله افسرده گردد (تصوّر نکن عشق من از بین خواهد رفت. شعله ← استعاره از عشق)

به خون گر کشی خاک من، دشمن من (ای دشمن من، اگر کشورم را به خون بکشی. خاک ← مجاز از کشور)

۵ - تشخیص بعضی از نقش‌ها بسیار مهم است. مخصوصاً: نهاد، مفعول و ...

۶ - تشخیص مخاطب یا تشخیص ضمیرهای تو و او در اشعار عرفانی و عاشقانه و ...

۷ - توجه ویژه به آرایه اسلوب معادله

۸ - در کنکور، ویرگول گذاشته نمی‌شود! تشخیص محل ویرگول در تعیین نهاد و ... موثر است.

۹ - توجه ویژه به تعداد جمله‌های بیت یا عبارات و توجه ویژه به فعل جمله. زیرا بعضی اوقات افعال تغییر معنا می‌دهند.

۱۰ - توجه به معنی حروف اضافه. مثلاً در عبارت زیر «که» بار اول در معنای «زیراکه» و بار دوم در معنای «از» آمده است.

گفت: خاموش؛ که در پستی مردن به که حاجت پیش دیگری بردن.

در ابیات و عبارات زیر تشخیص نهاد و مفعول به دقتی شایسته نیاز دارد.

سحر چشمان تو باطل نکند چشم آویز      مست چندان که بیوشند نباشد مستور

چشم آویز سحر چشمان تو را نمی‌تواند باطل کند.

چون مار زخم خورده دل افتد به پیچ و تاب      هر گاه که یاد طره پیچان کند تو را

دل، هر گاه که یاد موی پیچان تو می‌کند، مانند مار زخم خورده به پیچ و تاب می‌افتد.

## شبکه معنایی

شبکه معنایی، معادل مراعات نظیر در آرایه‌های ادبی است و آن هنگامی است که شاعر یا نویسنده کلماتی را بیاورد که با هم در ارتباط مستقیم باشند و یا زیر مجموعه‌هایی از یک چیز باشند. مثلاً واژگان مربوط به جنگ یا واژگان مربوط به شطرنج و...

کمان را بمالید رستم، به چنگ

به شست اندر آورد تیر خدنگ

پیل فنا که شاه بقا، حکم مات اوست

هم بر پیادگان شما نیز بگذرد

**\*نکته:** در هنگام یادگیری معنای کلمات بهتر است آن‌ها به طور زنجیره‌ای و یک‌جا یاد بگیریم تا با یکدیگر، اشتباه نگیریم.

سوفار، پیکان، کمان، قربان، کیش، زه، سنان، قلب، میمنه، میسره، عقبه، طلایه، ترگ، خود، زره، جوشن، پُتک، تیغ، ناوک، گرز، سپر، باره، برگستوان، عنان، کوس، رایت، بیرق و ...

## دو حرف اضافه برای یک متمم

متمم یکی از نقش‌های دستوری است که بعد از یک حرف اضافه می‌آید. در دستور تاریخی دیده می‌شود که گاه برای یک متمم، دو حرف اضافه (یکی قبل و یکی بعد) آمده است. این ویژگی در آثار سبک خراسانی و تا حدودی اوایل سبک عراقی وجود داشت. در کتاب‌های درسی، در چند درس، مخصوصاً درس‌های شاهنامه چندین مورد این ویژگی دیده شده است.

چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد

بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

که در بوستانش همیشه گل است

به کوه اندرون لاله و سنبیل است

چو آمد خروشان به تنگ اندرش

بجنبید و برداشت خود از سرش

**\*توجه:** «دو حرف اضافه برای یک متمم» زمانی است که یک حرف اضافه، قبل متمم و یک حرف اضافه، بعد متمم آمده باشد. در ابیات زیر متمم فقط یک حرف اضافه‌ی مرکب دارد.

دلیری کجا نام او اشکبوس

همی بر خروشید برسان کوس

چنان ننگش آمد ز کار هُجیر

که شد لاله‌رنگش به کردار قیر

**\*توجه:** بین دو حرف اضافه نباید فعل باشد. در ابیات زیر دو حرف اضافه برای یک متمم وجود ندارد.

بیامد که جوید ز ایران نبرد

سهرم نبرد اندر آرد به گرد

بشدد، تیز رُهام با خود و گبر

همی گرد رزم اندر آمد به ابر

**\*توجه:** «اندر» یا «بر» ممکن است قبل فعل بیایند و پیشوند فعل باشند و حرف اضافه نباشند.

به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ

سوار اندر آیند هر سه به جنگ

چو نازش به اسب گرانمایه دید

کمان را به‌زه کرد و اندر کشید

سزد گر بداری سرش در کنار

زمانی برآسبایی از کارزار

**\*توجه:** ممکن است چندین حرف اضافه در یک بیت دیده شود، ولی ویژگی «دو حرف اضافه برای یک متمم» در بیت وجود نداشته باشد. در واقع زمانی این ویژگی وجود دارد که دو حرف اضافه برای یک متمم آورده شده باشد. در مثال زیر، چندین حرف اضافه آمده است، ولی هر کدام برای یک متمم است.

یکی تیر زد بِر بر اسب اوی که اسب اندر آمد ز بالا به روی  
**\*نکته:** گاه متمم، مضاف‌الیه یا صفت می‌گیرد و بین متمم و حرف اضافه دوم فاصله می‌افتد.

کمان به‌زه را به بازو فکند به بند کمر بِر، بزد تیر چند  
**مثال‌های دیگر برای دو حرف اضافه:**

به رستم بِر آنکه ببارید تیر تهمت‌ن بدو گفت: بر خیره خیر  
 زنی بود برسان گُردی سوار همیشه به جنگ اندرون نامدار  
**مُمال:** تبدیل مصوّت بلند «ا» به مصوّت بلند «ی» در بعضی از واژگان عربی.

سلاح ←	سلیح	مزاح ←	مزیح
عتاب ←	عتیب	حجاب ←	حجیب
هلام ←	هلیم	اسلامی ←	اسلیمی

۶۱- در کدام گزینه متمم دو حرف اضافه دارد؟

- ۱) یکی تازی‌ای بر نشسته سیاه
- ۲) بی‌یا تا جهان را به بد نسپیریم
- ۳) چو او را بدیدند برخاست غو
- ۴) سراسر زمانه پر از جنگ بود

۶۲- در کدام بیت برای متمم دو حرف اضافه آمده است؟

- ۱) چو لشکر بیامد ز دشت نبرد
- ۲) مزن بر سر ناتوان دست زور
- ۳) یکی بانگ برزد به خواب اندرون
- ۴) بشد تیز رهام با خود و گبر

۶۳- در کدام گزینه مُمال وجود دارد؟

- ۱) روشن‌گهری ز تابناکی
  - ۲) چون دید پدر جمال فرزند
  - ۳) فرمود ورا به دایه دادن
  - ۴) دورانش به حکم دایگانی
- شبروز کن سرای خاکی  
 بگشاد در خزینه را بند  
 تا رُسته شود ز مایه‌دادن  
 پرورد به شیر مهربانی

۶۴- در همه گزینه‌ها واژه مُمال شده وجود دارد، به جز گزینه‌ی .....  
هم دست کامرانی، دل از عنان گسسته  
مرا خدای تعالی ز آسیای فراز  
تا ماه‌رویم از من، رخ در حجب دارد  
هزار سال اگر عمر من بود به مثل

هم پای زندگانی، جان در رکیب دارد  
که عقل حاصل آن را نیاورد به حسیب  
نه دیده خواب یابد، نه دل شکیب دارد  
مرا نیاز نیاید به آسیای نشیب

### درس سیزدهم: تغییر شکل نوشتاری بعضی از کلمات

در گذر زمان شکل نوشتاری بعضی کلمات تغییر می‌کند؛

مانند: سپید ← سفید    اسپ ← اسب    دیفال ← دیوار    کاغد ← کاغذ    پیل ← فیل    پارسی ← فارسی

### شکل تاریخی افعال

در متون بسیار کهن و اولیه زبان فارسی (سبک خراسانی)، گاه پیشوندها و پسوندهایی با افعال به کار می‌رفت که امروزه در زبان معیار از آن‌ها استفاده نمی‌شود.

همی‌رفت ← می‌رفت    برفت ← رفت    رفتندی ← رفتند    بنگردی ← نگردی

۶۵- در کدام گزینه شکل تاریخی دستور زبان فارسی دیده نمی‌شود؟

۱) پسند اسست با زهد عمار و بوذر  
۲) تو با هوش و رای از نکومحضران چون  
۳) اگر لاله پُر نور شد چون ستاره  
۴) درخت تُرنج از بر و برگ رنگین  
کند مدح محمود مر عنصری را  
همی‌برنگیری نکومحضری را  
چرا زو نپذرفت صورت‌گری را  
حکایت کنند کله‌قیصری را

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید. همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

## درس چهاردهم: انواع «را»

«را» در زبان فارسی معیار و زبان امروزی نشانه‌ی مفعول است. و در واقع نقش‌نمای مفعولی است. اما در دستور

تاریخی کاربردهای دیگری داشته است:

## ۱- رای نشانه‌ی مفعول:

اصلی‌ترین و بیشترین کاربرد «را» نشانه‌ی مفعول است.

چو	سهراب	را	دید گردآفرید
	مفعول		نقش‌نمای مفعولی

\* **توجه:** این تعریف که، کلمه قبل «را» مفعول است، تعریف کاملی نیست. چرا که ممکن است، مفعول، مضاف‌الیه یا صفت و وابسته‌هایی داشته باشد. در واقع قبل «را» می‌تواند گروهی بیاید که هسته آن مفعول است.

تا بیاید	نطق	مرغ	خویش را
	مفعول	مضاف‌الیه	مضاف‌الیه

کار	پاکان	را	قیاس از خود مگیر
	مفعول		مضاف‌الیه

## ۲- رای نشانه حرف اضافه:

«رای» که معنای حرف اضافه می‌دهد و بعد از متمم می‌آید.

مردم آزاری را حکایت کنند که سنگی بر سر صالحی زد ← از مردم آزاری حکایت می‌کنند که ...

بهرام گور را سخت عجب آمد. ← برای بهرام گور بسیار عجب آمد.

تو را بهتر آید که فرمان کنی ← برای تو بهتر است که فرمان را اطاعت کنی.

قضا را روزی به دشت رفته بودم ← از قضا روزی به دشت رفته بودم.

خرد را گر نبخشد روشنایی ← اگر به خرد روشنایی نبخشد ...

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را ← به هر درویشی هدیه‌ای می‌داد.

خدا را رحمی ای منعم ← به خاطر (برای) خدا رحمی کن

\* **توجه:** رای حرف اضافه در معنای «برای» کمی دیرپاب‌تر از انواع دیگر است.

به دو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت      که ز کوی او غباری به من آر توتیا را

\* **توجه:** توتیا را یعنی برای توتیا. (توتیا ماده‌ای درمانی و شفابخش بوده است). غباری از کوی او برای درمان چشمم بیاور.

### ۳- رای فک اضافه:

«رای» است که به جای نقش‌نمای اضافه «-یا ی» می‌آید و جای مضاف و مضاف‌الیه را نیز عوض می‌کند.

معلم را عادت بود که نقشه‌ی نیم‌کاری با خود به کلاس آورد. (معلم را عادت ← عادت معلم)

آب را صفت طهارت است. (آب را صفت ← صفت آب)

یاد باد آن که سر کوی توأم منزل بود دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

روشنی دیده

چو خندان شد و چهره شاداب کرد ورا نام تهمینه سهراب کرد

نام او

\*نکته: گاه بین مضاف و مضاف‌الیه چند وابسته می‌آید.

پیران قبیله خویش را حرمت بدار ← حرمت پیران قبیله‌ی خویش را نگه دار.

\*نکته: در بعضی ابیات به ضرورت وزن ارکان جمله جابه‌جا می‌شوند و ممکن است با وجود رای فک اضافه، کلمه دوم مضاف

باشد. در این شعر حافظ «خاک بر سر کن غم ایام را»، جمله مد نظر «خاک بر سر غم ایام کن» می‌باشد. یا در مصراع دیگر

می‌گوید: «خاک بر سر نفس نافرجام را»

\*توجه: در مثال‌های زیر، فعل، گذرا به مفعول است و مفعول می‌گیرد و مفعول هم به «را» نیاز دارد، ولی «رای» به کار رفته

در مثال‌های زیر، «رای فک اضافه» است و «رای مفعولی» حذف شده است.

پیران قبیله خویش را حرمت بدار ← حرمت پیران قبیله‌ی خویش را نگه دار.

ورا نام تهمینه سهراب کرد مرا مادرم نام مرگ تو کرد

تهمینه نام او را سهراب گذاشت. مادرم نام من را مرگ تو گذاشت.

### پسوندهای شباهت

«وش»، «وار»، «سا»، «گون»، «آسا»، «دیس» و ... پسوندهای شباهت می‌باشند. این پسوندها علاوه بر این که می‌توانند

کلمات وندی و وندی - مرکب بسازند، می‌توانند «ادات تشبیه» باشند.

از سوی خانه بیامد خواجه‌اش بر دکان بنشست فارغ خواجه‌وش

او مانند خواجه‌ها بر دکان نشست.

مشبه مشبه‌ه ادات مشبه‌ه وجه شبه

۶۶- در همه ابیات، به جز بیت گزینه .....، حرف «را» کاربرد دوگانه دارد.

- ۱) ما ملامت را به جان جوییم در بازار عشق
- ۲) ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را
- ۳) باغبان را گو اگر در گلستان آلاله‌ای است
- ۴) چشمان ترک و ابروان جان را به ناوک می‌زنند

خط او در نقطه او مُضمر است  
از براهیم خلیل استیم ما  
فتاد و سنگ جفای تو بازخورد و شکست  
جز دوزخ و فردوس، مکانی دگر است

۶۷- کاربرد حرف «را» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) حلقه را مرکز چو جان در پیکر است
- ۲) دعوی او را دلیل استیم ما
- ۳) مرا نگینه دل کز گزند ایمن بود
- ۴) ما را به جز این جهان، جهانی دگر است

۶۸- نوع «را» در قسمت ردیف کدام گزینه با بیت زیر یکسان است؟

«آتش بیار و خرمن آزادگان بسوز  
تا پادشه خراج نخواهد خراب را»

وان را که عقل رفت چه داند صواب را  
که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را  
چه کند گوی که عاجز نشود چوگان را  
بر چشم من به سحر بیستند خواب را

- ۱) اول نظر ز دست برفتم عنان عقل
- ۲) من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت، دانستم
- ۳) چه کند بنده که گردن نهد فرمان را
- ۴) گویی دو چشم جادوی عابد فریب او

۶۹- در بیت زیر «را» در مصراع نخست کاربرد حرف اضافه دارد و در مصراع دوم، نشانه مفعول است. در کدام بیت این دو نوع

«را» دیده می‌شود؟

که به ماسوا فکندی، همه سایه‌ی هما را»

علی، ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را

ساقی بیار آن جام می، مطرب بزن آن ساز را  
جهل باشد با جوانان پنجه‌کردن، پیر را  
کو دید حُسن خویش و ز ما برد دست را  
تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را

- ۱) وقت طرب خوش یافتم، آن دلبر طنّاز را
- ۲) با جوانی سر خوشست این پیر بی‌تدبیر را
- ۳) یارب کوه داد آینه آن بت‌پرست را
- ۴) دوست می‌دارم من این نالیدن دل‌سوز را

۷۰- کارکرد حرف «را» در کدام گزینه متفاوت است؟

دامن‌افشاندن ز دنیا نیست مشکل، عشق را  
می‌کند یک‌رنگی معشوق یکدل، عشق را  
دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را  
ساقی بده بشارت رندان پارسا را

- ۱) دام راه خضر نتواند شدن موج سراب
- ۲) حُسن و عشق صافدل آینه یکدیگرند
- ۳) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
- ۴) خوبان پارسی گوی، بخشندگان عمرند

## درس پانزدهم: درس آزاد

درس شانزدهم: **مبحث تکراری است.** رجوع شود به نقش کلمات (درس یکم) و زمان افعال (درس دوم)

### درس هفدهم: رابطه تناسب و ترادف

در رابطه‌ی تناسب با واژگانی روبه‌رو هستیم که مربوط به یک موضوع هستند و زیرمجموعه‌های آن محسوب می‌شوند: مانند: کوه، چشمه، رود، دریا، جنگل، صحرا، دشت و... که زیر مجموعه‌های طبیعت می‌باشند، یا سبزه، زرد، آبی، قرمز و... که زیرمجموعه‌های رنگ می‌باشند.

اما در رابطه‌ی ترادف با واژگانی روبه‌رو هستیم که همگی بر یک چیز و یک مفهوم دلالت دارند و می‌توانند به جای همدیگر به کار بروند. مانند: عشق، مهر و محبت یا ظلم، جور و ستم یا داد، عدل، عدالت

**\* توجه:** زبان‌شناسی امروز با ترادف واژگان به طور دقیق موافق نیست. به طور مثال ما نمی‌توانیم «دراز» و «بلند» را یکی بدانیم. مثلاً اگر به فردی که قد بلندی دارد بگوئیم «قد دراز» ممکن است ناراحت بشود.

**\* توجه:** برای مبحث ترکیب وصفی و اضافی، به درس سوم و برای نقش کلمات به درس یکم فارسی دهم رجوع شود.

### درس هجدهم: نشانه‌ی ندا

نشانه‌ی ندا کلمه‌ای است که با آن کسی را صدا می‌زنیم یا مخاطب صحبتمان قرار می‌دهیم. **ای، آی، یا، ایا و «ا»** در آخر کلمه، از معروف‌ترین نشانه‌های ندا هستند.

سعدیا، مرد نکونام نمیرد هرگز  
ای دوست، شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد  
آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید

**\* نکته:** منادا ممکن است بدون حرف ندا بیاید. و با توجه به لحن و معنا فهمیده شود.

سعدی، به روزگاران، مه‌ری نشسته بر دل  
حافظ، از باد خزان در چمن دهر مرنج

**\* نکته:** نقش منادا را با نهاد اشتباه نگیرید!

**\* نکته:** هر وقت منادا آمد بعد آن یک حذف فعل به قرینه معنوی در نظر بگیرید.

**\* نکته:** حرف ندا و منادا یک جمله جداگانه محسوب می‌شوند.

حافظ	اسرار الهی کس نمی‌داند	خموش
یک جمله	یک جمله	یک جمله



## ۷۱- کدام بیت منادا دارد؟

متحیرم چه نامم شه مُلک لافتی را  
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا  
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

(۱) نسه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت  
(۲) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من  
(۳) دل اگر خدا شناسی، همه در رخ علی بین  
(۴) چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم

## ۷۲- کدام بیت منادا ندارد؟

که ز سرپنجه شاهین قضا غافل بود  
عشق محمد بس است و آل محمد  
نزع بر سر دنیای دون مکن درویش  
می‌رود حافظ بیدل به تولای تو خوش

(۱) دیدی آن قهقهه کبک خرامان حافظ  
(۲) سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی  
(۳) نسه عمر خضر بماند نه ملک اسکندر  
(۴) در بیابان طلب گر چه زهر سو خطری است

دکتر ابوذراحمدي

۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶

درس یکم: معانی یک واژه

شما هم تا به حال واژه‌نامه‌ی انگلیسی باز کرده‌اید و معانی متفاوت یک واژه را دیده‌اید. واژگان فارسی هم همین‌طور هستند. ممکن است برای یک واژه چندین معنا وجود داشته باشد. ولی معنای مد نظر یک واژه، به دو روش زیر فهمیده می‌شود:

**الف) قرار گرفتن در جمله:** واژه‌ی «تند» چندین معنا دارد ولی وقتی در جمله قرار می‌گیرد، در هر جمله یکی از آن معانی برداشت می‌شود.

مزه‌ی تند	تند و سریع	تند و زشت و زننده
علی به غذای تند علاقه دارد.	علی تکالیفش را تند می‌نویسد.	علی حرف‌های تند می‌زند.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تناسب و تضمن)

ترادف	دو واژه می‌توانند به جای هم به کار بروند. تسلط در معنی واژگان در این قسمت مهم است.	نور و ضیا، عدل و داد، مهر و عشق، قریب و نزدیک، جور و جفا، رنج و محنت، درد و آلم، ترغیب و تشویق
تضاد	دو واژه معنای کاملاً برعکس هم دارند.	سفید و سیاه، غم و شادی، قُرب و بُعد، کوتاه و بلند، مهر و کین، داد و بیداد، روز و شب، پادشاهی و گدایی
تناسب	واژگان زیرمجموعه‌ی یک مجموعه‌ی بزرگ‌تر هستند.	دست و پا، ماه و ستاره، سگ و گرگ، دانه و داس، رود و دریا، عقاب و باز، خودکار و کتاب، زرد و آبی
تضمن	یک واژه زیرمجموعه‌ی دیگری است. <b>یا یک واژه عام با یک واژه خاص.</b>	رنگ و بنفش، دست و آرنج، شهر و تهران، کشور و مصر، پدر و خانواده، فوتبال و ورزش، بیت و شعر

\***توجه:** دو واژه متضاد ممکن است با هم «تناسب» هم داشته باشند ولی روابط آن‌ها را «تضاد» در نظر می‌گیریم. سفید و

سیاه: زیر مجموعه رنگ هستند و در اصل تناسب دارند ولی رابطه آن‌ها تضاد در نظر گرفته می‌شود.

تلخ و شیرین: زیر مجموعه طعم و مزه هستند و در اصل تناسب دارند ولی رابطه آن‌ها تضاد در نظر گرفته می‌شود.

\***توجه:** برای مبحث پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز به درس دهم فارسی دهم مراجعه کنید.

\***توجه:** «شد» در گذشته علاوه بر فعل اسنادی در معنای «رفت» نیز به کار می‌رفته است.

منزل حافظ کنون بارگه پادشاست      دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

\***توجه:** بررسی روابط دو واژه، در بعضی عبارات نتایج متفاوت دارد. مثلاً قرمز و سبز که غالباً رابطه تناسب دارند اگر در بحث راهنمایی و رانندگی بیابند، رابطه تضاد پیدا می‌کنند. همچنین قرمز و آبی در فوتبال و بسیار مثال دیگر

۷۳- رابطه معنایی جفت‌واژه‌های کدام گزینه از نوع «تضمن» است؟

- (۱) (سیر و گیاه) ، (سهند و سبلان)  
 (۲) (کشور و ایران) ، (فرزند و دختر)  
 (۳) (ارس و کارون) ، (سیر و پیاز)  
 (۴) (سیر و گرسنه) ، (گرم و وزن)

۷۴- در کدام بیت رابطه‌ی معنایی «تضمن» به کار نرفته است؟

- (۱) همه سنگ‌ها پاس دار ای پسر  
 (۲) می بیاور که ننازد به گل باغ جهان  
 (۳) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند  
 (۴) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
- که لعل از میانش نباشد به در  
 هر که غارتگری باد خزانی دانست  
 جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند  
 کجا دانند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها

۷۵- در میان گروه‌واژه‌های زیر، به ترتیب چند رابطه از نوع ترادف و تضمن وجود دارد؟

«(ادبار و اقبال) ، (محمل و مهد) ، (رایت و بیرق) ، (دست و بدن) ، (بیعت و میثاق) ، (تند و ترش) ، (ورزش و فوتبال) ، (هنر و نقاشی) ، (پروانه و ملخ)»

- (۱) سه - سه (۲) سه - چهار (۳) چهار - چهار (۴) چهار - سه

۷۶- معنی واژه‌ی «سیر» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) نه پیل و نه تخت و نه بار و بُنه  
 (۲) مدعی بسیار داری اندر این صنعت ولیک  
 (۳) یک نیمه گیتی ستد و سیر نباشد  
 (۴) ای سیر تو را نان جوین خوش ننماید
- به نانی تو سیری و هم گرسنه  
 زیرکان دانند سیر از سوسن و خار از سمن  
 تا نیمه دیگر گرد و دیر نباشد  
 معشوق من است آنکه به نزدیک تو زشت است

۷۷- در چند بیت از اشعار زیر صفت مبهم در جایگاه وابسته پیشین قرار گرفته است؟

- (الف) همه را دیده در اوصاف تو حیران ماندی  
 (ب) مرا کـاری دگر در پیش راه است  
 (ج) در زلف مـده راه دگر باد صبا را  
 (د) دگر مرغان، پر اندر پر، نواساز
- تا دگر عیب نگویند من حیران را  
 که عالم بر دو چشم من سیاه است  
 زین بیش ملرزان دل آسوده ما را  
 غم دل، بسته او راه پرواز
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷۸- معنای فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) چنین گفت با کـودک آمـوزگار  
 (۲) چو شب روز شد بامداد پگاه  
 (۳) چو بلنو چنان دید شد سوی کوه  
 (۴) به بارگاه او مَلک ز خلد شد
- که کاری نکردیم و شد روزگار  
 بفرمود تا باز گردد سپاه  
 رسیدند تا پای کوه آن گروه  
 ندا شنید کاندر آی مرحبا

۷۹- در کدام گزینه وابسته پیشین از نوع «صفت مبهم» به کار رفته است؟

- (۱) آن یکی دست تو گیرد وان دگر پرسش کند  
 (۲) چه غروری است در این سلطنت ای یوسف مصری  
 (۳) دل‌بستگی‌ام نیست به کام دو جهانم  
 (۴) دگر پرسشش معانی و بیان بود
- وان دگر از لعل و شکر پیش باز آرد زکات که  
 دگر پرسش حال پدر پیر نکردی  
 با من بگذارید غم یار و دگر هیچ  
 ز تشبیهات و از اقسام آن بود

درس دوم: فعل و جمله‌ی مجهول

فعل مجهول در جمله‌ی مجهول به کار می‌رود و جمله‌ی مجهول، جمله‌ای است که نهاد و انجام‌دهنده‌ی آن مشخص نیست و مجهول است. به جمله‌های معلوم و مجهول زیر توجه کنید:

مجهول	معلوم
غذا پخته شد.	مادر غذا را پخت.
در مدرسه، درس خوانده می‌شود.	دانش‌آموز در مدرسه درس می‌خواند.
دانش‌آموز آورده می‌شد.	معلم‌ها دانش‌آموز را می‌آوردند.

روش مجهول کردن جمله:

- ۱- نهاد جمله معلوم را حذف می‌کنیم. (مادر، دانش‌آموز، معلم‌ها)
- ۲- فعل جمله‌ی معلوم را به صفت مفعولی تبدیل می‌کنیم. (پخت ← پخته / می‌خواند ← خوانده / می‌آوردند ← آورده)
- ۳- فعل «شدن» را در زمان فعل جمله معلوم می‌آوریم. پخت ← شد / می‌خواند ← می‌شود / می‌آوردند ← می‌شدند
- ۴- آوردن باقی جمله. مانند: عبارت «در مدرسه» در مثال دوم.
- ۵- فعل را از نظر شمار و شخص با مفعول سابق (نهاد جدید) مطابقت می‌دهیم. می‌آوردند ← آورده می‌شد

\*نکته بسیار مهم: بیشترین اشتباهی که دانش‌آموزان انجام می‌دهند، عدم توجه به زمان فعل جمله معلوم است. و از آنجایی که معلم‌ها همیشه با ماضی ساده مثال زده‌اند، دانش‌آموزان همه فعل‌ها را در زمان ماضی ساده مجهول می‌کنند.

دانش‌آموز کتاب‌ها را خواند.	کتاب‌ها خوانده شد. ✓	
دانش‌آموز کتاب‌ها را می‌خواند.	کتاب‌ها خوانده شد. ✗	کتاب‌ها خوانده می‌شود. ✓
دانش‌آموز کتاب‌ها را خوانده بود.	کتاب‌ها خوانده شد ✗	کتاب‌ها خوانده شده بود. ✓
دانش‌آموز داشت کتاب‌ها را می‌خواند.	کتاب‌ها خوانده شد ✗	کتاب‌ها داشت خوانده می‌شد. ✓

\*نکته بسیار مهم: زمانی فعل و جمله مجهول داریم که **اولاً**: «شد و دیگر زمان‌های آن» در پایان جمله آمده باشد، یعنی فعل کمکی باشد. و **ثانیاً**: قبل از آن حتماً فعل اصلی، به صورت «صفت مفعولی» آمده باشد. لذا در موارد زیر و موارد مشابه آن، جمله مجهول نداریم.

فعل اسنادی ماضی ساده	فعل اسنادی ماضی بعید	فعل اسنادی ماضی نقلی	فعل اسنادی ماضی التزامی
علی بیمار شد.	علی بیمار شده بود.	علی بیمار شده است.	اگر علی بیمار شده باشد.

**\*توجه:** فعل کمکی در فعل مجهول مشتقات «شد» است. ولی در دستور تاریخی با مصدرهای دیگری مانند «آمدن و گشتن» نیز ساخته می‌شد.

ماضی مصدر «گشتن»	ده تن به دست سمک کشته گشتند.	کشته شدند
مضارع مصدر «آمدن»	در این دو سه روز بار داده‌آید.	بار داده می‌شود
ماضی مصدر «آمدن»	این مطالب نیز گفته‌آمد.	گفته شد
مضارع مصدر «آمدن»	پیغامی است سوی بونصر در بایی تا داده‌آید.	پیغامی داده بشود

**\*یادآوری:** به جدول زمان افعال (درس دوم فارسی دهم) مراجعه کنید و افعال مجهول هر زمان را ببینید.

۸۰- در کدام بیت، فعل مجهول به کار رفته است؟

- |                                  |                            |
|----------------------------------|----------------------------|
| ۱) آواز تو گر خسته شود خسته شویم | آواز تو چون نای شکرخا بادا |
| ۲) همه کار دشوارش آسان شود       | وُرا دشمن و دوست یکسان شود |
| ۳) چنان نورش درون دیده آمد       | که از نورش رخ جان دیده آمد |
| ۴) چو بشنید شاه این سخن خیره گشت | سیه گشت چشم و دلش تیره گشت |

۸۱- در کدام بیت فعل مجهول به کار رفته است؟

- |                                     |                               |
|-------------------------------------|-------------------------------|
| ۱) به آوردگه دست او خسته گشت        | به چشمش همی تیره شد روی دشت   |
| ۲) چون ریشه سر کسی که سرگشته شود    | به زان نبود که با سر رشته شود |
| ۳) نزدیک دهن شکسته شد جام           | پالوده که پخته بود، شد خام    |
| ۴) خوش، آن که وصال تو میسر شده باشد | چشمم به جمال تو منور شده باشد |

۸۲- در کدام یک از گزینه‌های زیر فعل مجهول به کار نرفته است؟

- |                                    |                                |
|------------------------------------|--------------------------------|
| ۱) دیده‌ تو چون دلم را دیده شد     | شد دل نادیده غرق دیده شد       |
| ۲) ندانم تا ثنایت گفته آید         | و گر آید تو را پذیرفته آید     |
| ۳) به سمع رضا مشنو ایذای (آزار) کس | و گر گفته آید به غورش برس      |
| ۴) بعد از آن گفتا که می‌آید خطاب   | کاین سخن چون گفته شد بشنو جواب |

۸۳- در کدام گزینه فعل مجهول به کار رفته است؟

- ۱) به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود.
- ۲) مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان دهند شکر این را و نبشته آمد.
- ۳) این چه رفت با بونصر بگفتم. سخت شاد شد.
- ۴) ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت و سوری و شادی به آن بسیاری تیره شد.

درس سوم: انواع قید و قید مشترک با اسم و قید مشترک با صفت

به نقش کلمه «شب» در جمله‌های زیر دقت کنید:

شب آمد.	نهاد
من شب را دوست دارم.	مفعول
من از شب می‌ترسم.	متمم
علی شب آمد.	قید

در مثال چهارم از نظر ساختاری و صرف، «شب» قید است، ولی در سه مثال قبل از نظر ساختاری «اسم» است و در نقش‌های نهاد، مفعول، متمم آمده است که از نظر ساختاری و صرفی «اسم» هستند. این کلمات را «قید مشترک با اسم» می‌گوئیم.

به نقش کلمه «آهسته» در جملات زیر دقت کنید:

صدای آهسته دلنشین‌تر است.	صفت
شکستن آهسته بود.	مسند
علی آهسته آمد.	قید

در مثال سوم از نظر ساختاری و صرف، «آهسته» قید است، ولی در دو مثال قبل از نظر ساختاری «صفت» است و در نقش‌های صفت و مسند آمده است که از نظر ساختاری و صرفی «صفت» هستند. این کلمات را «قید مشترک با صفت» می‌گوئیم.

قیدها تقسیم‌بندی‌های قابل توجهی دارند. در جدول زیر از نظر ساختاری تقسیم‌بندی شده‌اند.

قید نشانه‌دار	۱ - تنوین‌دار یقیناً، حتماً، ابداً	۲ - قید پیشوندی به‌دقت، در حال، با عجله	۳ - قید با حرف اضافه با اتوبوس، از تهران، به شیراز
قیدهای بی‌نشانه	۱ - قید مختص هرگز، همواره، هنوز	۲ - قید مشترک با اسم شب، روز، صبح	۳ - قید مشترک با صفت آهسته، خوب، سخت

همچنین قیدها را از جهت مفهوم نیز می‌شود دسته‌بندی کرد.

قید زمان	روز، عصر، شب، امسال، پارسال، پیوسته، به‌ندرت و ...	قید ترتیب و نوبت	ابتدا، اول، نخست، هر دفعه، اولاً، ثانیاً، قبلاً، بعداً، دست آخر، این بار
قید مکان	جلو، عقب، روی، اینجا، آنجا و ...	قید تخصیص	خاصه، به خصوص، علی‌الخصوص، به ویژه
قید مقدار (کمیت)	کم، بیش، بس، بسی، فراوان، کاملاً، تماماً	قید چگونگی (کیفیت)	خوب، بد، آهسته‌آهسته، راست، کج و ...
قید حالت	گریان، خندان، شادی‌کنان، افتان‌خیزان	قید تاکید	حتماً، البته، آری، هرآینه، بی‌پرو برگرد
قید تدریج	روز به روز، ساعت به ساعت، کم‌کم و ...	قید تعجب	ای عجب، سبحان الله، ای شگفت و ...

\* توجه: قید از نظر مفهوم انواع دیگری نیز دارد.

\* توجه: حذف قید از جمله بدون ناقص شدن جمله، اصلی‌ترین نشانه قید است.

## ۸۴- نقش واژه «گریان» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) دل خسته و محروم و پی‌خسته و گمراه  
 (۲) بگفت این و بنشست گریان به درد  
 (۳) تو گریانی جهان خندان، موافق کی شود با تو  
 (۴) ای خنک چشمی که او گریان اوست
- گریان به دم صبحم و نالان به سحرگاه  
 پر از خون دل و چشم پر آب زرد  
 جهان بر تو همی‌خندد چرایی تو بر او گریان  
 ای همایون دل که او بریان اوست

## ۸۵- نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار  
 (۲) چو آتش در سپاه دشمن افتاد  
 (۳) اگر یک لحظه امشب دیر جنبد  
 (۴) به فرزندان و یاران گفت چنگیز
- از آن دریای بی‌پایاب آسان  
 ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد  
سپیده‌دم جهان در خون نشیند  
 که گر فرزند باید، باید این‌سان

## ۸۶- نقش واژه «فردا» در ابیات زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) فکندیم به امروز کار فردا را  
 (ب) امروز هست شکر و ثنای تو بی‌قیاس  
 (ج) فردا همه یک‌رنگ شود طالب و مطلوب  
 (د) فردا هنوز نامد و خرم گذشت دی
- (۱) مضاف‌الیه، قید، نهاد (۲) مفعول، مسند، قید  
 (۳) مفعول، مسند، قید، نهاد (۴) مضاف‌الیه، قید، نهاد، قید
- از این حیات چه آسودگی بود ما را  
 فردا بود ثواب و ثنای تو بی‌شمار  
 امروز یکی را که هزار است ببینید  
 امروز روز توست به شادی همی گذار

## درس چهارم: درس آزاد

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تلگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

درس پنجم: هم‌آوا

جفت‌کلماتی که املای متفاوت و تلفظ یکسان دارند. در جدول زیر نمونه‌ای از کلمات هم‌آوا را می‌بینید.

کلمات هم‌آوا	کلمات هم‌آوا
اسیر: گرفتار / عصیر: عصاره / اثیر: کُره آتش	خوار: کم‌ارزش، حقیر / خار: تیغ گل
ثری: خاک و زمین / سرا: خانه	خیش: گاواهن / خویش: ضمیر شخصی، فامیل
ثواب: پاداش معنوی و اخروی / صواب: درست، صحیح	خاست: بلند شد / خواست: طلب کرد
عَلَم: پرچم، رایت / آلم: درد و رنج	خان: رئیس و سرور / خوان: سفره
نصر: پیروزی / نسر: کرکس	خُرد: کوچک / خورد: میل کرد
صبا: نام بادی که ... / سبا: نام شهری که ...	سیف: شمشیر / صیف: تابستان
اساس: بنیان و پایه / اثاث: لوازم خانه	حیات: زندگی / حیاط: زمین با حد و حدود
غریب: بیگانه / قریب: نزدیک	غازی: جنگجوی دین، طناب‌باز / قاضی: قضاوت‌کننده

**\* توجه:** کلماتی مانند: گور (قبر، حیوان)، نهاد (ضمیر و باطن، فعل ماضی، قرار داد) و ... که تلفظ یکسان و معنای متفاوت دارند نیز هم‌آوا محسوب می‌شوند.

**\* توجه:** جفت‌کلماتی مانند: زَلت و ذَلت، سِلَاح و صِلَاح، عِمارت و اِمارت و ... «متشابه» می‌باشند و هم‌آوا محسوب نمی‌شوند. زیرا یک مصوت متفاوت دارند و کلمات هم‌آوا باید دقیقاً مانند هم تلفظ شوند.

**\* یادآوری:** کلماتی مانند: یادگار، مهربان، آموزگار و ... که هم با ساکن و هم با کسره یا فتحه خوانده می‌شوند «دو تلفظی» هستند.

**\* توجه:** مبحث گروه اسمی و وابسته‌های پیشین و پسین نیز تکراری است. رجوع شود به درس سوم فارسی دهم.

۸۷- در همه ابیات به جز بیت گزینه ..... واژه‌ای یافت می‌شود که «هم‌آوا» دارد.

- |   |   |
|---|---|
| ۱) ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعل است  | که زد بر چرخ فیروزه، صفیر تخت فیروزی      |
| ۲) خان اعظم که به احسان و شجاعت امروز     | کعبه زو توشه‌ده و بتکده تاراج‌گر است      |
| ۳) تفاوت در میان خوبرویان نقض یک‌رنگی است | به هر جا کاسه‌ی شیری است می‌باید شکر گشتن |
| ۴) ای دل اگر فراق او و آتش اشتیاق او      | در تو اثر نمی‌کند تو نه دلی که آهنی       |

۸۸- در کدام گزینه واژه «هم‌آوا» وجود ندارد؟

- ۱) و ثواب من آن است که بر ملازمت اعمال خیر که زبده همه ادیان است اقتصار نمایم.
- ۲) بدان که در عراق، مرا ضیعتی است پیوسته به مُلک تو، وکیل امیرالمؤمنین آن را به غضب از من ستده است.
- ۳) او از دشت می‌آمد و در زه هیزم بر سر نهاده لایق او چنان که هر که او را دید گفتی غریب است.
- ۴) پس قضای ایزدی چنان بود که در عهد او مزدک زندیق پدید آمد.



**درس ششم: تکراری است.** رجوع شود به شیوه بلاغی (درس یازدهم فارسی دهم) و جهش ضمیر (درس ششم فارسی دهم).

**درس هفتم: تکراری است.** رجوع شود به جمله ساده و مرکب (درس دهم فارسی دهم).

**درس هشتم: نقش‌های تبعی**

نقش‌هایی هستند که از گروه اسمی قبل از خود، تبعیت می‌کنند و سه نوع می‌باشند: معطوف، بدل، تکرار.

**۱- معطوف:** پس از واو عطف می‌آید و ارزش دستوری آن با واژه قبل از «واو» برابر است. یعنی اگر واو عطف و کلمه قبل آن نبودند، معطوف، نقش کلمه قبل واو را داشت.

حسین آمد	←	علی و حسین آمدند
نهاد		نهاد معطوف

**\* توجه:** واو عطف بین دو نقش غیر از فعل می‌آید. (واو عطف را با واو ربط اشتباه نگیریم).

علی و رضا به خانه رفتند	و	کتاب‌هایشان را آوردند.
واو عطف		واو ربط

**\* نکته:** در صورتی که معطوف‌ها بیش از یک مورد باشند، با «ویرگول» جدا می‌شوند.

علی، حسین، مجید و رضا آمدند.
نهاد معطوف معطوف معطوف

**\* نکته:** «یا» نیز دیگر نشانه عطف است.

علی اکثراً از کتاب یا جزوه استفاده می‌کند.
متمم معطوف

**\* یادآوری:** به درس نهم فارسی دهم مراجعه کنید و «انواع واو» را مجدداً بخوانید.

**۲- بدل:** کلمه یا کلماتی است که گروه اسمی پیش از خود را بهتر یا دقیق‌تر یا متفاوت معرفی می‌کند.

سعدی، معروف‌ترین غزل‌سرای قرن هفتم در شیراز در گذشت.
بدل

برادرم، محمد حسین، پزشک است.
بدل

**\*چند نکته مهم\***

۱- بدل، بدون نقش‌نمای اضافه می‌آید.

سعدی	شیرین کلام شیرازی	غزل سرا بود.
	بدل ✗	صفت ✓

سعدی	شیرین کلام شیرازی	غزل سرا بود.
	بدل ✓	

۲- بدل یک گروه اسمی است و جمله نیست و نباید فعل داشته باشد.

آن کودک،	که درس می‌خواند،	برادرم است.
	بدل ✗	جمله وصفیه (صفت) ✓

۳- مسند را با بدل اشتباه نگیریم.

برادرم	تندیگر	است.
	بدل ✗	مسند ✓

۴- ضمیر مشترک (خود، خویش، خویشتن) بعد از ضمیر اصلی یا اسم، بدل محسوب می‌شود.

ما (یا معلّمان)	خود	این کار را انجام دادیم.
	بدل	

تو **خود** چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار  
 ما **خود** نمی‌رویم دوان در قفای کس  
**\*نکته بسیار مهم:** در این حالت در مواقع معدودی ممکن است «خود» ابتدا بیاید و «کلمه بعدی» بدل شود.

خویش را دیدند سیمرغ تمام  
 ۵- کلماتی مانند «همه، همگی، جمله، جملگی و ..» در موارد مشابه زیر «بدل» محسوب می‌شوند.

دانش‌آموزان همه به کلاس رفتند. شهر **جمله** به خیابان‌ها ریختند.

۶- بدل از نظر تعداد واژه، می‌تواند از **مُبدل‌منه** کم‌تر باشد. در مثال زیر «سعدی» بدل است.

معروف‌ترین شاعر غزل‌سرای قرن هفتم، **سعدی**، شیرازی بود.

۳- **تکرار:** نقشی است که برای مقصودی مانند «تأکید»، تکرار می‌شود.

کتاب	را خواندم	کتاب
تکرار		مفعول

علی	آمد	علی
تکرار		نهاد

**\*نکته:** توجه داشته باشید که آرایه تکرار را با نقش تکرار اشتباه نگیریم. در مثال زیر «دست» فقط آرایه تکرار دارد.

ز **دست** رفته نه تنها منم در این سودا  
 چه **دست‌ها** که ز **دست** تو بر خداوند است

متّم نهاد

متّم

هیچ‌کدام از این سه «دست» نقش تکرار ندارند. اما **آرایه تکرار** دارند.

**\*نکته:** نقش تکرار باید در یک جمله باشد. در مثال فوق «دست» ۲ بار در نقش «متمم» آمده است و نقش «متمم» تکرار شده است ولی نقش «تکرار» ندارد.

برای من مگریّ و، مگو دریغ! دریغ  
نقش و آرایه تکرار

دید پیمبر نه به چشمی دگر  
بلکه بدین چشم سر این چشم سر  
نقش و آرایه تکرار

**\*نکته:** هر «نقش تکرار»، آرایه تکرار هم دارد، ولی برعکس آن صادق نیست. یعنی هر «آرایه تکراری»، نقش تکرار ندارد.

**\*نکته:** به بیت زیر توجه کنید. هیچ نقش تبعی در آن به کار نرفته است!!!

رفته‌رفته با تو پیوستم ز خود      تار و پود خود گسستم از خودی

«رفته‌رفته» تکرار محسوب نمی‌شود، چون یک کلمه (مشتق مرکب یا وندی مرکب) است.

«تاروپود» معطوف محسوب نمی‌شود، چون یک کلمه (مشتق مرکب یا وندی مرکب) است.

«خود» دوم بدل نیست، چون قبل آن نقش نمای وجود دارد و نقش آن مضاف‌الیه می‌شود.

«خود» دوم نقش تکرار هم ندارد چون اولاً نقش‌های متفاوتی دارد، ثانیاً در جملات متفاوتی به کار رفته‌اند.

«خودی» هم کلاً یک کلمه دیگر است و با «خود» فرق دارد.

۸۹- نقش «تبعی» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

(۱) امیر از آن جهان آمده، به خیمه فروآمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود و برنشست.

(۲) گفت: بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.

(۳) این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد. تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات فارغ شده بود.

(۴) امیر را یافتم آنجا بر زبر تخت نشسته، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلای طیب آنجا نشسته بود.

۹۰- در کدام عبارت «نقش تبعی» وجود ندارد؟

(۱) نثر داستانی اکنون مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و مهم‌ترین نوع ادبی جهان امروز است و خود اقسامی دارد.

(۲) در نگاه نخست، طنز برای شوخی و خنده است، ولی بعد روشن می‌شود که طنزنویس از نارسایی‌ها و ناروایی‌های جامعه رنج می‌برد.

(۳) شعر انسانی به مسائل وطن‌پرستی، بشردوستی، مخالفت با استعمار و تسلط بیگانگان، محبت به فرزندان و خانواده و آزادی‌خواهی می‌پردازد.

(۴) نکته مهمی که لزوم اخلاق جدید را مطرح می‌سازد، این است که اخلاق، از بنیادهای اجتماعی است و دارای تمام خصوصیات این بنیادهاست.

۹۱- در کدام یک از ابیات زیر نقش تبعی «معطوف» وجود دارد؟

الف) حافظا می خور و رندی کنن و خوش باش ولی	ب) گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است
ج) دور از رخ او دم‌به‌دم از چشمه چشمم	د) بُست خود را بشکن خوار و ذلیل
هـ) جوابم گوی و زجرم کن به هر تلخی که می‌خواهی	
(۱) الف، ب	(۲) ج، د
(۳) ب، د	(۴) ج، هـ

۹۲- نقش «تَبَعی» در کدام گزینه کمتر به کار رفته است؟

- ۱) بصیرت‌ها گشاده هر نظر حیران در آن منظر
  - ۲) ز عشقت بی‌قرار آید دل و تن
  - ۳) پادشاه، چو دل از غیر تو پرداخته‌ام
  - ۴) تو خود به جوشن و برگستان نه محتاجی
- دهان پُر قند و پُر شکر، تو خود باقیش را برگو  
شود اسرار کَلّی جمله روشن  
لطف کن لطف دمی با من بیدل پرواز  
که روز معرکه بر خود زره کنی مو را

**درس نهم: تکراری است.** رجوع شود به اجزای جمله (درس یکم فارسی دهم).

**درس دهم: تکراری است.** رجوع شود به روابط معنایی (درس یکم فارسی یازدهم) و نقش کلمات (درس یکم فارسی دهم)

**درس یازدهم: تکراری است.** رجوع شود به صفت بیانی (درس سوم فارسی دهم).

**درس دوازدهم: تکراری است.** رجوع شود به واژه‌ها در گذر زمان، تحوّل معنایی (درس هشتم فارسی دهم).

**درس سیزدهم: درس آزاد**

**درس چهاردهم: تکراری است.** رجوع شود به گروه اسمی و هسته (درس سوم فارسی دهم).

**درس پانزدهم: حذف شناسه به قرینه‌ی فعل قبلی**

در زبان معیار، فعل از نظر شناسه و شمار باید با نهاد خود مطابقت داشته باشد. به جز مواردی مانند احترام (پیامبر اکرم فرمودند: ...)، نهاد غیر جاندار (شاخه‌ها شکست.) و مواردی مانند آن‌ها، هیچ امکان عدم مطابقتی نیز وجود ندارد. ولی در دستور تاریخی گاه شناسه فعل را به قرینه وجود داشتن در فعل قبلی حذف می‌کردند. و فعل آن جمله با نهاد خود، در شمار و تعداد مطابقت نمی‌کرد.

شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام **رهانید**. ← به جای رهانیدند.

کیوتران فرمان وی بکردند و دام برکنند و سرخویش **گرفت** ← به جای گرفتند.

**\*توجه:** تغییر معنای افعال را، در درس پنجم فارسی دهم مطالعه کنید.

**درس شانزدهم: تکراری است.** رجوع شود به گروه اسمی (درس سوم فارسی دهم).

**درس هفدهم: تکراری است.** رجوع شود به واو عطف و ربط (درس نهم دهم)، روابط معنایی کلمات (درس یکم فارسی یازدهم)

و اسم و صفت مشترک با قید (درس سوم فارسی یازدهم).

**درس هجدهم: تکراری است.** رجوع شود به زمان افعال (درس دوم دهم) و گروه اسمی (درس سوم دهم).

## دستور زبان فارسی دوازدهم

**درس اول: تکراری است.** رجوع شود به جهش ضمیر (درس ششم فارسی دهم) و حذف فعل به قرینه (درس دوم فارسی دهم) و هم‌آوا (درس پنجم فارسی یازدهم).

**درس دوم: تکراری است.** رجوع شود به تغییر معنای افعال (درس پنجم فارسی دهم).

**درس سوم: تکراری است.** رجوع شود به نقش کلمات (درس یکم فارسی دهم) و حذف فعل به قرینه (درس دوم فارسی دهم).

**درس چهارم: درس آزاد**

**درس پنجم: تکراری است.** رجوع شود به گروه اسمی (درس سوم فارسی دهم).

**درس ششم: تکراری است.** رجوع شود به واژگان در گذر زمان (درس هشتم فارسی دهم) و تغییر معنای افعال (درس پنجم فارسی دهم) و نقش کلمات (درس یکم فارسی دهم)

**درس هفتم: تکراری است.** رجوع شود به اجزای جمله (درس یکم فارسی دهم)

**درس هشتم و نهم: وابسته‌های وابسته**

پیش‌تر گفتیم که گروه اسمی مجموعه‌ای از کلمات است که از یک اسم «هسته» و وابسته‌های پیشین و پسین ساخته شده است. مانند: دو کتاب، آن مرد، کتاب خوب، ماشین پدر، «دو، آن، خوب، پدر» وابسته‌های اسم بودند. این وابسته‌ها خود نیز می‌توانند وابسته‌هایی داشته باشند که به آن‌ها «وابسته‌های وابسته» می‌گویند. وابسته‌های وابسته ۵ مورد می‌باشند: **ممیز،**

مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت مضاف‌الیه، صفت صفت و قید صفت

**۱- ممیز:** کلماتی مانند «تن، تخته، دست، متر، کیلو، رأس و ...» که برای شمارش تعداد یا اندازه و وزن و ... میان صفت شمارشی و موصوف می‌آیند. مانند: چهار رأس گوسفند، دو دستگاه خودرو، چهار نفر شتر، چهار تا میز و ...

**\* توجه:** نمودار و جهت فلش‌های وابسته‌های وابسته بسیار مهم می‌باشند.

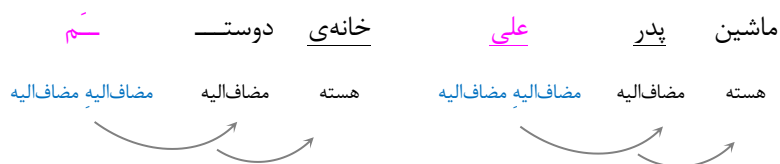
نمودار ممیز به صورت زیر می‌باشد.

دو جلد کتاب

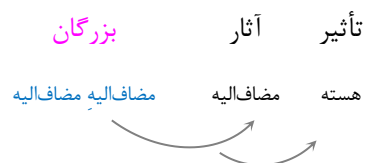
صفت شمارشی ممیز هسته



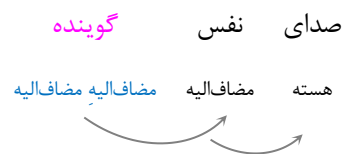
**۲- مضاف‌الیه مضاف‌الیه:** مضاف‌الیه وابسته پسین اسم است که خود نیز می‌تواند وابسته‌ای از نوع مضاف‌الیه داشته باشد. اسم یا ضمیری که بعد از مضاف‌الیه بیاید، مضاف‌الیه آن می‌شود.



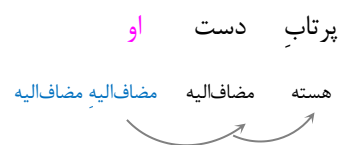
**\*نکته:** واژه‌ای که نشانه‌ی جمع بگیرد، در حکم اسم می‌باشد و اگر بعد از اسمی بیاید، مضاف‌الیه آن اسم محسوب می‌شود (حتی اگر ساختار صفت داشته باشد).



**\*نکته:** بعضی واژگان ساختار صفت دارند، ولی کاربرد اسمی پیدا کرده‌اند. آن‌ها نیز می‌توانند مضاف‌الیه مضاف‌الیه باشند.



**\*نکته:** تمامی ضمیرها در حکم اسم هستند و می‌توانند مضاف‌الیه یا مضاف‌الیه مضاف‌الیه باشند.



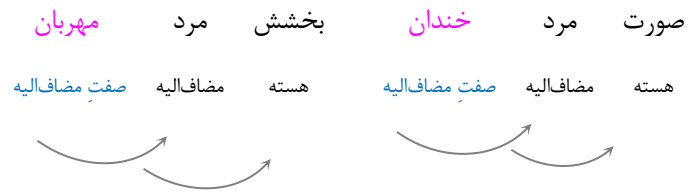
**\*نکته:** در ساختار مضاف‌الیه مضاف‌الیه ممکن است بین اسم‌ها صفت یا صفت مضاف‌الیه بیاید.

کتاب **گران‌قیمت** معلم مدرسه      کتاب **آن** معلم مدرسه      کتاب معلم **مهربان** مدرسه

**\*نکته:** صفت بدون موصوف در حکم اسم محسوب می‌شود و می‌تواند مضاف‌الیه مضاف‌الیه باشد.

برگه کتاب **آن خوش‌منظر**      انگشت دست **سیم‌تن**

۳- **صفتِ مضاف‌الیه:** مضاف‌الیه می‌تواند صفت داشته باشد و آن صفت، وابسته‌ی وابسته محسوب می‌شود.

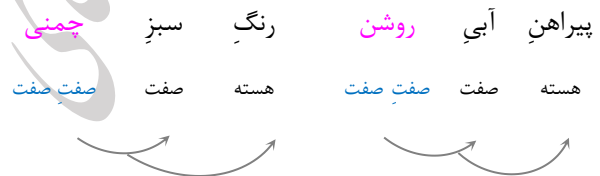


\***نکته:** صفتِ مضاف‌الیه می‌تواند از نوع صفت‌های پیشین باشد. در این صورت نمودار آن فرق خواهد کرد.



۴- **صفتِ صفت:** برخی از صفت‌ها، صفت‌های همراه خود را بیشتر معرفی می‌کنند و درباره ویژگی آن‌ها توضیح می‌دهند، این صفت با

صفت قبل خود، یک‌جا وابسته‌ی هسته می‌شود. (صفتِ صفت، نمی‌تواند صفت پیشین باشد. صفت نسبی و صفت مطلق است.)

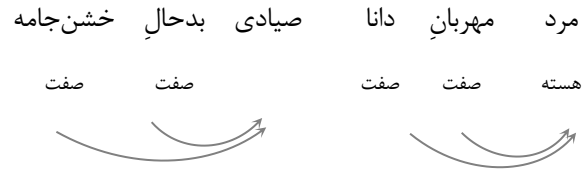


\***توجه (این نکته اصلاً برای کنکور نیست):** در مثال‌های کتاب و دیگر کتب دستوری، صفتِ صفت را فقط در محدوده رنگ‌ها

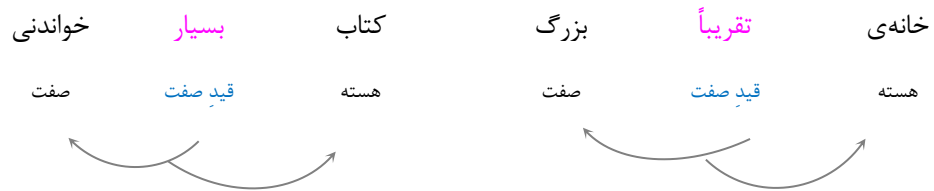
آورده‌اند. مانند «پیراهنِ سبزِ یشمی، لباسِ آبیِ آسمانی و ...». شما هم برای کنکور بیشتر به همین حالت توجه کنید، ولی صفتِ صفت می‌تواند صفتی غیر از رنگ باشد.



**\*نکته بسیار مهم:** توجه داشته باشیم که گاه یک هسته چندین صفت می‌گیرد که نباید صفت دوم را «صفتِ صفت» در نظر بگیریم. «دانا» و «خشن‌جامه» صفت‌هایی هستند که از هسته خود فاصله دارند و نباید آن‌ها را صفت کلمه قبل خود (یعنی صفت قبلی) در نظر گرفت.

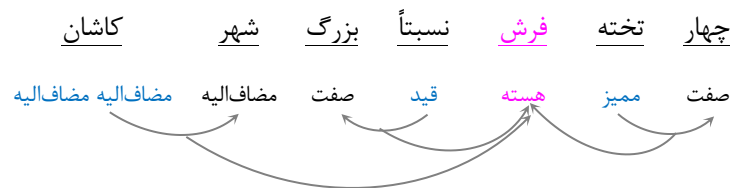
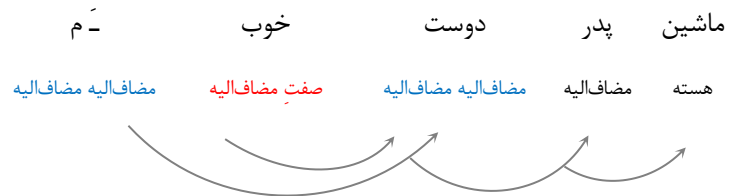


**۵- قیدِ صفت:** قیدی که اندازه، درجه و ویژگی‌های صفت بعد از خود را توضیح می‌دهد. (این صفت لزوماً صفت بیانی است.)



**\*توجه:** توجه داشته باشید خود واژه قید نقش‌نمای اضافه ندارد.

**\*توجه:** یک اسم یا هسته می‌تواند چندین وابسته یا چندین وابسته‌ی وابسته داشته باشد.



**\*نکته بسیار مهم:** وابسته‌ی وابسته از نوع «مضاف‌الیه صفت» نداریم. به ترکیبات زیر دقت کنید.





**\*توجه:** تسلط در درست خواندن شعر در حل تست هر مبحثی مهم است ولی در این مبحث بسیار مهم است. در خوانش ابیات زیر به خصوص ابیات « الف و د » در صورت غلط خواندن نوع وابسته وابسته فرق خواهد کرد. در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟ (ریاضی ۹۹)

الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبزخطان را	ب) مگر دیده است چشم خوش نگاه آن سمن بر را؟
ج) نیچند سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان	د) دل خود را به صد امیدم کردم چاک از این غافل
ه) عرق رخسار آن خورشید طلعت برنمی‌دارد	
(۱) الف، ب، هـ	(۲) الف، ج، د
(۳) ب، ج، د	(۴) ب، ج، هـ

۹۳- در متن زیر چند «وابسته‌ی وابسته» وجود دارد؟

«در هوای نسبتاً سرد زمستان سال قبل، با دوست هم‌کلاسی‌ام، به بزرگترین پارک شهرمان رفتیم. و یک روز خوب به یادمانی را با هم تجربه کردیم.»

(۱) شش (۲) پنج (۳) چهار (۴) سه

۹۴- نوع وابسته مضاف‌الیه در کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) نمایه دسترسی زود و آسان را به اطلاعات نقد و گفت‌وگو با انواع جست‌وجوهای پیشرفته فراهم می‌کند.  
 (۲) تدوین مراجع گوناگون کار پژوهش را برای محققان بسیار آسان نموده است.  
 (۳) من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش‌کار است. بیست سی سال پیش چه کار کرده که امروز اصلاً به خاطر نمی‌آورد.  
 (۴) جریان نگارش سرگذشت‌نامه از گذشته تاکنون در ادبیات فارسی رواج داشته است.

۹۵- در منظومه زیر چند «وابسته وابسته» وجود دارد؟

«من صدای قدم خواهش را می‌شنوم / تپش قلب شب آدینه / جریان گل میخک در فکر / شیهه پاک حقیقت از دور / و صدای متلاشی شدن شیشه شادی در شب / پاره‌پاره شدن کاغذ زیبایی»

(۱) هفت (۲) هشت (۳) نه (۴) ده

۹۶- نوع وابسته‌ی وابسته به کار رفته در بیت زیر، در کدام یک از گزینه‌ها تکرار شده است؟

«هزار دیده چو پروانه بر جمال تو عاشق غلام مجلس آنم که شمع مجلس اویی»

۱) هر صبح‌حی غمی از دور زمان پیش آید	۲) تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دو کار
۳) گوش دلم بر در است، تا چه بیاید خبر	۴) ماه چنین کس ندید، خوش‌سخن و کش خرام
گویم این نیز نهم بر سر غم‌های دگر	دست او در گردنم یا خون من در گردنش
چشم امیدم به راه، تا که بیارد پیام	ماه مبارک‌طلوع، سرو قیامت‌قیام

۹۷- نوع وابسته‌ی وابسته در همه ابیات یکسان است؛ به جز:

- (۱) دیوانه‌ی قلمرو صحرای وحشتیم  
 (۲) ای بـِـرَق اگـر به گوشه‌ی آن بام بگذری  
 (۳) چون قضا سلسله‌ی زلف تو عالم‌گیر است  
 (۴) نـاز اسـت سـد راه و گـر نه در اشتیاق
- ما را سواد شهر بود آیه‌ی عذاب  
 آنجا که باد زهره ندارد خبر بری  
 گردنی نیست که در حلقه‌ی زَنار تو نیست  
 فرقی میانه‌ی دلِ ما و دلِ تو نیست

۹۸- نمودار کدام ترکیب، درست رسم شده است؟

- (۱) حلقه زلف سیا هـش  
 (۲) حسرت آن لعل روانبخش  
 (۳) غلام همت آن رند  
 (۴) آن زیارتگه رندان جهان

۹۹- در کدام گزینه وابسته‌ی وابسته وجود دارد؟

- (۱) دو چشم مست می‌گونت، بَرَد آرام هشیاران  
 (۲) تو با این مردم کوتاه‌نظر در چاه کنعانی  
 (۳) الا ای باد شب‌گیری، بگوی آن ماه مجلس را  
 (۴) گـرت بـاری گذر باشد، نگه با جانب ما کن
- دو خواب‌آلوده بر بودند، عقل از دست بیداران  
 به مصر آ تا پدید آیند یوسف را خریداران  
 تو آزادی و خلقی در غم رؤیت گرفتاران  
 نـسپندارم که بد باشد، جزای خوب‌کرداران

درس دهم: تکراری است. رجوع شود به مبحث هم آوا (درس پنجم فارسی یازدهم) و انواع واو (درس نهم فارسی دهم) و نقش

کلمات (درس یکم فارسی دهم)

درس یازدهم: ضمیر و مرجع ضمیر

ضمیر کلمه‌ای است که از تکرار یک اسم جلوگیری می‌کند. کلمه‌ای که از تکرارش جلوگیری می‌شود «مرجع ضمیر» نامیده می‌شود که طبق قاعده باید پیش از ضمیر بیاید.

علی به خانه رفت و کیفش را آورد.

مرجع ضمیر ضمیر

مهم‌ترین و پرکاربردترین ضمیرها، ضمائر شخصی می‌باشند که به دو دسته تقسیم می‌شوند.

ضمیر پیوسته (متصل): م، ت، ش، مان، تان، شان

ضمیر گسسته، جدا (منفصل): من، تو، او، ما، شما، ایشان

**ضمیر، تقسیم‌بندی گسترده‌تری دارد که خیلی مختصر به آن اشاره می‌شود.**

ضمیر مشترک: خود، خویش، خویشان

ضمیر اشاره: این، آن، اینان، آنان، همین، همان

**\*توجه:** «این» و «آن» زمانی ضمیر (اشاره) محسوب می‌شوند که وابسته‌ی واژه‌ای نباشند و تنها آمده باشند.

من این خانه را دوست دارم. (این: صفت اشاره)

من این را دوست دارم. (این: ضمیر اشاره)

**\*توجه:** برای مبحث زمان افعال، به درس دوم فارسی دهم مراجعه شود.

**درس دوازدهم: تکراری است.** رجوع شود به تغییر معنای افعال (درس پنجم فارسی دهم) و روابط معنایی واژگان (درس یکم فارسی یازدهم)

**درس سیزدهم: تکراری است.** رجوع شود به گروه اسمی (درس سوم فارسی دهم)

**درس چهاردهم: تکراری است.** رجوع شود به اجزای جمله (درس یکم فارسی دهم) و نقش‌های تبعی (درس هشتم فارسی یازدهم)

**درس پانزدهم: درس آزاد**

**درس شانزدهم: تکراری است.** رجوع شود به نقش کلمات (درس یکم فارسی دهم) و انواع جمله (درس دهم فارسی دهم)

**درس هفدهم: پسوند «ان»**

معروف‌ترین و بیشترین کاربرد «ان» نشانه‌ی جمع بودن است. اما گاه بر مفاهیم دیگری نیز دلالت دارد.

نشانه زمان: سحرگاهان، بامدادان، شامگاهان، بهاران

نشانه مکان: دیلمان (مکان دیلم‌ها)، خاوران: (محل خاور؛ شرق)، باختران: (محل باختر؛ غرب)، گیلان، توران، سنگان

نشانه شباهت: کوهان (کوهان شتر: مانند کوه)

نشانه نسبت: کاویان (منسوب به کاوه)، بابکان (منسوب به بابک)

نشانه صفت فاعلی: خندان، جویان، دوان، روان، سوزان

**نکته بسیار مهم:** «ان» در بعضی از کلمات جزئی از واژه است و پسوند نمی‌باشد. مانند: دوران، عمران، عطشان و ...

۱۰۰- پسوند «ان» در قافیه‌های کدام ابیات، کاربرد و مفهوم دوگانه دارد؟

الف) عاقلان کی دل به دست زلف دلداران دهند

ب) ای شاه تاج‌داران، وی تاج شه‌ریاران

ج) تا چنبد دم از گسل زنی ای باد بهاران

د) چه خوش است بوی عشق از نفس نیازمندان

(۱) الف، د (۲) ب، ج (۳) ج، د (۴) ج، الف

۱۰۱- در ابیات زیر چند «ان» به مفهوم جمع دلالت می‌کند؟

الف) اردشیر بابکان بنهاد بر سر تاج داد	بازوی مردی به دفع تاجداران برگشاد
ب) موی او تاری و تیره چون روان اهرمن	روی او تابان درخشان همچو جان جبرئیل
ج) پلنگان بنالغند در کوهساران	هژیران بمیگردند در نیستانها
۱) چهار	۲) پنج
۳) شش	۴) هفت

درس هجدهم: تکراری است. رجوع شود به حذف فعل به قرینه (درس دوم فارسی دهم)

\*توجه: تعداد جمله‌های یک بیت یا عبارت یکی از مباحث مهم است که اخیراً دوباره در کنکور مطرح شده است. برای به دست آوردن تعداد جمله‌های یک بیت باید به موارد زیر دقت کنیم:

تعداد فعل‌ها را بشماریم. فعل‌های محذوف را بشماریم. تعداد منادا را بشماریم. به تعداد شبه‌جمله از نوع صوت (آخ، وای، زهی، زینهار، وه و ...) جمله داریم. هر فعل از جمله مرکب را یک جمله می‌شماریم.

قسم به جان تو گفتن طریق عزت نیست  
به خاک پای تو و آن هم عظیم سوگند است  
۳ جمله

آن چنان سخت نیاید سر من گر برود  
نازنینا که پریشانی مویی ز سرت  
۴ جمله

عجب در آن که تو مجموع و گر قیاس کنی  
به زیر هر خم مویت دلی پراکنده است  
۴ جمله

من رمیده دل آن به که در سماع نیایم  
که گر به پای درآیم به در برند به دوشم  
۴ جمله

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم ۳ جمله

آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم ۳ جمله

## \*پیش از تست زنی به این نکته توجه داشته باشید:

۱ - سعی کنید معنای ابیات و عبارات را بفهمید و در هر سوال نهاد و مفعول و ... را نیز تشخیص دهید. فهمیدن معنا و مفهوم و نقش کلمات در هر تستی می‌تواند به ما کمک کند.

۲ - سعی کنیم ابیات و عبارات را سالم و درست بخوانیم. چرا که با اشتباه خواندن ممکن است کلمه‌ای را به صورت مضاف‌الیه بخوانیم در صورتی که مضاف‌الیه نباشد. و این اشتباهات، معنای عبارات را کلاً تغییر می‌دهد.

**ساختمان واژه** یکی از مهم‌ترین مباحث صرف است که البته از کتاب‌های جدید حذف شده است. ولی کماکان از واژگان مرکب سوال می‌آید. به خاطر اهمیت آن مختصراً اشاره‌ای به آن می‌شود.

## به تجزیه واژه‌ی مقابل دقت کنید:



این واژه از دو قسمت تشکیل شده است که به هر کدام از آن‌ها «تکواژ» می‌گویند. تکواژ، کوچک‌ترین واحد معنادار زبان فارسی است و به دو نوع «تکواژ آزاد یا مستقل» و «تکواژ وابسته» تقسیم می‌شود. (همانطور که از تعریف برمی‌آید تکواژ وابسته نیز معنا دارد و در همین مثال «مَند» معنای «دارندگی و دارا بودن» دارد. اما بعضی دبیران به اشتباه تکواژ وابسته را تکواژی تعریف می‌کنند که به تنهایی معنا ندارد. در حالیکه به تنهایی معنا دارد و تفاوت آن با تکواژ آزاد در این است که به تنهایی به کار نمی‌رود.)

**تکواژ آزاد یا مستقل: تکواژی است که به تنهایی به کار می‌رود.**

**مانند:** نیرو، بلند، دست، بدن، کار، تهران، ادب، مرد، راه، بزرگ و...

**تکواژ وابسته: تکواژی است که به تنهایی به کار نمی‌رود.**

**مانند:** مَند، و مند، گار، گر، ور، ار، ان، ناک، انه، انی، ین، ینه، یه، دان، زار، چه، نده، ک، ی، ه و...

## با توجه به انواع تکواژ، واژگان از نظر ساخت به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- ساده: واژه‌ای است که فقط از یک تکواژ ساخته شده باشد. (مسلماً آن تکواژ باید تکواژ آزاد باشد). مانند: سرد، گرم، ادب، بزرگ، دست، سبز، کار، گل، کتاب و...

۲- وندی: واژه‌ای است که یک تکواژ آزاد و یک یا چند تکواژ وابسته یا وند داشته باشد. مانند: نویسنده (نویس + نده)، گلزار (گل + زار)، توانا (توان + ا)، درختان (درخت + ان)، بزرگ‌تر (بزرگ + تر)، بی‌ادب (بی + ادب)، بی‌ادبی (بی + ادب + ی)، دانش (دان + ی)، دانشمند (دان + ش - مند)، بی‌دقتی (بی + دقت + ی) و...

**\*توجه:** عده‌ای (کتاب درسی!) واژگان «مشتق» را معادل «وندی» در نظر می‌گیرند. اما تفاوتی بین واژه مشتق و واژه‌ی وندی وجود دارد که کتاب‌های درسی به آن اشاره نکرده است. با توجه به این که تکواژهای وابسته دو نوع **اشتقاقی و تصریفی** می‌باشند، هر واژه وندی‌ای نمی‌تواند مشتق باشد. به طور مثال واژگان «نویسنده، خندان، گلزار، نیرومند، توانا و...» هم وندی و هم مشتق می‌باشند، اما واژگان «درختان، خوب‌تر، مردی (یک مرد)، کتاب‌ها، بزرگ‌ترین و...» فقط وندی هستند و مشتق محسوب نمی‌شوند.

**\*توجه:** «نشانه‌های جمع، تر، ترین، ی نکره» تکواژ تصریفی محسوب می‌شوند.

**۳- مرکب:** واژه‌ای است که از دو یا چند تکواژ آزاد ساخته شده باشد. مانند: قدبلند (قد + بلند)، سرسخت (سر + سخت)، کتاب‌خانه (کتاب + خانه)، چهار راه (چهار + راه)، آب میوه‌گیر (آب + میوه + گیر)، سربازخانه (سر + باز + خانه) و ...

**۴- وندی - مرکب:** واژه‌ای است که از دو یا چند تکواژ آزاد و یک یا چند تکواژ وابسته ساخته شده باشد. مانند: دانش‌آموز(دان + ش + آموز)، دوچرخه (دو + چرخ + ه)، آزادسازی (آزاد + ساز + ی)، گل‌خانه‌ها (گل + خانه + ها)، قد بلندترین (قد + بلند + ترین) و ...

**\*نکته بسیار مهم:** مثال‌های فوق از نظر صرفی اسم یا صفت بودند. باید توجه داشته باشیم که گاه در سؤال علاوه بر «ساده، وندی، مرکب، وندی - مرکب» باید به نوع اسم یا صفت بودن کلمه دقت کنیم.

**سوال:** کدام کلمات «اسم مرکب» هستند؟

دندان، کتاب‌خانه، چهار راه، دانش‌آموز، قد بلند

**پاسخ:** «کتاب‌خانه» و «چهار راه» اسم مرکب هستند ولی «قد بلند» صفت مرکب است. «دندان» نیز اسم وندی و «دانش‌آموز» وندی-مرکب است.

**\*نکته:** بین تکواژهای کلمات مرکب و وندی-مرکب، نباید نقش نمای «- ی یا ی» بیاید.

رامسر سربیز است.	سرسبز: واژه مرکب است.
زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد.	سر سبز: واژه مرکب نیست.

**\*توجه:** ضمیر متصل یک واژه مستقل محسوب می‌شود و در ساخت کلمه‌ی متصل به آن تأثیری ندارد.

کتابم	گلزارش	کتابخانه‌مان	دوچرخه‌ام
ساده	وندی	مرکب	وندی-مرکب

**\*نکته:** بعضی تکواژها هم می‌توانند تکواژ آزاد باشند و هم تکواژ وابسته. باید دید در واژه مورد نظر کدام کاربرد را دارند. به طور مثال تکواژهای «دان» و «زار» در کلمات «دانش» و «زاری»، تکواژ آزاد و در کلمات «فنددان» و «گلزار» تکواژ وابسته‌اند. (این‌ها در اصل دو تکواژ جدا هستند که فقط ظاهر یکسان دارند.)

۱۰۲- واژه‌های کدام گزینه، تماماً «اسم وندی» هستند؟

- (۱) قهوه‌چی، باغبان، کشتیبان  
 (۲) گلدان، رودکی‌وار، قالیچه  
 (۳) گوشواره، برخوردار، اتافک  
 (۴) شکرانه، گلزار، نسوز

۱۰۳- در عبارت زیر، به ترتیب چند واژه «مرکب» و «وندی - مرکب» وجود دارد؟

«زلحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من مانند شیر آغوز بود برای طفل که پایه عضله و استخوان‌بندی او را می‌نهد. ذوق شعری من از همان آغاز پرتوقع شد و چون مرتبی کارآموزه‌ای نداشتم، در کورمال کورمال ادبی، آغاز به راه رفتن کرد.»

- (۱) سه، سه (۲) دو، دو (۳) دو، سه (۴) یک، دو

۱۰۴- در چند بیت، هر سه نوع واژه «وندی، مرکب و وندی-مرکب» وجود دارد؟

- (الف) شهری ز تو زیر و زبر هم بی‌خبر هم باخبر  
 (ب) روزی که عکس روی او بر روی زرد من فتد  
 (ج) آن پیک نامور که رسید از دیار دوست  
 (د) ماه‌رویا، مهربانی پی‌شده کن
- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۱۰۵- تعداد واژه‌های دارای ساختمان غیر ساده در کدام گزینه کمتر است؟

- (۱) مردم‌سالاری دینی و عبور از نظام سلطه  
 (۲) جایگزینی مرده‌پرستی با تقدیر از مشاهیر کنونی  
 (۳) شرح بی‌نظم داستان زندگی پیامبر  
 (۴) پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانشجویان معترض

۱۰۶- در متن زیر، که درباره‌ی کتاب «دون کیشموت» است، به ترتیب چند واژه‌ی «مشتق، مرکب و مشتق-مرکب» وجود دارد؟

«کتاب اثر نویسنده‌ای اسپانیایی است. او بخش اول این کتاب خواندنی را که داستان زندگی فردی است که دچار توهم است، در زندان نوشت. در این کتاب، نقش اصلی داستان خود را شوالیه می‌پندارد و کوه و درخت را دشمن خود. تأثیرگذاری این کتاب بر جریان‌های داستان‌نویسی، انکارشدنی نیست.»

- (۱) چهار، صفر، سه (۲) چهار، یک، دو (۳) پنج، صفر، سه (۴) پنج، یک، سه

۱۰۷- در متن زیر به ترتیب چند واژه «مشتق، مرکب و مشتق-مرکب» وجود دارد؟

«ایشان در نوشته‌هایی گران‌قدر که برای سال‌های پس از حیاتش باقی گذاشت، دولت‌هایی را که با الگوگیری از حکومت ایرانیان پیش از اسلام به مملکت‌داری می‌پرداختند، حکومت‌هایی آرمانی می‌خواند. واضح است که وی با قدرتمندانی که در مناطقی کوچک، فرمانداری‌هایی خودمختار داشتند، اختلاف عقیده داشت.»

- (۱) چهار، دو، سه (۲) سه، دو، یک (۳) چهار، دو، یک (۴) سه، سه، دو

**\*توجه:** تمام جزوات مبثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی

تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

۱۰۸- در کدام گزینه، دو ترکیب وصفی و دو ترکیب اضافی وجود دارد؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

- (۱) عزمت ضامن دوام جهان شد / که جهان با دروغ می‌باشد / و خون تو، معنای «راستی» است.
- (۲) آه! ای مرگ تو معیار! / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد.
- (۳) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان / بگذار بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم.
- (۴) در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی / هر عاشقی را که تشنه شهادت است.

۱۰۹- تعداد جمله‌های کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

- «چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت  
گفتمش مهر فروغی بـه تو روز افزون است  
قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست  
هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت  
جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش
- ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد»  
گفت من هم به خلافتش دل پر کین دارم  
قرار چیست، صبوری کدام و خواب کجا  
آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت  
آنک امام ما علم بگرفته بر دوش

۱۱۰- با توجه به سروده زیر، همه گزینه‌ها درست است، به جز:

- «صد تیغ جفا بر سـر و تن دید یکی چوب  
دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی  
نقش «دَش» مفعول و «مرداد» مسند است.  
دو وابسته پیشین و دو وابسته پسین به کار رفته است.  
واژه هم‌آوا و رابطه معنایی تضاد در سروده می‌توان یافت.  
حرف ربط هم پایه ساز و وابسته‌ساز «هر دو» یافت می‌شود.
- تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند  
مرداد مه و گاه دی‌اش نام نهادند»

۱۱۱- اجزای کدام مصراعها «نهاد + مسند + فعل» است؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

- (الف) نیست جانم محرم اسرار عشق
- (ب) سر پر ز شرم و بهایی مراست
- (ج) هم حرکاتش متناسب به هم
- (د) مرا در نهانی یک دشمن است

(۴) ج - د

(۳) ب - د

(۲) الف - ج

(۱) الف - ب



۱۱۲- نقش قسمت‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش  
جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توسست

(۱) نهاد، مسند، مسند، مفعول

(۳) منادا، مسند، مضاف‌الیه، قید

(۲) نهاد، متمم، مسند، قید

(۴) منادا، متمم، مسند، مفعول

(ریاضی ۱۴۰۰)

وز تشنگیات فرات در جوش و خروش  
دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

(تجربی ۱۴۰۰)

هر که را در جان غم جانانه نیست  
ذوقی چنان ندارد بی‌دوست زندگانی  
صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم  
نور چشم منی و جان دل تنهایی  
نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت

(۴) ج - د - ه

(۳) ب - د - ه

الف) نیست جاننش محرم اسرار عشق  
ب) از عمر ذوق دیدم وقتی که با تو بودم  
ج) جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم  
د) ای تو با جمله و تنها ز منی فی الجملة  
ه) سیاوش سیه را به تندی بتاخت

(۲) ب - ج - ه

(۱) الف - ب - ه

۱۱۴- در کدام بیت، حذف فعل به قرینه معنوی و جمله اسنادی مشهود است؟

(۱) پیاله از تو نگیرم بیار می ساقی  
(۲) به راه عشق که از هر غمی گریزی نیست  
(۳) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست  
(۴) یوسف حسن تو را ای جان هزاران مشتری است

(تجربی ۱۴۰۰)

که در سرای مغان جای خرده‌گیری نیست  
هزار شکر که ما را غم فقیری نیست  
که مونس دم صبحم دعای دولت توسست  
چون الهی عاشق مفلس در این بازار نیست

(تجربی ۱۴۰۰)

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد  
ما و به جلوه‌گاه او جامه‌ جان دریدنی  
بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها  
سرپا ز آلودگی پاک کن

(۴) ج - د - الف - ب

(۳) الف - د - ب

الف) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد  
ب) جلوه کند چو قامتش زیر قبای زرفشان  
ج) تا عهد تو دربستم عهد همه بشکستم  
د) به عصیان سرپای آلوده‌ام  
الف) ب - ج - الف - د (۲) ب - د - ج - الف

۱۱۶- همه موارد در رباعی زیر «کاملاً» یافت می‌شود، به جز:

«ای نسخه نامۀ الهی، که تویی  
بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست

(۱) مترادف واژه «رقعه» و یک واژه دو تلفظی در سروده یافت می‌شود.

(۲) دو ترکیب اضافی و دو صفت نسبی در ابیات وجود دارد.

(۳) ابیات دارای سه متمم و دو منادای محذوف است.

(۴) ابیات «فاقد» نقش تبعی و دارای مسند هستند.

(تجربی ۱۴۰۰)

وی آینه جمال شاهی، که تویی  
در خود بطلب هرآنچه خواهی که تویی»

۱۱۷- نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، در ابیات زیر کدام است؟ (تجربی ۱۴۰۰)

- «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد  
برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!»
- (۱) نهاد، مضاف‌الیه، متمم، مسند  
(۲) متمم، مفعول، متمم، نهاد  
(۳) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، نهاد  
(۴) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، مسند

۱۱۸- در کدام بیت، ممیز و نقش تبعی «هر دو» وجود دارد؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- (۱) با من سخن از کعبه و بتخانه مگویند  
(۲) رسم عشاق جگرخسته نیاز است نیاز  
(۳) بدین امید که یک لحظه با تو بنشینم  
(۴) اشک ما نسخه صد رشته گهر بود گهر

۱۱۹- در کدام بیت «پسوند» در واژه قافیه، متفاوت است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- (۱) ز خورد و خواب بگذر دل بیدار می‌خواهی  
(۲) نباشد هیچ بنیادی ز سیل حادثات ایمن  
(۳) سحرخیزی ز آب زندگی سیراب می‌گردد  
(۴) گرفتار تو را چشم ترحم نیست از مردم

۱۲۰- نقش واژه‌های مشخص شده در مصراع زیر با کدام مصراع، به ترتیب، یکسان است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- «سرو و مهت نخوانم، خوانم، چرا نخوانم»  
(۱) به غیر مصلحتش رهبری کند ایام  
(۲) این بار می‌برند که زندانی ات کنند  
(۳) فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد  
(۴) گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه

۱۲۱- صفت‌های «نسبی، مفعولی، لیاقت و فاعلی» به ترتیب، در کدام مصراع‌ها آمده است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- (الف) یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش  
(ب) پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است  
(ج) هرکه فانی شد ز خود مردانه‌ای است  
(د) در گره چون غنچه صد گلزار دارم دیدنی
- (۱) الف - ب - د - ج (۲) ج - الف - ب - د (۳) د - ب - ج - الف (۴) ج - الف - د - ب

۱۲۲- با توجه به سروده زیر، کدام مورد «نادرست» است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- «گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای، ستاره‌ها را هم نمی‌بینی / ماهی در آب خاموش است و چارپا روی خاک هیاهو می‌کند و پرنده در آسمان آواز می‌خواند.»
- (۱) فعل «مضارع اخباری و ماضی نقلی» در شعر وجود دارد.  
(۲) «پیوند وابسته‌ساز و هم پایه‌ساز» در سروده یافت می‌شود.  
(۳) اجزای یکی از جمله‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.  
(۴) سروده از یک جمله غیرساده و سه جمله ساده تشکیل شده است.

۱۲۳- واژه قافیه در کدام ابیات، به ترتیب، نقش «مفعولی، مضاف‌الیه، نهادی و قیدی» دارد؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (الف) سرو بلند بستان با این همه لطافت  
 (ب) با لشکرت چه حاجت رفتن به جنگ دشمن  
 (ج) ای ماه سروقامت شکرانه سلامت  
 (د) روزی چو پادشاهان خواهم که برنشینی
- (۱) الف - د - ب - ج (۲) الف - د - ج - ب (۳) ب - ج - د - الف (۴) ب - د - الف - ج

۱۲۴- کدام بیت، فاقد «جهش ضمیر» و دارای جمله‌ای متشکل از «نهاد + مفعول + مسند - فعل» است؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (۱) گمان مبر که بداریم دستت از فتراک  
 (۲) گرت هواسست که معشوق نگسلد پیمان  
 (۳) نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ  
 (۴) زین همهران سست عناصر دلم گرفت
- بدین قدر که تو از ما عنان بگردانی  
 نگاهدار سر رشته تا نگه دارد  
 چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد  
 شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

۱۲۵- صفت‌های «فاعلی، نسبی، مفعولی و لیاقت» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (الف) در میان عشق‌بازان کوهکن مردانه رفت  
 (ب) رو سر بنه بـه بالین تنها مرا رها کن  
 (ج) که شد ساخته کارش از زهر چشم  
 (د) باغی از رنگینی گفتار دارم دیدنی
- (۱) الف - ج - ب - د (۲) الف - د - ج - ب (۳) ب - الف - ج - د (۴) ب - ج - د - الف

۱۲۶- کدام بیت، فاقد «جمله مرکب» است؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (۱) گله از فراق یاران و جفای روزگاران  
 (۲) باری مگرت بر رخ جانان نظر افتاد  
 (۳) ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت  
 (۴) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
- نه طریق توست سعدی کم خویش گیر و رستی  
 سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی  
 دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد  
 ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

۱۲۷- با توجه به متن زیر همه موارد «کاملاً» درست است، به جز:

«بدان که قرآن مانند است به بهشت جاودان؛ در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است. مَثَل قرآن، مَثَل آب است روان، در آب، حیات تن‌ها بود و در قرآن حیات دل‌ها بود.»

- (۱) در متن صفت پیشین، پسین و فاعلی مشهود است.  
 (۲) حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی وجود دارد.  
 (۳) جمله ساده و غیر ساده «هر دو» به چشم می‌خورد.  
 (۴) ممیز، نقش تبعی و یک واژه دو تلفظی یافت می‌شود.

۱۲۸- در سروده زیر چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟ (زبان ۱۴۰۰)

«این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / این گلیم تیره بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و ...»  
 (۱) یک، هفت (۲) دو، هفت (۳) سه، هفت (۴) دو، هشت

۱۲۹- در کدام مصراع، فعل اسنادی و غیر اسنادی «هر دو» یافت می‌شود؟ (زبان ۱۴۰۰)

(۱) من در میان جمع و دلم جای دیگر است  
 (۲) ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست  
 (۳) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد  
 (۴) باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست

۱۳۰- صفت‌های «نسبی، فاعلی، لیاقت و مفعولی» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟ (زبان ۱۴۰۰)

(الف) لاله‌زاری در دل افگار دارم دیدنی  
 (ب) تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم  
 (ج) از پس نبردی سخت باز می‌گردم با چشمانی خسته  
 (د) ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین پیوند خورده‌ای

(۱) ب - الف - ج - د (۲) ب - د - ج - الف (۳) د - الف - ب - ج (۴) د - ب - الف - ج

۱۳۱- در ابیات زیر به ترتیب «چند قید و چند مسند» یافت می‌شود؟ (زبان ۱۴۰۰)

«شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم  
 دوران روزگار به ما بگذرد بسی  
 زود آیند و زود می‌گذرند  
 گاهی شود بهار دگر گه خزان شود»  
 (۱) پنج، دو (۲) پنج، سه (۳) شش، دو (۴) شش، سه

۱۳۲- نقش قسمت‌های مشخص شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟ (زبان ۱۴۰۰)

«با بدان کم نشین که صحبت بد  
 آفتابی بدین بزرگی را  
 (۱) قید، مسند، نهاد، مفعول، قید  
 (۲) قید، نهاد، مسند، مفعول، مسند  
 (۳) مسند، نهاد، مسند، متمم، قید  
 (۴) مسند، نهاد، نهاد، مفعول، مسند»

۱۳۳- تعداد جمله‌های بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟ (مشترک خارج ۱۴۰۰)

«به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم  
 همه آنی همه حسنی همه لطفی همه ناز  
 (۱) همه آنی همه حسنی همه لطفی همه ناز  
 (۲) دلا گفتم غم خود خور که کار از دست شد بیرون  
 (۳) همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی  
 (۴) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی»  
 بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا»  
 به چنان حسن و لطافت سزدت گر نازی  
 تو را غم خوردن است ای دل تو غمخواری چه می‌دانی  
 همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی  
 تو نماینده فضلای تو سزاوار ثنایی

- ۱۳۴- نوع وابسته‌های وابسته در کدام گزینه، با سروده زیر یکسان است؟  
 «پهلوان هفت خوان اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود»  
 (۱) بس که خونش رفته بود از تن / بس که زهر زخم‌ها کاریش  
 (۲) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد  
 (۳) شیر مرد عرصه ناوردهای هول / پور زال زر، جهان پهلو  
 (۴) آن سکوتش ساکت و گیرا / و دَمش، چونان حدیث آشنایش گرم

- ۱۳۵- اجزای جمله مصراع دوم کدام گزینه، با مصراع اول بیت زیر، یکسان است؟  
 «خرد را گر نبخشید روشنایی»  
 (۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش  
 (۲) کزین پس به کنجی نشینم چو مور  
 (۳) بلند آن سر که او خواهد بلندش  
 (۴) دگر روز باز اتفاق اوفتاد  
 «بماند تا ابد در تیره رای»  
 ز دیوار محرابش آمد به گوش  
 که روزی نخوردند پیلان به زور  
 نژند آن دل که او خواهد نژندش  
 که روزی‌رسان قوت روزش بداد

- ۱۳۶- کدام گزینه، با توجه به سروده زیر «نادرست» است؟  
 «باید پنجره را گشود و دید / چند سینه‌سرخ مهاجر بر شاخسار عریان نشسته‌اند / و بهار از کدام سمت آسمان به باغ می‌آید»  
 (۱) در سروده فوق فعل ماضی نقلی و مضارع اخباری وجود دارد.  
 (۲) یک واژه دو تلفظی و دو مفعول در کل سروده یافت می‌شود.  
 (۳) چهار جمله ساده و یک نقش تبعی در این سروده دیده می‌شود.  
 (۴) چهار ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در سروده به چشم می‌خورد.

- ۱۳۷- نقش قسمت‌های مشخص شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟  
 «چه خوش فرمود آن پیر خردمند  
 اگر خونین دلی از جور آیام»  
 (۱) قید، قید، مسند، مفعول  
 (۲) قید، مسند، مسند، مفعول  
 (۳) مسند، قید، مسند، نهاد  
 (۴) قید، مسند، نهاد، مفعول  
 «وزین خوشتر نباشد در جهان پند  
 لب خندان بی‌اور چون لب جام»

- ۱۳۸- زمان افعال موجود در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟  
 «هر که بی‌مشورت کند تدبیر  
 بیخ بی‌مشورت که بنشانی»  
 (۱) مضارع اخباری، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع التزامی  
 (۲) مضارع اخباری، مضارع اخباری، ماضی التزامی، مضارع التزامی  
 (۳) مضارع التزامی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع اخباری  
 (۴) مضارع التزامی، مضارع اخباری، ماضی التزامی، ماضی مستمر

۱۳۹- در کدام بیت، نقش دستوری «واژه قافیه» متفاوت است؟

- ۱) بر سرو قامتت گل و بادام روی و چشم
- ۲) کس در نیامده است بدین خوبی از دری
- ۳) اول منم که در همه عالم نیامده است
- ۴) رویی که روز روشن اگر برکشد نقاب

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

نشنیده‌ام که سرو چنین آورد بری  
دیگر نیاورد چو تو فرزند مادری  
زیباتر از تو در نظرم هیچ منظری  
پرتو دهد چنان که شب تیره اختری

۱۴۰- تعداد جمله‌های کدام بیت، با بیت زیر یکسان است؟

- «می‌رفت فروغی ز سر کویت و می‌گفت  
دلا من قدر وصل او ندانستم تو می‌دانی  
به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی  
از دیده دل‌سوختگان چهره می‌پوشان  
بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

کز دست دل ای کاش چنین زار نبودم»  
کنون دانستم و سودی نمی‌دارد پشیمانی  
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد  
ای آینه هشدار که صاحب نفسی هست  
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

۱۴۱- نقش قسمت‌های مشخص شده در همه ابیات کاملاً درست است، به جز:

- ۱) باد عمرت در جهان همچون خَضر
- ۲) این سخن همچون ستاره است و قمر
- ۳) هر یکی از ما مسیح عالمی است
- ۴) چون که حرفی بر نتابد این وصال

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

جان فزا و دستگیر و مستمِر (متمم، مسند)  
لیک بی فرمان حق ندهند اثر (مسند، مفعول)  
هر الم را در کف ما مرهمی است (مضاف‌الیه، نهاد)  
واجب آید که کنم کوته مقال (مسند، مفعول)

۱۴۲- با توجه به ابیات زیر همه موارد «کاملاً» درست هستند، به جز:

- «بدو گفت کز من رهایی مجوی  
نیامد به دامم به‌سان تو گور  
۱) ابیات از هفت جمله تشکیل شده‌اند.

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

چرا جنگ جویی تو ای ماه‌روی  
ز چنگم رهایی نیابی مشور»  
۲) در ابیات چهار فعل نیاز به مفعول دارد.

۳) منادا و یک جهش ضمیر در ابیات مشهود است. ۴) فعل مضارع اخباری و ماضی ساده در ابیات به چشم می‌خورد.

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی

تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

۱۴۳- با توجه به مصراع‌های زیر، اجزای کدام مصراع‌ها از «نهاد+ فعل» تشکیل شده است؟ (ریاضی ۹۹)

- (الف) بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول  
 (ب) دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سنبل  
 (ج) سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار  
 (د) ز سر به در نرود همچنان امید وصال  
 (ه) دی به چمن برگذشت سر سخنگوی من

(۱) الف، ب، د (۲) الف، د، هـ (۳) ب، ج، هـ (۴) ب، د، هـ

۱۴۴- در کدام گروه‌واژه، رابطه معنایی واژه‌ها، با سایر گروه‌ها، متفاوت است؟ (ریاضی ۹۹)

- (۱) آسمان و ماه - دریا و ماهی - شعر و قصیده  
 (۲) تفوق و برتری - عقده و گره - صواب و صلاح  
 (۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی  
 (۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته سیاه - پادگان و سرباز

۱۴۵- بیشترین «صفت مرکب» در کدام بیت یافت می‌شود؟ (ریاضی ۹۹)

- (۱) دوست‌کش بیگانه‌پرور دیرجوش و زودرنج  
 (۲) لفظ آتش‌بار او یأس‌آور و امیدسوز  
 (۳) غمزه‌اش در دلبری یغماگر و مردم‌فریب  
 (۴) لعل گوهریبیز او گاه سخن مرجان‌فروش

۱۴۶- در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟ (ریاضی ۹۹)

- (الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبزخطان را  
 (ب) مگر دیده است چشم خوش نگاه آن سمن بر را؟  
 (ج) نیچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان  
 (د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل  
 (ه) عرق رخسار آن خورشید طلعت بر نمی‌دارد
- (۱) الف، ب، هـ (۲) الف، ج، د (۳) ب، ج، د (۴) ب، ج، هـ

۱۴۷- باتوجه به ابیات زیر، کدام مورد «غلط» است؟ (ریاضی ۹۹)

- «با لعل لبث شراب را مستی نیست  
 ما را دهن تو نیست می‌پندارد»  
 (۱) «مستی، پستی و هستی» همگی مسند هستند.  
 (۲) در ابیات «وابسته و وابسته» و یک ترکیب وصفی وجود دارد.  
 (۳) «را» هم در معنای حرف اضافه و هم در معنای حرف نشانه آمده است.  
 (۴) اجزای تشکیل دهنده یکی از جمله‌ها «نهاد+ مفعول+ مسند+ فعل» است.
- با قد تو سرو را بجز پستی نیست  
 با آن که به یک ذره در او هستی نیست»

(تجربی ۹۹)

۱۴۸- در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد+مفعول+فعل» است؟

- الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد خویشش  
 ب) نشستم تا برون آیی خرامان  
 ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی  
 د) دوست دارد آن داری دوستش

۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج (۵)

(تجربی ۹۹)

۱۴۹- تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیشتر است؟

- ۱) آن‌که ناوک بر دل من زیرچشمی می‌زند  
 ۲) شهسوار من که مه آینه دار روی اوست  
 ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست  
 ۴) شرح شکن زلف خم‌اندرخم جانان
- قوت جان حافظش در خنده زیر لب است  
 تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است  
 گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست  
 کوتاه نتوان کرد که این قصه درازست

۱۵۰- در کدام عبارت، واژه‌ای یافت می‌شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده

(تجربی ۹۹)

است؟

- ۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.  
 ۲) پس چون یک‌چند برآمد ملک روم خراج بازگرفت.  
 ۳) صحرا را دریایی یافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان.  
 ۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.

(تجربی ۹۹)

۱۵۱- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب، کدام است؟

- «من به‌غیر از تو کسی یار نگیرم آری»  
 همت آن است که الا تو نگیرد یاری»
- ۱) نهاد، مفعول، قید، نهاد  
 ۲) مفعول، مسند، قید، متمم  
 ۳) مفعول، بدل، شبه‌جمله، متمم  
 ۴) بدل، مفعول، شبه‌جمله، نهاد

(تجربی ۹۹)

۱۵۲- با توجه به رباعی زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست هستند؛ به‌جز:

- «از باغ جمالت آگه ار بودی گل  
 باین‌همه خارها که در پی دارد  
 این راه پر از خار نپیمودی گل  
 چون آمد و چون رفت بدین زودی گل»
- ۱) چهار ترکیب وصفی و یک اضافه تشبیهی در ابیات یافت می‌شود.  
 ۲) گل در دو مصراع نقش نهادی و در یک مصراع نقش مفعولی دارد.  
 ۳) سه مصراع به شیوه بلاغی و یک مصراع به شیوه عادی سروده شده است.  
 ۴) در رباعی فوق «سه جمله سه‌جزئی» و «دو جمله دوجزئی» یافت می‌شود.



۱۵۳- اجزای تشکیل‌دهندهٔ همهٔ جمله‌ها در مقال آن‌ها، «کاملاً» درست است؛ به‌جز:

(انسانی ۹۹)

- (۱) دانشجویان تازه‌وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل)
- (۲) از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلّم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل)
- (۳) این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
- (۴) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه‌چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)

۱۵۴- «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیشتر است؟

(انسانی ۹۹)

- (۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد
- (۲) از دم‌صبح ازل تا آخر شام ابد
- (۳) رشتهٔ تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
- (۴) حسن مه‌رویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین

دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود  
دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود  
دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود  
بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود

۱۵۵- در کدام گزینه، دو نوع وابستهٔ وابسته دیده می‌شود؟

(انسانی ۹۹)

- (الف) به چشم اشکبار من چه خواهد کرد حیرانم
  - (ب) مجوی عیش خوش از دور باژگون سپهر
  - (ج) خندهٔ جام می و زلف گره‌گیر نگار
  - (د) خط به گرد لب جانبخش تو می‌دانی چیست؟
- (۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

که آتش را به چشم آن روی تابان آب گرداند  
که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است  
ای بسا توبه که چون توبهٔ حافظ بشکست  
ظلماتی که از آن چشمهٔ حیوان سر زد

۱۵۶- در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص‌شده به ترتیب، کدام است؟

(انسانی ۹۹)

- «گریهٔ تلخ است چون گل حاصلش از زندگی»  
عمر خود هر کس که صرف شادمانی کرده است»
- (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد
  - (۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند
  - (۳) مسند، متمم، مفعول، نهاد
  - (۴) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، بدل

۱۵۷- با توجه به ابیات زیر، کدام مورد از دیدگاه زبانی فارسی «غلط» است؟

(انسانی ۹۹)

- (۱) در کل ابیات چهار مفعول وجود دارد.
  - (۲) دو جملهٔ غیر ساده در ابیات یافت می‌شود.
  - (۳) اجزای مصراع سوم «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.
  - (۴) ابیات فاقد ترکیب وصفی و دارای سه ترکیب اضافی است.
- «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد  
به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز  
دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست  
و گرنه سیل چو بگرفت سد نشاید بست»

۱۵۸ - اجزای جمله‌های تشکیل‌دهنده همه ابیات «نهاد + مسند + فعل» است؛ به جز: (هنر ۹۹)

- |                                   |                                   |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| وز سیل اشک ماست که دریا پدید شد   | از دود آه ماست که لبر آشکار گشت   |
| سلطان من آن است که هندوی تو باشد  | صیاد من آن است که نخجیر تو گردد   |
| مشربه آتش عذاران آب آتش رنگ بود   | دستگیر ختگان جام می گلرنگ شد      |
| در کوی عشق نیست به جز ناله هم‌نفس | در راه مهر نیست به جز سایه همنشین |

۱۵۹ - نمودار کدام گروه اسمی «غلط» است؟ **نمودار** (هنر ۹۹)

- |                               |                                |
|-------------------------------|--------------------------------|
| (۱) سپهر این ره عالی‌صفت      | (۲) بلندترین کوه روی کره زمین  |
| (۳) مشتاق دیدار سیمرغ کوه قاف | (۴) این دریای بی‌پایان خونخوار |

۱۶۰ - در عبارت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟ (هنر ۹۹)

گفت: «خاموش! که در پستی مردن، به حاجت پیش کسی بردن.»

- |                            |                            |
|----------------------------|----------------------------|
| (۱) نهاد، نهاد، متمم، مسند | (۲) نهاد، مسند، مسند، متمم |
| (۳) مسند، نهاد، مسند، متمم | (۴) مسند، متمم، نهاد، نهاد |

۱۶۱ - در بیت زیر «چند مسند و چند قید» به ترتیب، یافت می‌شود؟ (هنر ۹۹)

«اگر گرد کسی بسیار گردی      اگرچه بس عزیزی خوار گردی»

- |             |             |             |             |
|-------------|-------------|-------------|-------------|
| (۱) دو - دو | (۲) دو - سه | (۳) سه - دو | (۴) سه - سه |
|-------------|-------------|-------------|-------------|

۱۶۲ - کدام مورد، از دیدگاه زبان فارسی «غلط» است؟ (هنر ۹۹)

- |  |                                |
|--|--------------------------------|
| «مظلوم دست بستۀ مغلوب را بگوی                                    | تا چشم بر قضا کند و صبر بر جفا |
| کاین دستِ بسته را بکشایند عاقبت                                  | و ان گشاده باز ببندند بر قفا»  |
| (۱) «و» یک بار حرف ربط و یک بار حرف عطف است.                     |                                |
| (۲) اجزای جمله اول «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.              |                                |
| (۳) در ابیات فوق «پنج ترکیب وصفی» و «دو قید» یافت می‌شود.        |                                |
| (۴) «را» در مصراع اول حرف اضافه و در مصراع سوم نشانه مفعولی است. |                                |

۱۶۳ - در کدام بیت، «صفت مضاف‌الیه» یافت نمی‌شود؟ (زبان ۹۹)

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| (۱) مرا به دست تو خوش‌تر هلاک جان گرامی | هزار باره، که رفتن به دیگری به حمایت |
| (۲) مشکن دلم که حقه راز نهان توست       | ترسم که راز در کف نامحرم اوفتد       |
| (۳) باهر که مشورت کنم از جور آن صنم     | گوید ببایدت دل از این کار بر گرفت    |
| (۴) عاشق صادق دیدار من آن گه باشی       | که به دنیا و به عقبی نبود پروایت     |

۱۶۴- کدام بیت، فاقد واژه «هم‌آوا» است؟

(زبان ۹۹)

این جهان دید آن جهان بینش ندید  
حجره دیو خوان که آن دل نیست  
زان زمان که اندوه جانانم گرفت  
غرقه زند از حیرت در هر چه بیابد دست

(۱) دید طین آدم و دینش ندید  
(۲) هر دلی که او به عشق مایل نیست  
(۳) در جهان یک دم نبودم شادمان  
(۴) از دست بشد چون دل در طره او زد چنگ

۱۶۵- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

(زبان ۹۹)

«مکن ما ناقصان را یارب از سنگ محک رسوا      که این نه بوته را کامل عیاری نیست غیر از تو»

(۱) بدل، مسند، متمم، نهاد      (۲) مفعول، مسند، متمم، نهاد

(۳) بدل، قید، متمم، مسند      (۴) مفعول، مسند، مفعول، مسند

۱۶۶- اجزای جمله‌های کدام بیت، همانند اجزای جمله‌های بیت زیر است؟

(زبان ۹۹)

«حفظ آب روی خواهش کن که گردون خسیس      نان خود را تر به آب روی سایل می‌کند»

این که لیلی هر نفس تغییر محمل می‌کند  
از تواضع سیل را مغلوب خود پل می‌کند  
حسن تو چشم آینه را سیر می‌کند  
ریگ در یک آب خوردن بحر را بر می‌کند

(۱) می‌دهد از حسن عالمگیر مجنون را خبر  
(۲) خصم غالب را زبون، صبر و تحمل می‌کند  
(۳) یوسف نداشت نعمت دیدار این قدر  
(۴) تشنه جانان را کجا سیراب ساغر می‌کند؟

۱۶۷- با توجه به بیت زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست است؛ به جز:

(زبان ۹۹)

«ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق      هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد»

(۱) در بیت «یک نهاد و دو فعل» به قرینه محذوف است.

(۲) در بیت یک ترکیب اضافی در ترکیب وصفی یافت می‌شود.

(۳) جمله اول از «نهاد + مفعول + متمم - فعل» تشکیل شده است.

(۴) بیت از یک جمله غیرساده تشکیل شده است و «که» حرف پیوند است.

۱۶۸- در کدام بیت، مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه، هر دو، وجود دارد؟

(مشترک خارج ۹۹)

طمع روی دل از تیره‌دلان نیست مرا  
از جهان جز گره دل ثمری نیست مرا  
نفس صبح قیامت نکند سرد مرا  
گوشمالی که در این دور هنر داد مرا

(۱) زنگیان دشمن آیینه بی‌زنگارند  
(۲) گرچه چون سرو تماشاگاه اهل نظرم  
(۳) عرق غیرت پیشانی خورشیدم من  
(۴) قسمت یوسف بی‌جرم نشد از اخوان

۱۶۹- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟ (مشترک خارج ۹۹)

«آرام نیست آبله پایان شوق را مانع نگردهد از حرکت، آب را حباب»

- (۱) نهاد، متمم، مضاف‌الیه، نهاد  
(۲) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، نهاد  
(۳) نهاد، مفعول، مفعول، متمم  
(۴) مسند، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه

۱۷۰- در متن زیر، چند «صفت پیشین و چند ترکیب وصفی» وجود دارد؟ (مشترک خارج ۹۹)

«یک قرن بیشتر است که اختلافات و جنگ‌های داخلی مثل کاردی بر پهلوی این کشور نشسته است، اما در این فاصله اروپا قدم‌های بزرگی برای پیشرفت برداشته است. آن‌ها کارگاه‌های متعدد صنعتی ساختند.»

- (۱) دو - شش (۲) دو - هشت (۳) سه - هفت (۴) سه - هشت

۱۷۱- در کدام بیت، یک جمله «نهاد + مفعول + فعل» و یک جمله «نهاد + مسند + فعل» یافت می‌شود و فاقد مناد است؟ (مشترک خارج ۹۹)

- (۱) تا مگر مصائب شکست خویش را بازی درست  
(۲) همیشه فکرت صائب شکار دل می‌کرد  
(۳) غیر صائب که دمی می‌زند از سوز جگر  
(۴) مرد نیرنگ خزان و نوبهاران نیستی  
در پی خورشید تابان روز و شب چون ماه باش  
کمند ناله او نیست دل شکار امروز  
اثر از گرمی گفتار نمانده است امروز  
در بساط خاک صائب غنچه تصویر باش

۱۷۲- با توجه به رباعی زیر، کدام گزینه غلط است؟ (مشترک خارج ۹۹)

- «در دام غمت دلم زبون افتاده است  
شاید که بپرسی و دلم شاد کنی  
(۱) جمله پایانی، مفعول جمله پیشین است.  
(۲) در رباعی فوق «سه ترکیب اضافی» وجود دارد.  
(۳) زبون و بی‌سکون، هر دو صفت‌اند و نقش «قیدی» دارند.  
(۴) جمله «دلم شاد کنی» از «نهاد - مفعول + مسند + فعل» تشکیل شده است.

۱۷۳- در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز: (انسانی خارج ۹۹)

- (۱) چون برترین مقام ملک دون قدر ماست  
(۲) باغ فردوس میارای که ما رندان را  
(۳) ای صوفی سرگردان در بند نکونامی  
(۴) در خلوص منت ار هست شکی تجربه کن  
چندین به دست دیو زبونی چرا کنیم  
سر آن نیست که در دامن جور آویزیم  
تا درد نیاشامی زین درد نیارامی  
کس عیار زر خالص نشناسد چو محک

۱۷۴- در مصراع‌های زیر، جمعاً چند فعل نیاز به مفعول دارد؟

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

- (۱) بیار ساقی و همسایه گو دو چشم ببند
- (۲) عاشقان را نتوان گفت که بازای ز مهر
- (۳) من از کمند تو اول جو وحش می‌برمیدم
- (۴) ملامتم نکند هر که معرفت دارد

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۱۷۵- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

«غافل نکند بستبر گل، شبنم ما را در دیده‌ی روشن‌گهران خواب نیاید»

- (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد
- (۲) نهاد، مفعول، مسند، نهاد
- (۳) نهاد، مسند، مفعول، مسند
- (۴) مسند، نهاد، مفعول، مسند

۱۷۶- در مصراع دوم همهٔ ابیات، مسند بر سایر اجزای جمله مقدم شده است؛ به‌جز:

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

- (۱) از بساط گل بی‌خار قدم می‌دزدد
  - (۲) می‌کند خنده خونین به ته پوست نهان
  - (۳) کرد در دیدهٔ خورشید سیه مشرق را
  - (۴) صائب از گلشن فردوس شود مستغنی
- زخمی آن پای که از خار مغیلان تو شد  
پسته از بس خجل از غنچهٔ خندان تو شد  
طالع آن صبح که از چاک گریبان تو شد  
آشنا دیده هرکس که به دیوان تو شد

۱۷۷- با توجه به رباعی زیر، همهٔ گزینه‌ها «کاملاً» درست هستند؛ به‌جز:

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

روزی که سمن بر لب جو بر، روید  
از مطرب آب بشنود ناله که او  
خرم دل آن کس که لب جو جوید  
بر رود خوشک‌ترانه‌ای می‌گوید»

- (۱) «ک» در خوشک نشانهٔ تقلیل است و «خوشک‌ترانه‌ای» نقش مفعولی دارد.
- (۲) در رباعی واژه‌ای یافت می‌شود که هم‌آوا دارد و حذف فعل نیز مشهود است.
- (۳) یک متمم به شیوهٔ کهن در ابیات دیده می‌شود و «مطرب آب» اضافهٔ تشبیهی است.
- (۴) زمان افعال مضارع اخباری و التزامی است و «سه جمله» به شیوهٔ بلاغی سروده شده است.

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

۱۷۸- در کدام بیت، حذف فعل وجود ندارد؟

(ریاضی ۹۸)

- ۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ
  - ۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی
  - ۳) گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار
  - ۴) هرگز آن دل بنمیرد که تو جانش باشی
- گوید بکش که مال سبیل است و جان فدا  
چه از این به ارمغانی که تو خویشتن بیایی  
تا نگوید سخن از سعدی شیرازی به  
نیکبخت آن که تو در هر دو جهانش باشی

۱۷۹- معنی واژهٔ ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

(ریاضی ۹۸)

- ۱) از دل سنگین لیلی کعبهٔ جان ساختند
  - ۲) خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان
  - ۳) از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی ادب
  - ۴) می توان دامان بوی گل گرفت از دست باد
- از غبار خاطر مجنون بیابان ساختند  
تیغ سیراب تو را روزی که عریان ساختند  
مصر را بر یوسف بی جرم زندان ساختند  
وای بر جمعی که وقت خود پریشان ساختند

۱۸۰- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

(ریاضی ۹۸)

«راز همه کرد افشا، ننموده رخ زیبا هم پرده درش بنگر، هم پرده نشینش بین»

- ۱) قید، نهاد، مضاف‌الیه، مسند
- ۲) بدل، مفعول، مضاف‌الیه، مسند
- ۳) مضاف‌الیه، مسند، مفعول، مسند
- ۴) مضاف‌الیه، مفعول، مفعول، نهاد

۱۸۱- در همهٔ ابیات، مضاف‌الیه مضاف‌الیه وجود دارد، به جز:

(ریاضی ۹۸)

- ۱) خواهی که سرفراز شوی همچو زلف یار
  - ۲) هر کس که دید قامت آن سرو سیم‌تن
  - ۳) شد مدتی که دیدهٔ اختر شمار من
  - ۴) مرید جذبۀ بی‌اختیار منصورم
- در پای یار سرکش خورشیدچهره آفت  
ای بس که خاک پای صنوبر به دیده رفت  
یک شب ز عشق نرگس پر خواب او نخفت  
که سِرّ عشق تو را در میان میدان گفت

۱۸۲- مفهوم «ان» در کدام واژه‌ها به ترتیب: «نشانهٔ جمع، صفت فاعلی، نسبت، پسوند زمان» است؟

(ریاضی ۹۸)

- ۱) روندگان، سخن‌سرایان، گیلان، خزان
- ۲) مردان، کیان، سپندان، سپیده‌دمان
- ۳) سخنگویان، گرگان، کوهان، بامدادان
- ۴) نیاکان، خرامان، بابکان، نوبهاران

۱۸۳- در متن زیر چند «ترکیب وصفی و چند وابسته پیشین» به ترتیب، به کار رفته است؟

(تجربی ۹۸)

«این معلّم شریف باسواد، سفارش کرده بود که اگر سر قبر ویکتور هوگو رفتیم، از جانب او فاتحهای برای این نویسندهٔ بزرگ بخوانیم. این نامه مرا به فکر انداخت. متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.»

- ۱) شش، پنج
- ۲) هفت، چهار
- ۳) هفت، پنج
- ۴) هشت، پنج

۱۸۴- در همهٔ مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است، به جز: (تجربی ۹۸)

- (۱) درون فروماندگان شاد کن  
(۲) خداوند زر بر کند چشم دیو  
(۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروران  
(۴) مژگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت

۱۸۵- تعداد مسند در کدام ابیات، یکسان است؟ (تجربی ۹۸)

- (الف) در عالم زیبایی تو خواجهٔ معروفی  
(ب) ساقی از این مقام شد صبح نشاط، شام شد  
(ج) در سرم هست که خاک کف پای تو شوم  
(د) با وجود تو نموده است امیدی ما را

- (۱) الف، د (۲) الف، ج (۳) ب، ج (۴) ب، د

۱۸۶- با توجه به بیت «دلدار که گفتا به توأم دل نگران است / گو می‌رسم اینک به سلامت، نگران باش» کدام مورد کاملاً درست است؟ (تجربی ۹۸)

- (۱) بیت فاقد مفعول است.  
(۲) در بیت، چهار نهاد وجود دارد.  
(۳) دو جملهٔ اسنادی در بیت وجود دارد.  
(۴) دو واژهٔ مرکب در بیت وجود دارد.

۱۸۷- «ان» در کدام مصراع‌ها به ترتیب: «نشانهٔ جمع، صفت فاعلی، نشانهٔ نسبت» است؟ (تجربی ۹۸)

- (الف) کجا افتاد آن مجنون در این دوران نمی‌دانم  
(ب) چه می‌خواهد از این مسکین سرگردان نمی‌دانم  
(ج) به جز تو در همه گیتی دگر جانان نمی‌دانم  
(د) در این حدیقه هنوز از سیاهکارانم

- (۱) الف، ب، د (۲) الف، د، ج (۳) د، الف، ب (۴) د، ب، ج

۱۸۸- نوع وابستهٔ وابسته در همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز: (انسانی ۹۸)

- (۱) دیوانهٔ قلمرو صحرای وحشتیم  
(۲) ای برق اگر به گوشهٔ آن بام بگذری  
(۳) چون قضا سلسلهٔ زلف تو عالم‌گیر است  
(۴) ناز است سدّ راه و گر نه در اشتیاق

۱۸۹- در همهٔ ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم‌آوا» دارد؛ به جز: (انسانی ۹۸)

- (۱) کدامین طالع این امداد کرده است  
(۲) اگر در هم شوی بس ناصواب است  
(۳) تفرّج را سوی سرو و سمن شد  
(۴) اسیر محنت ایام بودن  
که شاه از مستمندان یاد کرده است  
نه جرم تشنه و نه جرم آب است  
گلستانی به تاراج چمن شد  
به کام دشمنان ناکام بودن

۱۹۰- با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

(انسانی ۹۸)

- «گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان  
الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.  
ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.  
۱) الف، ب ۲) الف، ج

- هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»  
ب) یک مسند در بیت وجود دارد.  
د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.  
۳) ب، د ۴) ج، د

۱۹۱- معنی «ساختن» در کدام بیت متفاوت است؟

(انسانی ۹۸)

- ۱) بیارید داننده آهن‌گران  
۲) دیدم که ملک فقر من از ملک جم به است  
۳) کیمیای عشق او از خون دل‌ها ساختند  
۴) دوستان و دشمنان را آب و آتش فعل باش

- یکی گرز سازند ما را گران  
زر وام کردم از رخ و خاتم بساختم  
عاشقانش در طلب زین روی جان‌ها باختند  
بدسگالان را بسوز و نیک‌خواهان را بساز

۱۹۲- الگوی (نهاد+ مفعول+ مسند+ فعل) در کدام بیت یافت می‌شود؟

(انسانی ۹۸)

- ۱) بدین دو دیده حیران من هزار افسوس  
۲) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل  
۳) دیدن روی تو را دیده جان‌بین باید  
۴) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک

- که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم  
مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان  
وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است  
بر زبان بود مرا آنچه تو را در دل بود

۱۹۳- اگر بخواهیم نمودار «وابسته وابسته» را در مصراع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

(هنر ۹۸)

- ۱) باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن  
۳) معجزات پنج پیغمبر به رویش در پدید

- ۲) شرط است احتمال جفاهای دشمنان  
۴) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبد

۱۹۴- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، کدام است؟

(هنر ۹۸)

- «در هوای گل روی تو بود خواجه را  
۱) مضاف‌الیه، مفعول، مسند، نهاد  
۳) مضاف‌الیه، مفعول، نهاد، مسند

- هم‌نفس، بلبلی شب‌خیز خوش‌الحن همه شب»  
۲) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، مسند، نهاد  
۴) متمم، مضاف‌الیه، نهاد، مسند

۱۹۵- با توجه به متن زیر، کدام گزینه غلط است؟

(هنر ۹۸)

- «نوجوانی میان‌بالا با بر و بازویی خوش‌تراش و رعنا، سوار بر اسبی سینه‌فراخ پیشاپیش سپاه خود، دروازه‌های غربی تهران را با هیجان و شور بسیار به قصد تبریز پشت سر می‌گذاشت.»  
۱) در متن سه نقش تبعی (معطوف) آمده است.  
۲) اجزای تشکیل دهنده عبارت «نهاد + مفعول + فعل» است.  
۳) در کل متن، حذف فعل به قرینه معنوی دو بار یافت می‌شود.  
۴) نقش «سوار بر اسبی سینه‌فراخ» و «پیشاپیش سپاه خود» هر دو قیدی است.



۱۹۶- در عبارت زیر، به ترتیب چند صفت پیشین و چند صفت پسین وجود دارد؟ (هنر ۹۸)

«وه که چه پاییز دلنوازی است. این برگ خشک که بر زمین سرد و بی‌روحش می‌بینی نوای کدام نی روح‌بخش را می‌نوازد؟ مثل این است که پاییز همه‌ی نوا و نغمه‌اش را در جان زمین جاری می‌کند.»

(۱) پنج، شش (۲) پنج، پنج (۳) شش، هفت (۴) چهار، پنج

۱۹۷- کاربرد معنایی فعل «ماندن» در کدام بیت متفاوت است؟ (هنر ۹۸)

(۱) ای دل بشارتی دهمت محتسب نماند  
 (۲) دردا که یار در غم و دردم بماند و رفت  
 (۳) بر آن بودش اندیشه کاندرا جهان  
 (۴) مکن شادمانی به مرگ کسی  
 وز می جهان پر است و بت می‌گسار هم  
 ما را چو دود بر سر آتش نشاند و رفت  
 نماند کسی از نژاد مهان  
 که دهرت نماند پس از وی بسی

۱۹۸- اگر نقش واژه‌های قافیه: متممی، مفعولی، مسندی و اضافی باشد، ترتیب ابیات در کدام گزینه درست است؟ (زبان ۹۸)

(الف) در لباس دشمنی کردند با ما دوستی  
 (ب) گریه زندانی افلاک از هم نگسلد  
 (ج) غافلند از دستگاه مور قانع زیر خاک  
 (د) وه چه صیادی که از سهم تو شیران جهان  
 (۱) ب، د، الف، ج (۲) د، ج، الف، ب (۳) ب، الف، ج، د (۴) الف، د، ب، ج

۱۹۹- نمودار کدام گروه واژه، غلط است؟ (زبان ۹۸)

(۲) بهترین معمار خوش ذوق عمارت عالی قاپو

(۱) امتحانات بسیار فشرده رشته زبان

(۴) دوستان نسبتاً مجرب گروه آموزشی

(۳) سه طاقه پارچه ابریشم بافت ایران

۲۰۰- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟ (زبان ۹۸)

«سخن‌چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک‌مرد سلیم»

(۱) نهاد، مسند، متمم، مفعول (۲) مسند، قید، مفعول، نهاد

(۳) مسند، قید، نهاد، مفعول (۴) نهاد، مسند، مفعول، مفعول

۲۰۱- در عبارت زیر، چند وابسته پیشین و پسین، به ترتیب، وجود دارد؟ (زبان ۹۸)

«دل‌می‌خواست این نغمه آسمانی را همه بشنوند. همان کلمات شورانگیز که از داناترین استاد جهان شنیدم. کاش می‌شد یک لحظه همه را آشنا سازم.»

(۱) سه، پنج (۲) چهار، سه (۳) چهار، چهار (۴) پنج، چهار

(زبان ۹۸)

۲۰۲- «گذشتن» در کدام عبارت، معنای متفاوت دارد؟

- ۱) پس وی را گفتند: شما را بشارت باد که دقیانوس گذشت و ما خدای پرستیم.
- ۲) و جای هر کس در خدمت بارگاه و دیوان ضبط کردی تا از اندازه خویش نگذشتی.
- ۳) خردمند آن است که دست در قناعت زند که برهنه آمده است و برهنه خواهد گذشت.
- ۴) چون حال وی ظاهر است، زیاده از این نگویم که گذشته است و غایت آدمی مرگ است.

(تالیفی ۹۸)

۲۰۳- در کدام گزینه وابسته‌ی وابسته وجود ندارد؟

- ۱) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
- ۲) نی حدیث راه پُر خون می‌کند
- ۳) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
- ۴) هر کسی از ظنّ خود شد یار من

۲۰۴- در کدام گزینه جمله‌ای با ساختار «نهاد + مفعول + مسند + فعل» وجود دارد؟

- ۱) نگاهم بی تو چون آینه شد پامال حیرانی
- ۲) ای نسیم سحر، از خود به فغانم، برسان
- ۳) هم‌آغوش جنون رنگ غفلت دیده‌ای دارم
- ۴) به تسلیم از کمال نسخه هستی مشو غافل

۲۰۵- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... نقش تمام کلمات مشخص شده، به ترتیب درست است.

- ۱) نسیم صبحم از من خویشتن داری نمی‌آید (مسند-نهاد)
- ۲) مشیت خاکی چون شود سیلاب را مانع ز بحر؟ (مضاف الیه-نهاد)
- ۳) ما پریشان نظران خود گره کار خودیم (بدل-بدل)
- ۴) های های گریهام را خنده پندارند خلق (مفعول-مسند)

۲۰۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها تماماً درست است، به جز بیت گزینه .....

- ۱) گر آن خورشیدرو را هم سفر با خویشتن بینم (مسند-مفعول)
- ۲) مطیع امر توأم گر دلم بخواهی سوخت (مفعول-مسند)
- ۳) غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد (صفت-قید)
- ۴) شاخکی تازه برآورد صبا بر لب جوی (مضاف الیه-نهاد)

(تالیفی ۹۸)

۲۰۷- در کدام گزینه جمله‌ی مرکب وجود ندارد؟

- ۱) عقل می‌خواست کز آن شعله چراغ افروزد
- ۲) اگر روم ز پی‌اش فتنه‌ها برانگیزد
- ۳) چون حسن عاقبت نه به رندی و زاهدی است
- ۴) هزار نقد به بازار کاینات آرند

- عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد
- ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد
- آن به که کار خود به عنایت رها کنند
- یکی به سگه صاحب‌عیار ما نرسد

۲۰۸- نقش قسمت مشخص شده در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر یکسان نیست؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب  
 (۲) دم تیغ بر گردنش چون رسید  
 (۳) برافراخت پس دست خیبرگشا  
 (۴) چو نمود رخ شاهد آرزو
- ز هم رد نمودند هفتاد حرب  
 سر عمرو صد گام از تن پرید  
 پی سر بریدن بیفشرد پا  
 به هم حمله کردند باز از دو سو

۲۰۹- در کدام گزینه دو نوع نقش تبعی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟  
 (۲) خورشید آسمان و زمین نور مشرقین  
 (۳) خروشید و برجست لرزان ز جای  
 (۴) یکی روبهی دید بی‌دست و پای
- همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟  
 پرورده‌ی کنار رسول خدا، حسین  
 بدرید و بسپرد محضر به پای  
 فرو ماند در لطف و صنع خدای

۲۱۰- پسوند «ان» در واژه‌های مشخص شده به ترتیب از چه نوعی می‌باشد؟ (تالیفی ۹۸)

- ز هر ناحیت کاروان‌ها روان  
 تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش؛ تا زان پس  
 شه‌ریاران بود و خاک مهربانان این دیار  
 بامدادن که تفاوت نکنند لیل و نهار
- (۱) نسبت‌ساز - صفت فاعلی ساز - زمان - جمع  
 (۲) نسبت‌ساز - صفت فاعلی ساز - زمان - جمع  
 (۳) نسبت‌ساز - صفت فاعلی ساز - جمع - زمان  
 (۴) نسبت‌ساز - صفت فاعلی ساز - نسبت‌ساز - زمان - جمع
- به دیدار آن صورت بی‌روان  
 به هر جانب که رو آری درفش کاویان بینی  
 مهربانی کی سرآمد شه‌ریاران را چه شد  
 خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

۲۱۱- در کدام گزینه نقش دستوری واژه‌های مشخص شده به درستی تعیین شده است؟

- «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان»  
 (۱) مفعول، نهاد، مسند، مضاف الیه  
 (۲) متمم، نهاد، مفعول، نهاد  
 (۳) مفعول، مسند، نهاد، مسند  
 (۴) متمم، متمم، مفعول، مسند
- چه باک از موج بحر آن راکه باشد نوح کشتیبان»

۲۱۲- با توجه به ابیات زیر نقش کدام واژه با واژه‌های دیگر متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- «چون نداری ناخن درنده تیز  
 هر که با پولادبازو پنجه کرد  
 باش تا دستش ببندد، روزگار  
 (۱) ناخن (۲) ساعد (۳) رنجه (۴) مغز
- با ددان آن به که کم‌گیری ستیز  
ساعد مسکین خود را رنجه کرد  
 پس به کام دوستان مغزش برآر

۲۱۳- در کدام گزینه واژه‌ی دو تلفظی آمده است؟

- (۱) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو
- (۲) این فصل، فصل من و دوست، فصل شکوفایی ما
- (۳) با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم
- (۴) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم

(تالیفی ۹۸)

امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو  
برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو  
در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو  
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

۲۱۴- در کدام گزینه‌ها جمله‌ی مرکب آمده است؟

- (الف) اگر با پدر جنگ جوید کسی
  - (ب) مر او را رسد کبریا و منی
  - (ج) کلاه سعادت یکی بر سرش
  - (د) تا کمال علم او ظاهر شود
  - (هـ) چون گرفتی عبرت از گرگ دنی
  - (و) هم به چشم خود جمال خود بدید
- (۱) الف - ب - د - هـ      (۲) الف - ب - هـ - و

(تالیفی ۹۸)

پدر بی‌گمان خشم گیرد بسی  
که ملکش قدیم است و ذاتش غنی  
گلیم شقاوت یکی در برش  
این همه اسرار در صحرا نهاد  
پس تو روبه نیستی شیر منی  
متنی بر چشم نابینا نهاد

(۳) هـ - و - ج - د      (۴) ب - ج - د - هـ

۲۱۵- در کدام گزینه هر دو نوع واو عطف و ربط آمده است؟

- (۱) گر دیگران به عیش و طرب خرم‌اند و شاد
- (۲) عشق را رهنمای و ره نبُود
- (۳) چون عقل و هوش و دین و دلت را شراب برد
- (۴) در گناه و در نیاز از توست هر کس را سؤال

(تالیفی ۹۸)

ما را غم نگار بُود مایه‌ی سرور  
در طریقت سر و کُله نبُود  
آهنگ این سفر به چه اسباب می‌کنی  
ز آن‌که جز بخشایش و بخشش نفرمایی جواب

۲۱۶- زمان افعال مشخص شده در ابیات زیر، در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟

- (الف) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟
  - (ب) ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
  - (ج) پیشانی عفو تو را پُرچین نسازد جرم ما
- (۱) ماضی التزامی - ماضی بعید - ماضی ساده  
(۲) ماضی نقلی - ماضی التزامی - مضارع التزامی  
(۳) ماضی نقلی - ماضی بعید - ماضی التزامی  
(۴) ماضی نقلی - ماضی التزامی - ماضی ساده

(تالیفی ۹۸)

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟  
در دام مانده باشد صیاد رفته باشد  
آئینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها؟

۲۱۷- در عبارت زیر به ترتیب چه تعداد و چند نوع وابسته‌ی وابسته وجود دارد؟

«در هوای نسبتاً گرم بهار دانش‌آموزان را به اردوی علمی و تفریحی کاشان بردیم. در یکی از اردوگاه‌های خارج شهر اسکان یافتیم. اردوگاهی زیبا به رنگ آبی آسمانی. از اردوگاه تا شهر را با اتوبوس پدر دوستم طی کردیم.»

(۱) پنج - چهار      (۲) پنج - سه  
(۳) چهار - سه      (۴) چهار - چهار

(تالیفی ۹۸)

۲۱۸- اگر ابیات زیر را به سبب وجود تناسب‌های «تضاد، ترادف، تضمّن، تناسب» بین واژگان آن‌ها، به ترتیب بیاوریم، کدام گزینه این ترتیب را درست نشان می‌دهد؟

(تالیفی ۹۸)

گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک  
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد  
چون زهره و یارا نبود چاره مداراست  
انگشت وزیر یا سر سلطانی است  
(۳ الف - ب - ج - د - ۴ د - ج - ب - الف

الف) هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک  
ب) گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت  
ج) با جور و جفای تو نسازیم چه سازیم؟  
د) هر خشیت که بر کنگره ایوانی است  
(۱ د - ب - ج - الف (۲ الف - ج - ب - د

(تالیفی ۹۸)

آهو روشی کبک خرامی نفرستاد  
وز آن خط چون سلسله دامی نفرستاد  
از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت  
کآتش ز عکس عارض ساقی در آن گرفت  
آن‌چه خود داشت ز بیگانگی تمنا می‌کرد  
طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد  
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد  
عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

۲۱۹- در افعال پایانی کدام گزینه، تغییر معنا ایجاد نشده است؟

(۱) سوی من وحشی صفت عقل رمیده  
دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست  
(۲) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی عشق  
آن روز شوق ساغر می، خرمم بسوخت  
(۳) سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد  
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است  
(۴) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد  
جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت

(تالیفی ۹۸)

۲۲۰- در همهی گزینه‌ها هم رای حرف اضافه و هم رای مفعولی به کار رفته است، به جز گزینه ..... .

گل را ز گل‌فروش به بستان که می‌برد؟  
رهروان عشق را دنیا نگرده پای‌بند  
به پرخاش درهم کشد روی را  
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

(۱) در شیشه‌خانه آینه را نیست اعتبار  
(۲) سیل را خاشاک در زنجیر نتواند کشید  
(۳) چو حجت نماند جفاجوی را  
(۴) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

(تالیفی ۹۸)

۲۲۱- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ی .....، از شیوه بلاغی استفاده شده است.

که بر کینه اول که بندد  
برانگیخت ابرش برافشانند گرد  
سر عمرو صد گام از تن پرید  
پس آنکه باستاد و هم‌زم خواست

(۱) دلیران میدان گشوده نظر  
(۲) که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد  
(۳) دم تیغ بر گردنش چون رسید  
(۴) بیامد به دشت و نفس کرد راست

(تالیفی ۹۸)

۲۲۲- نوع «را» ی به کار رفته در کدام گزینه، با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

چون شوم مست از شراب ناب خوابم می‌برد  
که بخشود بر بی‌گنه دادگر  
ما را ز بهشت یادگاری است  
یک‌جا فدای قامت رعنا کنم تو را

(۱) سبزه‌ی خوابیده را بیدار سازد آب و من  
(۲) همی داد مژده یکی را دگر  
(۳) هر جا که ز پای تو غباری است  
(۴) طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند

۲۲۳- نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
- ۲) به نام کردگار هفت افلاک
- ۳) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
- ۴) چو در وقت بهار آبی پدیدار

(تالیفی ۹۸)

- یقین دانم که بی شک جان جانی (مسند)
- که پیدا کرد آدم از کفی خاک (نهاد)
- تویی هم آشکارا هم نهانم (مسند)
- حقیقت پرده برداری ز رخسار (مفعول)

۲۲۴- در کدام گزینه جمله‌ی مرکب وجود دارد؟

- ۱) دل رمیده ما را که پیش می‌گیرد؟
- ۲) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
- ۳) طمع در آن لب شیرین نکردنم اولی
- ۴) تا عاشقان به بوی نسیمش دهند جان

(تالیفی ۹۸)

- خبر دهید به مجنون خسته از زنجیر
- همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
- ولی چگونه مگس از پی شکر نرود
- بگشود نافه‌ای و در آرزو ببست

۲۲۵- در کدام گزینه نقش تبعی نیامده است؟

- ۱) من به هر جمعیتی نالان شدم
- ۲) دید پیمبر نه به چشمی دگر
- ۳) که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد
- ۴) بیامد به دشت و نفس کرد راست

(تالیفی ۹۸)

- جفت بدحالان و خوشحالان شدم
- بلکه بدین چشم سر، این چشم سر
- برانگیخت ابرش برافشانند گرد
- پس آنکه باستاد و هم‌رزم خواست

۲۲۶- در همهٔ ابیات به استثنای بیت .....، مفعول، مقدم بر سایر ارکان موجود در جمله است.

- ۱) رخ شاه کاوس پر شرم دید
- ۲) خرد را گر نبخشد روشنایی
- ۳) ملک این‌جا بایدت انداختن
- ۴) کرم بین و لطف خداوندگار

(تالیفی ۹۸)

- سخن گفتنش با پسر نرم دید
- بماند تا ابد در تیره رای
- ملک این‌جا بایدت در باختن
- گنه بنده کرده است و او شرمسار

۲۲۷- نوع «واو» به کار رفته در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها یکسان نیست؟

- ۱) آن که بر فرق تاج از زر کرد
- ۲) خورد عالم را و بندد بر شکم سنگ مزار
- ۳) پیش ما بینی کریمانی که گاه مائده
- ۴) دلبـر جانـرُبـای عشق آمد

(تالیفی ۹۸)

- در لحد رفت و خاک بر سر کرد
- سیرچشمی در نهاد خاک مردم‌خوار نیست
- ماکیان بر در کنند و گربه در زندان سرا
- سر بُر و سِر نماي عشق آمد

۲۲۸- تناسب‌های معنایی در ترکیب‌های تمام گزینه‌ها یکسان است، به جز گزینهٔ ..... (تالیفی ۹۸)

- ۱) (عدل - داد)، (جنگ - حرب)، (نور - ضیا)، (تیره - تار)
- ۲) (دست - بدن)، (سبز - رنگ)، (کشتی - ورزش)، (مصرع - شعر)
- ۳) (پدر - خانواده)، (مدرسه - دانشگاه)، (کشتی - ناو)، (اصفهان - خوزستان)
- ۴) (مهر - کین)، (صیف - شتا)، (ترغیب - ممانعت)، (خوف - رجا)

۲۲۹- نقش تبعی در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!
  - ۲) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست
  - ۳) گفت دیناری بده پنهان و خود را و رهان
  - ۴) لب و دندان سنائی همه توحید تو گوید
- به دام دیو درافتی دریغ آن باشد  
ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟  
گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست  
مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی

۲۳۰- در همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی .....، واژه‌ای وجود دارد که تغییر معنا یافته است. (تالیفی ۹۸)

- ۱) به دستور فرمود تا ساربان
  - ۲) گر می‌گریزم از نظر مردمان «رهی»
  - ۳) شوخ شیخ آورد تا بازوی او
  - ۴) چو سوفارش آمد به پهنای گوش
- هیون آرد از دشت صد کاروان  
عیبم مکن که آهوی مردم ندیده‌ام  
جمع کرد آن جمله پیش روی او  
ز شاخ گوزنان برآمد خروش

۲۳۱- در کدام گزینه ویژگی سبکی «دو حرف اضافه برای یک متمم» وجود ندارد؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد
  - ۲) میندار این شعله افسرده گردد
  - ۳) به رستم بر آن‌گه ببارید تیر
  - ۴) کمان به‌زه را به بازو فکند
- بیداد ظالمان شما نیز بگذرد  
که بعد از من افروزد از مدفن من  
تهمت بدو گفت: بر خیره خیر  
به بند کمر بر بزد تیر چند

۲۳۲- در کدام گزینه تحول معنایی واژه مشخص شده، با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) ور ایدون که زین کار هستم گناه
  - ۲) چو او را بدیدند برخاست غو
  - ۳) بدان جامه‌ی شوخ در پیش تخت
  - ۴) بشد تیز ره‌ام با خود و گیر
- جهان آفرینم ندارد نگاه  
که آمد ز آتش برون شاه نو  
بیفتاد و گفت ای شه نیک‌بخت  
همی گرد رزم اندر آمد به ابر

۲۳۳- ردیف از نظر معنایی در کدام گزینه متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) مستم کن آن چنان که ندانم زه بی‌خودی
  - ۲) بر بوی آن که جرعه جامت به ما رسد
  - ۳) دل را که مرده بود، حیاتی به جان رسید
  - ۴) زاهد غرور داشت، سلامت نبرد راه
- در عرصه‌ی خیال که آمد، کدام رفت  
در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت  
تا بویی از نسیم می‌آش در مشام رفت  
رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

۲۳۴- در کدام گزینه صفت بیانی نمی‌یابید؟

(تالیفی ۹۸)

بِه که بسنجی کم و بسپار را  
قضا گویی نمی‌دانست رسم میزبانی را  
بِه شورستان تبه کردیم رنج باغبانی را  
ز باد عجب (= غرور) کشتیم این چراغ آسمانی را

۱) کم دهدت گیتی بسپاردان  
۲) یکی زین سفره، نان خشک برد آن دیگری حلوا  
۳) هزاران دانه افشانیدیم و یک گل زان میان نشکفت  
۴) چراغ آسمانی بود عقل اندر سر خاکی

۲۳۵- در کدام گزینه تعداد صفت بیانی (به عنوان وابسته پسین) بیشتر است؟

(تالیفی ۹۸)

رویی لطیف زیبا، چشمی خوش کشیده  
وان رفتن خوشش بین، وان گام آرمیده  
شمشاد خوش خرامش، در ناز پروریده  
چون قطره‌های شبنم، بر برگ گل چکیده

۱) لفظی فصیح شیرین، قدی بلند چابک  
۲) آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل‌آشوب  
۳) یاقوت جان‌فزایش، از آب لطف زاده  
۴) از تاب آتش می، برگرد عارضش خوی

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.



## پاسخ نامه دستور

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴

۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴
۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴
۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴
۹۷	۱	۲	۳	۴
۹۸	۱	۲	۳	۴
۹۹	۱	۲	۳	۴
۱۰۰	۱	۲	۳	۴

۱۰۱	۱	۲	۳	۴
۱۰۲	۱	۲	۳	۴
۱۰۳	۱	۲	۳	۴
۱۰۴	۱	۲	۳	۴
۱۰۵	۱	۲	۳	۴
۱۰۶	۱	۲	۳	۴
۱۰۷	۱	۲	۳	۴
۱۰۸	۱	۲	۳	۴
۱۰۹	۱	۲	۳	۴
۱۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۱۹	۱	۲	۳	۴
۱۲۰	۱	۲	۳	۴
۱۲۱	۱	۲	۳	۴
۱۲۲	۱	۲	۳	۴
۱۲۳	۱	۲	۳	۴
۱۲۴	۱	۲	۳	۴
۱۲۵	۱	۲	۳	۴
۱۲۶	۱	۲	۳	۴
۱۲۷	۱	۲	۳	۴
۱۲۸	۱	۲	۳	۴
۱۲۹	۱	۲	۳	۴
۱۳۰	۱	۲	۳	۴
۱۳۱	۱	۲	۳	۴
۱۳۲	۱	۲	۳	۴
۱۳۳	۱	۲	۳	۴
۱۳۴	۱	۲	۳	۴
۱۳۵	۱	۲	۳	۴
۱۳۶	۱	۲	۳	۴
۱۳۷	۱	۲	۳	۴
۱۳۸	۱	۲	۳	۴
۱۳۹	۱	۲	۳	۴
۱۴۰	۱	۲	۳	۴
۱۴۱	۱	۲	۳	۴
۱۴۲	۱	۲	۳	۴
۱۴۳	۱	۲	۳	۴
۱۴۴	۱	۲	۳	۴
۱۴۵	۱	۲	۳	۴
۱۴۶	۱	۲	۳	۴
۱۴۷	۱	۲	۳	۴
۱۴۸	۱	۲	۳	۴
۱۴۹	۱	۲	۳	۴
۱۵۰	۱	۲	۳	۴

۱۵۱	۱	۲	۳	۴
۱۵۲	۱	۲	۳	۴
۱۵۳	۱	۲	۳	۴
۱۵۴	۱	۲	۳	۴
۱۵۵	۱	۲	۳	۴
۱۵۶	۱	۲	۳	۴
۱۵۷	۱	۲	۳	۴
۱۵۸	۱	۲	۳	۴
۱۵۹	۱	۲	۳	۴
۱۶۰	۱	۲	۳	۴
۱۶۱	۱	۲	۳	۴
۱۶۲	۱	۲	۳	۴
۱۶۳	۱	۲	۳	۴
۱۶۴	۱	۲	۳	۴
۱۶۵	۱	۲	۳	۴
۱۶۶	۱	۲	۳	۴
۱۶۷	۱	۲	۳	۴
۱۶۸	۱	۲	۳	۴
۱۶۹	۱	۲	۳	۴
۱۷۰	۱	۲	۳	۴
۱۷۱	۱	۲	۳	۴
۱۷۲	۱	۲	۳	۴
۱۷۳	۱	۲	۳	۴
۱۷۴	۱	۲	۳	۴
۱۷۵	۱	۲	۳	۴
۱۷۶	۱	۲	۳	۴
۱۷۷	۱	۲	۳	۴
۱۷۸	۱	۲	۳	۴
۱۷۹	۱	۲	۳	۴
۱۸۰	۱	۲	۳	۴
۱۸۱	۱	۲	۳	۴
۱۸۲	۱	۲	۳	۴
۱۸۳	۱	۲	۳	۴
۱۸۴	۱	۲	۳	۴
۱۸۵	۱	۲	۳	۴
۱۸۶	۱	۲	۳	۴
۱۸۷	۱	۲	۳	۴
۱۸۸	۱	۲	۳	۴
۱۸۹	۱	۲	۳	۴
۱۹۰	۱	۲	۳	۴
۱۹۱	۱	۲	۳	۴
۱۹۲	۱	۲	۳	۴
۱۹۳	۱	۲	۳	۴
۱۹۴	۱	۲	۳	۴
۱۹۵	۱	۲	۳	۴
۱۹۶	۱	۲	۳	۴
۱۹۷	۱	۲	۳	۴
۱۹۸	۱	۲	۳	۴
۱۹۹	۱	۲	۳	۴
۲۰۰	۱	۲	۳	۴

۲۰۱	۱	۲	۳	۴
۲۰۲	۱	۲	۳	۴
۲۰۳	۱	۲	۳	۴
۲۰۴	۱	۲	۳	۴
۲۰۵	۱	۲	۳	۴
۲۰۶	۱	۲	۳	۴
۲۰۷	۱	۲	۳	۴
۲۰۸	۱	۲	۳	۴
۲۰۹	۱	۲	۳	۴
۲۱۰	۱	۲	۳	۴
۲۱۱	۱	۲	۳	۴
۲۱۲	۱	۲	۳	۴
۲۱۳	۱	۲	۳	۴
۲۱۴	۱	۲	۳	۴
۲۱۵	۱	۲	۳	۴
۲۱۶	۱	۲	۳	۴
۲۱۷	۱	۲	۳	۴
۲۱۸	۱	۲	۳	۴
۲۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۲۹	۱	۲	۳	۴
۲۳۰	۱	۲	۳	۴
۲۳۱	۱	۲	۳	۴
۲۳۲	۱	۲	۳	۴
۲۳۳	۱	۲	۳	۴
۲۳۴	۱	۲	۳	۴
۲۳۵	۱	۲	۳	۴
۲۳۶	۱	۲	۳	۴
۲۳۷	۱	۲	۳	۴
۲۳۸	۱	۲	۳	۴
۲۳۹	۱	۲	۳	۴
۲۴۰	۱	۲	۳	۴
۲۴۱	۱	۲	۳	۴
۲۴۲	۱	۲	۳	۴
۲۴۳	۱	۲	۳	۴
۲۴۴	۱	۲	۳	۴
۲۴۵	۱	۲	۳	۴
۲۴۶	۱	۲	۳	۴
۲۴۷	۱	۲	۳	۴
۲۴۸	۱	۲	۳	۴
۲۴۹	۱	۲	۳	۴
۲۵۰	۱	۲	۳	۴